

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده.....
۲	مقدمه.....
۲	الف) بیان مسأله و اهمیت موضوع.....
۳	ب) علت انتخاب موضوع.....
۴	ج) پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن.....
۵	د) مشکلات و موانع پژوهش.....
۶	ه) پرسش‌های پژوهش.....
۶	و) فرضیه‌های پژوهش.....
۷	ز) اهداف و کاربردهای پژوهش.....
۸	ح) روش پژوهش.....
۸	ط) ساماندهی پژوهش.....

بخش نخست :

ضبط و مصادره اموال

۱۰	فصل اول : تعریف ، مفهوم ، سابقه تاریخی ضبط و مصادره اموال.....
۱۰	مبحث اول : بررسی مفهوم ضبط و مصادره اموال.....
۱۱	گفتار اول : تعریف ضبط.....
۱۱	الف) ضبط در لغت.....
۱۲	ب) ضبط در اصطلاح حقوق.....
۱۳	ج) ضبط به معنای مصادره اموال.....
۱۴	د) ضبط به معنی توقیف و بازداشت موقت اشیاء و اموال.....
۱۵	۱- ضبط به منظور امحاء یا معدوم کردن.....
۱۵	۲- ضبط به منظور پیشگیری از خطر و ضرری که ممکن است برای جامعه بوجود آید.....
۱۶	۳- ضبط به عنوان دلیل.....

۱۶	ه (ضبط به معنی جریمه و مجازات.....
۱۷	گفتار دوم : تعریف مصادره و انواع آن.....
۱۷	الف (مصادره در لغت.....
۱۸	ب (مصادره در اصطلاح حقوق.....
۱۹	ج (انواع مصادره.....
۱۹	۱- عام و خاص.....
۲۰	۲- عینی و قیمی.....
۲۱	۳- کیفری و مدنی.....
۲۲	۴- اجباری و اختیاری.....
۲۳	مبحث دوم : سابقه تاریخی و وجه تمایز میان ضبط و مصادره ی اموال.....
۲۳	گفتار اول : بررسی سابقه تاریخی ضبط و مصادره ی اموال.....
۲۳	الف (در تاریخ اسلام.....
۲۴	ب (در تاریخ ایران باستان.....
۲۵	ج (در تاریخ دنیا.....
۲۶	گفتار دوم : وجه تمایز میان ضبط و مصادره.....
	فصل دوم : جایگاه ضبط و مصادره اموال در قوانین جزایی و طبقه بندی مجازات ها و مراجع
۲۹	ذیصلاح برای ضبط و مصادره.....
۲۹	مبحث اول : ضبط و مصادره اموال در قوانین جزایی.....
۲۹	گفتار اول : بررسی تحلیلی در قانون مجازات اسلامی.....
۳۳	الف (بررسی مجازات ماده ۵۲۲.....
۳۵	ب (بررسی مجازات ماده ۵۶۲.....
۳۶	ج (بررسی مجازات ماده ۷۰۹.....
۳۹	گفتار دوم : بررسی تحلیلی در قانون آئین دادرسی کیفری.....
۳۹	الف) بررسی مواد مربوط به نحوه ی ضبط آلات و ادوات جرم.....
۴۱	ب) تجدیدنظر از احکام ضبط و مصادره اموال.....

- گفتار سوم : بررسی ضبط و مصادره در قوانین مربوط به قاچاق..... ۴۳
- گفتار چهارم : بررسی ضبط و مصادره در قوانین گمرکی..... ۴۵
- مبحث دوم : تبیین ضبط و مصادره در طبقه بندی مجازاتها، محاسن و معایب ضبط و مصادره..... ۴۶
- گفتار اول : اقدام تأمینی یا مجازات..... ۴۶
- گفتار دوم : مجازات اصلی یا تکمیلی ، تبعی..... ۵۰
- الف) مجازات اصلی..... ۵۰
- ب) مجازات تکمیلی و تبعی..... ۵۱
- گفتار سوم : محاسن و معایب ضبط و مصادره..... ۵۲
- الف) محاسن ضبط و مصادره اموال..... ۵۲
- ب) معایب ضبط و مصادره اموال..... ۵۴
- گفتار چهارم: لزوم احترام به حقوق اشخاص ثالث در ضبط و مصادره اموال..... ۵۵
- مبحث سوم : بررسی مراجع صالح برای ضبط و مصادره..... ۵۶
- گفتار اول : قوه قضائیه..... ۵۶
- الف) دادگاهها..... ۵۶
- ب) دادسراها..... ۵۸
- گفتار دوم: سازمان تعزیرات حکومتی..... ۵۹
- گفتار سوم : حکم به ضبط و مصادره از سوی قوه مقننه ۶۰
- گفتار چهارم : فرمان حکومتی ولایت فقیه..... ۶۲

بخش دوم :

رد مال حاصل از جرم

- مقدمه..... ۶۵
- فصل اول : قواعد عمومی استرداد اموال..... ۶۶
- مبحث اول : تعریف و تبیین کلیات و مفهوم رد مال حاصل از جرم..... ۶۶

گفتار اول : تعریف و مفهوم رد مال در قرآن و نهج البلاغه.....	۶۷
الف (تعریف رد مال (استرداد).....	۶۷
ب (مفهوم رد مال.....	۶۸
ج (حکم استرداد اموال در قرآن.....	۶۸
د (استرداد اموال و استعاده در نهج البلاغه.....	۶۹
گفتار دوم : بررسی تعریف مال حاصل از جرم و چگونگی رد مال.....	۶۹
الف (تعریف مال حاصل از جرم.....	۶۹
ب (تکلیف مجرم در رد مال.....	۷۰
ج (تکلیف مقام قضایی در رد اموال.....	۷۱
د (رد عین مال.....	۷۲
ه (رد مثل یا قیمت.....	۷۲
مبحث دوم : استرداد و استعاده مال حاصل از جرم و تشریفات مطالبه مال و ضرر و زیان.....	۷۴
گفتار اول : بررسی مراجع صالح برای اجرای قرار یا حکم رد اموال.....	۷۸
الف (مرجع اجرای قرار یا حکم رد مال.....	۷۸
۱- رد اموال از سوی مامورین اجرایی.....	۷۹
۲- رد اموال از سوی ضابطین دادگستری.....	۷۹
ب) رد اموال در دادگاه‌های عمومی.....	۸۰
گفتار دوم: اعتراض از تصمیم بازپرس و دادستان و دادگاه راجع به رد اشیاء	
و اموال حاصل از جرم.....	۸۲
الف) مرجع اعتراض از قرار دادسرا راجع به رد مال.....	۸۳
ب) مرجع اعتراض از قرار یا حکم دادگاه راجع به رد مال.....	۸۴
گفتار سوم: شرایط صدور دستور استرداد اموال از سوی مقام قضایی.....	۸۶
فصل دوم : رد مال حاصل از جرم در حقوق داخلی و اسناد بین المللی.....	۸۹
مبحث اول : رد مال حاصل از جرم در حقوق داخلی و چگونگی استیفای اموال.....	۸۹
گفتار اول : در قانون اساسی.....	۸۹

- گفتار دوم: در قوانین عادی..... ۹۰
- الف) قانون مجازات اسلامی..... ۹۰
- ب) سایر قوانین..... ۹۲
- گفتار سوم: رد مال در جرایمی که نیاز به دادخواست ندارند..... ۹۳
- گفتار چهارم: رد مال در جرایمی که نیاز به دادخواست دارند..... ۹۴
- گفتار پنجم: رد مال در جرایم خاص..... ۹۵
- الف) سرقت..... ۹۵
- ب) کلاهبرداری..... ۹۶
- گفتار ششم: چگونگی استرداد در فرض تعدد مجرمین..... ۹۸
- مبحث دوم: رد مال حاصل از جرم در اسناد بین المللی..... ۱۰۲**
- گفتار اول: کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روان. گردان
- مصوب ۱۹۸۸ (کنوانسیون وین)..... ۱۰۲
- گفتار دوم: کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی،
- مصوب ۲۰۰۰ (کنوانسیون پالرمو)..... ۱۰۳
- گفتار سوم: اموال قابل مصادره و استرداد در کنوانسیون پالرمو..... ۱۰۴
- گفتار چهارم: کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، مصوب ۲۰۰۳
- (کنوانسیون مریدا)..... ۱۰۵
- نتیجه گیری و پیشنهادات..... ۱۰۸**
- منابع و مآخذ..... ۱۱۲**
- ضمایم..... ۱۱۷**
- نمونه رأی دادگاه انقلاب دایر بر شمولیت اصل ۴۹ قانون اساسی و فرمان حکومتی حضرت
- امام..... ۱۱۷
- حکم دادگاه انقلاب اسلامی دایر بر ضبط و مصادره اموال خاندان پهلوی..... ۱۱۸
- نمونه رأی تجدیدنظر در خصوص دعاوی دادگاه انقلاب اسلامی ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی..... ۱۲۰

- ۱۲۲ نمونه رأی تجدیدنظر در خصوص رد مال حاصل از جرم در کلاهبرداری.
- نمونه رأی تجدیدنظر در مورد رد مال و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت یوم‌الرد
- ۱۲۴ در جرم فروش مال غیر.
- نمونه رأی تجدیدنظر در مورد رد عین مال و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت
- ۱۲۶ اموال مسروقه.
- نمونه رأی تجدیدنظر در مورد رد عین و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت
- ۱۲۸ اموال مسروقه.

چکیده

برقراری نظم اجتماعی اقتضاء می‌کند که مالکیت مشروع و قانونی اشخاص مصون از هر گونه تعرض بوده و مورد احترام باشد گاهی اتفاق می‌افتد که تملك اشخاص نسبت به اموالی فاقد مبنای قانونی و مشروع باشد چنین مالکیتی را نمی‌توان محترم تلقی کرد و گاهی این اموال به نوعی به ارتکاب جرم ارتباط دارند در این صورت بحث ضبط و مصادره اموال اشخاص به عنوان یکی از ضمانت‌های اجرایی کیفری مطرح می‌شود. البته لزوم احترام به حق مالکیت اشخاص امر مهمی است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر آن تأکید شده است. بحث رد مال حاصل از جرم نیز در نقطه مقابل ضبط و مصادره اموال مطرح می‌شود و برای بزه دیده از جرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. اهمیت بحث رد مال تا جایی است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز نسبت به آن تأکید شده است. به عنوان یک اصل کلی بزه‌دیده در برابر خسارت وارده علاوه بر استرداد کلیه اموال از دست داده‌ی خود مستحق ضرر و زیان نیز می‌باشد و لازم است رفتار با بزه‌دیده توأم با همدردی و احترام بوده و ساز و کارهای قضایی برای جبران خسارت فوری را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

ضبط، مصادره، رد مال، مال حاصل از جرم، استرداد

مقدمه

الف)- بیان مسأله و اهمیت موضوع

رسالت اصلی علم حقوق برقراری نظم اجتماعی می‌باشد، و بدون آن زندگی مردم با مخاطره‌ی جدی روبرو می‌شود. جرایم اصولاً از جهت لطمه زدن به نظم عمومی و منافع عموم جرم‌انگاری شده و مورد تعقیب قرار می‌گیرند. ولی گاهی هم لطمه زدن به منافع فردی موجب جرم‌انگاری یک امر می‌شود. ارزش‌های مورد حمایت حقوق کیفری بعضاً ارتباط با اموال و مالکیت دارند. برقراری نظم اجتماعی می‌طلبد که حقوق اشخاص مورد احترام بوده و مالکیت مشروع و قانونی آنها مصون از هر گونه تعرض قرار گیرد. این موضوع نه تنها در حقوق داخلی کشورها پیش‌بینی شده بلکه در اسناد بین‌المللی هم بر اهمیت حق مالکیت و لزوم احترام به آن تاکید شده است.

گاهی اتفاق می‌افتد که تملک اشخاص نسبت به اموالی فاقد مبنای قانونی و مشروع باشد، چنین مالکیتی را نمی‌توان محترم تلقی کرد و گاهی این اموال به نوعی به ارتکاب جرم ارتباط دارند. بدین معنی که یا از طریق ارتکاب جرم تحصیل شده یا موضوع جرم بوده یا بعنوان ابزار در ارتکاب جرم مورد استفاده قرار گرفته است و... در این صورت بحث ضبط و مصادره اموال اشخاص مطرح می‌شود.

ضبط و مصادره بعضی از اموال خصوصاً اموال خطرناک از نقطه نظر پیش‌گیری از جرم دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. فرضاً از طریق ضبط و مصادره سلاح و سایر آلات خطرناک ارتکاب جرم می‌توان از ارتکاب جرایم بدین منوال جلوگیری کرد.

یکی از ضمانت‌اجراهای کیفری در قوانین جزایی ضبط و مصادره اموال می‌باشد. بررسی، تبیین و تحلیل حقوقی ضبط، مصادره و رد مال حاصل از جرم و بررسی مراجع و مقامات صالح برای اعمال مجازات ضبط و مصادره که از طریق وضع قوانین مناسب توسط قوهی مقننه اعمال می‌گردد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اهمیت موضوع ضبط، مصادره و رد مال حاصل از جرم به اندازه ای است که در اسناد بین‌المللی (کنوانسیون‌ها) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این پایان‌نامه کوشش می‌شود که این مطالب دقیقاً از یکدیگر تفکیک و روشن گردد.

ب) - علت انتخاب موضوع

موضوع ضبط و مصادره و ضرورت رد مال حاصل از جرم از جمله موضوعاتی بوده که همواره مورد توجه مراجع قضایی بوده است هر چند که در قوانین جزایی متفرقه موادی پیرامون ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم ذکر شده است و در ماده ۹ و ۱۰ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز تکالیف مجرم و مقامات قضایی در رد مال حاصل از جرم بیان شده است. اما به نظر می‌رسد آئین رسیدگی روشن و شفافی در مورد چگونگی ضبط و مصادره اموال و همچنین استیفای مال حاصل از جرم وجود ندارد. از این رو موضوع ضبط، مصادره و رد مال حاصل از جرم بعنوان موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد انتخاب نموده شده است.

باتوجه به اهمیت موضوع پژوهش علاوه بر قوانین داخلی مقرراتی در این خصوص در کنوانسیون‌های بین المللی پیش‌بینی شده است و کشور ایران نیز برخی از این کنوانسیون‌ها نظیر کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مصوب ۱۹۸۸ (کنوانسیون وین) را مورد پذیرش قرار داده و به آن ملحق شده است و احتمالاً در آینده به سایر کنوانسیون‌ها نیز بپیوندد لذا با بررسی موضوع پژوهش در کنوانسیون‌های بین المللی و عنایتاً به اینکه در تدوین این‌گونه کنوانسیون‌ها از دانش حقوق کلیه کشورها استفاده شده که منطبق با نیازهای جامعه جهانی بوده، می‌توان در قانونگذاری، بهره برداری لازم را انجام داد و هر چه بهتر با تکالیف و تعهدات کشورهای عضو آشنا شد.

ج - پیشینه پژوهش و ضرورت انجام آن

علیرغم اهمیت موضوع ضبط و مصادره اموال و رد مال حاصل از جرم این موضوع زیاد مورد توجه حقوقدانان قرار نگرفته است و صرفاً به ذکر ضبط و مصادره اموال در زمره مجازات‌های مالی بسنده شده است. بررسی‌های انجام شده حاکی از این واقعیت است که در زمینه موضوع پایان‌نامه مطالعات و پژوهش‌های بسیار محدودی انجام شده و منابع محدودی به زبان فارسی به شرح زیر با مشقت در دسترس می‌باشد.

۱- کتاب دکتر حمید محمدی با عنوان ضبط و مصادره و استرداد اموال که در سال ۱۳۷۵ از طرف انتشارات گنج دانش برای یک نوبت چاپ و منتشر شده است .

۲- پایان نامه کارشناسی ارشد آقای سید حسن قاسمی با عنوان ضبط و مصادره اموال در حقوق کیفری ایران

۳- پایان نامه کارشناسی ارشد آقای نبی الله پطرودی با عنوان ضبط و مصادره اموال در جرایم قاچاق مواد مخدر

۴- رساله دکترای آقای دکتر حمید دلیر با عنوان اموال مرتبط با جرم در حقوق ایران و انگلستان و اسناد بین المللی که اخیراً به شکل کتاب با عنوان حقوق مصادره از طرف انتشارات بنیاد حقوقی میزان منتشر شده است .

هیچ یک از مؤلفین بطور اختصاصی به بحث رد مال حاصل از جرم موضوع بخش دوم پایان نامه حاضر نپرداخته‌اند بنابراین ضمن تقدیر و ارج نهادن تلاش علمی تمام نویسندگان و پژوهشگران به نظر می‌رسد آثار حقوقی موجود نیازهای جامعه حقوقی را برآورده نمی‌سازد.

در این پایان‌نامه سعی شده با کمک اساتید عزیزم که از فرهیختگان حقوق کیفری کشور محسوب می‌شوند گامی موثر در رفع نیازهای حقوقی در خصوص موضوع پایان‌نامه برداشته شود.

د- مشکلات و موانع پژوهش

مطمئناً در انجام یک پژوهش همیشه مشکلات و موانع و محدودیت‌هایی به پژوهشگر

تحمیل می‌شود حقیر نیز در انجام پژوهش حاضر با مشکلات و محدودیت‌هایی روبرو

بوده‌ام. کمبود منابع در زمینه موضوع پایان‌نامه و همچنین مشکلاتی که در مراجعه به محاکم و مطالعه و بهره برداری از پرونده ها در خصوص موضوع پژوهش علیرغم اخذ معرفی نامه های لازم داشته‌ام از موارد قابل ذکر است.

ه) - پرسش های پژوهش

در پایان نامه حاضر سعی شده پرسش‌های مختلفی که در خصوص ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم همیشه مطرح بوده و پاسخ صریحی در مورد آنها بیان نگردیده ذکر و پاسخ آنها نیز ارائه گردد .

مهم ترین پرسش‌هایی که این پایان نامه در پی یافتن پاسخ آنها بوده عبارتند از:

۱- تعریف ضبط و مصادره چیست و چه تفاوتی با هم دارند؟

۲- ماهیت ضبط و مصادره اموال چیست؟ آیا دارای ماهیت جزایی هستند یا دارای ماهیت حقوقی می باشند؟ در صورتی که مجازات محسوب شوند مجازات اصلی هستند یا تکمیلی و تبعی؟

۳- مبانی و ضوابط شرعی و قانونی ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم کدام است؟

۴- آیا اموال حاصل از جرم صرفاً اموالی هستند که بصورت مستقیم از ارتکاب جرم تحصیل شده اند یا اموالی که بصورت غیر مستقیم از ارتکاب جرم تحصیل می شوند را نیز شامل می‌شوند؟

۵- آیا رد مال حاصل از جرم مجازات محسوب می شود یا دارای ماهیت حقوق مدنی

می باشد؟

و) - فرضیه های پژوهش

به موازات پرسش های اصلی این پژوهش فرضیه های نیز قابل تصور می باشد که به ذکر

این فرضیه ها می پردازیم.

۱- ضبط عبارت است از توقیف مال موجود و کشف شده ای حاصل از جرم کسی به طور

موقت و بدون حق برداشتن و مصادره به معنای محرومیت دائم از مالکیت به موجب حکم

صادر از یک دادگاه صالح می باشد و تفاوت آن ها ضبط در واقع نوعی اقدام تأمینی و

احتیاطی است و وجه افتراقش با مصادره مجازات بودن مصادره است.

۲- ضبط و مصادره ی اموال یکی از ضمانت اجراهای کیفری در قوانین جزایی ما تلقی

می شود و اغلب به عنوان مجازات تکمیلی ذکر گردیده است. البته گاهی هم ماهیت غیر از

مجازات دارد.

۳- تحصیل اموال از طریق ارتکاب جرم، اختصاص اموال برای ارتکاب جرم، فقدان

منفعت عقلایی و مشروع و ... از جمله ضوابط و معیارهایی می باشد که دادگاه بر اساس آن

می تواند در مورد ضبط و مصادره و رد مال تعیین تکلیف نماید.

۴- تمام اموالی که بصورت مستقیم یا غیر مستقیم در نتیجه ارتکاب جرم تحصیل شده

باشد مال حاصل از جرم تلقی شده و قابل ضبط و مصادره است .

۵- بحث رد مال حاصل از جرم با توجه به اصول کلی حقوقی و فقهی دارای ماهیت حقوقی می باشد ولی قانونگذار در حکم کلی مندرج در مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی به نوعی رد مال را ضمانت اجرای کیفری هم تلقی کرده است

ز)- اهداف و کاربردهای پژوهش

انجام هر کار پژوهشی از طرف پژوهشگر برای نیل به اهداف و مقاصد خاص صورت می گیرد که پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. هدف طرح ابهامات و پرسش هایی است که مراجع قضایی و جامعه حقوقی در خصوص موضوع ضبط و مصادره و رد مال حاصل از جرم با آن مواجه هستند و در مرحله ی بعد تعیین پاسخ های مناسب برای ابهامات پرسش های مذکور و مدنظر بوده است. طرح این موضوع این فایده را هم دارد که می تواند زمینه اظهار نظر اندیشمندان و علمای علم حقوق را فراهم کند و در مورد کاربرد های پژوهش نیز می توان گفت که نتایج این پژوهش می تواند در جنبه های علمی و کاربردی و تقنینی مثمر ثمر واقع شود.

ح)- روش پژوهش

در روش تحقیق دو مطلب حائز اهمیت می باشد اول گردآوری و دوم تجزیه و تحلیل و فصلبندی مطالب. این پژوهش نیز مانند سایر پژوهش های علوم انسانی تحلیلی و توصیفی بوده و عمدتاً با بهره گیری از منابع اسنادی و کتابخانه ای انجام شده و در گردآوری مطالب و اطلاعات لازم ضمن استفاده از منابع محدود داخلی و مقاله ها از کنوانسیون های بین المللی

نیز استفاده گردیده است نگارنده در طول انجام این پژوهش از نظریات اساتید برجسته حقوق هم بی نصیب نبوده و به نحوی آن نظریات را منعکس نموده است .

ط) – ساماندهی پژوهش

پایان نامه حاضر در دو بخش تدوین شده است در بخش اول به بررسی ضبط و مصادره اموال پرداخته شده و بخش دوم به بررسی رد مال حاصل از جرم اختصاص داده شده است بخش اول با عنوان ضبط و مصادره اموال دارای دو فصل بوده ، فصل اول با عنوان تعریف ، مفهوم ، سابقه تاریخی ضبط و مصادره اموال که خود دارای دو مبحث می باشد و فصل دوم با عنوان جایگاه ضبط و مصادره اموال در قوانین جزایی و طبقه بندی مجازات ها و مراجع ذیصلاح برای ضبط و مصادره اموال که خود در سه مبحث مورد بررسی قرار گرفته است . بخش دوم با عنوان رد مال حاصل از جرم بوده و در دو فصل، فصل اول قواعد عمومی استرداد اموال که خود دارای دو مبحث می باشد و فصل دوم با عنوان رد مال حاصل از جرم در حقوق داخلی و اسناد بین المللی بوده و در دو مبحث مورد بررسی قرار گرفته است .

بخش اول

ضبط و مصادره‌ی اموال

فصل اول: تعریف ، مفهوم ، سابقه ی تاریخی و تمایز ضبط و مصادره اموال

یکی از تصمیماتی که مراجع قضایی در مورد اموالی که به نوعی با جرم ارتباط داشته اند اخذ می‌نماید ضبط اموال مذکور می باشد گاهی اتفاق می افتد که اموال ضبط شده به نفع دولت مصادره شود در این فصل به تعریف و مفهوم و سابقه تاریخی ضبط و مصادره در تاریخ اسلام و تاریخ ایران باستان و همچنین در تاریخ دنیا پرداخته می‌شود و نیز وجوه تمایز بین ضبط و مصادره اموال مورد بررسی قرار می‌گیرد .

مبحث اول: بررسی تعریف و مفهوم ضبط و مصادره ی اموال

ضبط و مصادره از جمله اصطلاحاتی هستند که در حقوق ایران معنی و مفهوم دقیق آنها مشخص نشده است و حقوقدانان تعاریف مختلفی از آنها ارائه نموده‌اند و در قوانین نیز هریک از

این عناوین به معانی مختلفی بکار رفته‌اند در این مبحث به بررسی تعریف و مفهوم دقیق ضبط و مصادره اموال می‌پردازیم .

گفتار اول: تعریف ضبط

همانطور که فوقاً ذکر گردید حقوقدانان تعاریف مختلفی از ضبط اموال ارائه نموده‌اند ذیلاً معانی لغوی و اصطلاحی و همچنین تعاریف ارائه شده در مورد ضبط به تفکیک بیان می‌گردد .

الف) ضبط در لغت:

ضبط کلمه ای عربی و ریشه ی آن ضَبَطَ است و به معانی نگاهداری ، حفظ کردن، محکم کردن، بایگانی و بازداشت کردن آمده است.^۱

در فرهنگ فارسی معین ضبط به معانی مختلفی از جمله نگهداشتن، تصرف کردن، در قبضه در آوردن، رساندن سخن به گوش شنونده به نحوی که آن را از دیگری فرا گرفته، حفظ و نگاهداری بکار رفته است.^۲

در کتاب مبسوط در ترمینولوژی حقوق ضبط در دو معنی بکار رفته است.

۱- عمل متصدی بایگانی (ضابط)

۲- نگاهداری حفظی یا کتبی حدیث است از زمان استماع تا زمان اظهار و بیان آن، و ضبط جاری در این کتاب یعنی بایگانی پرونده هایی که کار راجع به آنها هنوز پایان نیافته است و گرنه

^۱ - افرام البستانی ،فؤاد؛ فرهنگ جدید عربی- فارسی منجدالطلاب، ترجمه محمد بندرریگی چاپ دوازدهم، انتشارات اسلامی، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۲۰

^۲ - معین، محمد؛ فرهنگ فارسی ،مجموعه ی دو جلدی، گردآورنده عزت اله علیزاده، چاپ سوم، انتشارات آدنا، ۱۳۸۴

آن را ضبط راکد گویند و ضبط خاص یعنی مصادره کردن اموال و جزء اموال خاص سلطان کردن.^۱ در سایر فرهنگ ها نیز تقریباً همین معانی تکرار شده است.

معادل انگلیسی ضبط واژه «seizure» می باشد برخی از نویسندگان ضبط را معادل واژه ی انگلیسی «forfeiture» دانسته اند.^۲

اما گفته اند که ظاهراً منظور از ضبط در نظر آنان همان مصادره بوده است و این موضوع ناشی از این است که در ترجمه فارسی برخی از اسناد بین المللی واژه ی «forfeiture» به معنای ضبط ترجمه شده است.^۳

در ترجمه فارسی کنوانسیون وین واژه confiscation به معنای ضبط و واژه ی «forfeiture» به عنوان جریمه معنا شده است.^۴

ب) ضبط در اصطلاح حقوقی:

در قوانین جزایی ضبط به طور خاص تعریف نشده است بلکه در قوانین متعدد به معنای مختلف بکار رفته است، اما اکثر حقوقدانان ضبط را مترادف با مصادره اموال دانسته و در اکثر تعاریف به عمل آمده نه تنها آن دو را تفکیک نکرده بلکه در کنار هم قرار داده اند. چنانکه برخی گفته اند «ضبط مال به معنای نگهداری و توقیف آن است که اگر برای همیشه و به نفع دولت

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ مسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد سوم، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۸۱، ص ۲۳۸۳

^۲ - عباسی، اصغر؛ بررسی مساعی بین المللی در زمینه مبارزه با پول شویی و رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال آن، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۷۸

^۳ - دلیر، حمید؛ حقوق مصادره، چاپ اول، انتشارات میزان، بهار ۱۳۹۰ ص ۴۸

^۴ - همان، ص ۵۵

برداشت شود، مصادره نیز نامیده می‌شود. ضبط موقت اشیاء و اموال معمولاً در مرحله تحقیق و کشف جرم به عمل می‌آید.^۱

حقوقدان دیگری در تعریف ضبط آورده است «تسلیم مادی اموال حاصل از جرم به مالک یا قائم مقام قانونی او استرداد نامیده می‌شود، و توقیف این اموال و برداشتن به نفع دولت را ضبط می‌نامند».^۲

همچنین حقوقدان دیگری ضبط را از نظر حقوقی چنین تعریف کرده است: «ضبط عبارت است از توقیف مال موجود و کشف شده‌ی حاصل از جرم کسی به طور موقت و بدون حق برداشتن که در اموال و اشیاء مربوط به ارتکاب جرم یا اموال حاصل از جرم و به موجب دستور یا قرار یا حکم مقام صلاحیتدار قانونی صورت می‌گیرد، و موکول به استرداد به مالک و متصرف قانونی آن اعاده می‌باشد، و لذا نفع و حقوق مالک و متصرف، قانوناً محفوظ و در مدت توقیف، مال در نزد ضابط به امانت خواهد بود».^۳

ج) ضبط به معنی مصادره اموال

چنانکه گفته شد در قوانین جزایی ضبط به معانی مختلف بکار رفته است از جمله به معنای مصادره اموال، چنانچه توقیف اموال و اشیاء بصورت دائمی باشد و مالکیت افراد بصورت دائم نسبت به اموال توقیف شده سلب شود معنای مصادره از آن مستفاد می‌شود. البته لازم به یادآوری است برای حصول این منظور فقط دادگاه ذیصلاح اختیار تعیین تکلیف را دارد.

از مصادیق ضبط به معنای مصادره عبارت است از:

^۱ - زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات (حقوق جزای عمومی) چاپ سوم، انتشارات ققنوس، تهران ۱۳۸۲، ص ۱۰۵

^۲ - آخوندی، محمود؛ آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۹۵

^۳ - محمدی، حمید؛ ضبط، مصادره و استرداد اموال، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۷۵، صص ۷۸ و ۷۹

الف) ماده ۲۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مقرر داشته است: کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد.^۱ در تبصره ذیل این ماده آمده است: وسایل نقلیه که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر بدست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند.

ب) ماده ۳۰ همان قانون اشعار می دارد: وسائط نقلیه‌ای که حامل مواد مخدر شناخته می‌شوند به نفع دولت ضبط و با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می‌گیرند.

در موارد یاد شده و دیگر مصادیق مشابه چون کالا و اشیاء بصورت دائمی توقیف می‌شود و به مالکان آن مسترد نمی‌گردد معنای مصادره از آن مستفاد می‌گردد. باید اذعان داشت که هرچند در مراحل اولیه و مقدماتی ضبط و توقیف توسط مامورین یا مقامات دادسرا صورت گرفته اما در نهایت تعیین تکلیف با رای دادگاه صالح می‌باشد.

د) ضبط به معنی توقیف و بازداشت موقت اشیاء و اموال:

ضبط در معنی مذکور معمولاً در مرحله تحقیقات مقدماتی توسط ضابطین قضایی یا دادسرا در جریان کشف وقوع جرایم صورت می‌گیرد که گاهی اوقات منتهی به استرداد اموال به صاحبان اصلی آن و بعضاً نیز به خود متهمین مسترد و یا به نحو مقتضی در مورد آنها تعیین تکلیف می‌گردد.

^۱ - اصل ۵۳ قانون اساسی: کلیه دریافتهای دولت در حساب های خزانه داری کل متمرکز می شود و همه پرداختها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می گیرد.

ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ی جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا در حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود، در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادامی که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط دستور رد اموال و اشیای مذکور را صادر نماید...

ضبط موقت اشیاء و اموال ممکن است به جهات ذیل باشد:

۱- **ضبط به منظور امحاء یا معدوم کردن:** بعضی از ادوات و اشیاء حاصل از جرم و یا وسایل ارتکاب جرم به جهت ضرورت معدوم کردن آن ضبط و توقیف می‌شوند. بعنوان نمونه ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته:

اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از ... محکوم خواهند شد:

- هرکس نوشته یا طرح، گراور، نقاشی، تصاویر، مطبوعات، اعلانات، علائم، فیلم، نوار سینما و یا به طور کلی هر چیز که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاهدارد.

- هر کس اشیاء ...

تبصره ۲- اشیای مذکور ضبط و محو آثار می‌گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد.

۲- **ضبط به منظور پیشگیری از خطر و ضرری که ممکن است برای جامعه بوجود آید:** آن هنگامی است که اموال و اشیائی باشد که وجود آنها اصولاً موجب تشویش اذهان و یا موجد

اخلال در نظم عمومی جامعه باشد و یا دارای ویژگی خاصی است که باید از دسترس عموم خارج شود یا اینکه توقیف آن برای پیشگیری از وقوع جرم موثر و مفید باشد که در اینگونه موارد با دستورات قضایی صادره از سوی مقامات ذیربط توقیف و حتی گاهی تا تعیین تکلیف نهائی از سوی دادگاه ذیصلاح ضبط آن ادامه می‌یابد. از مصادیق آن می‌توان به ماده ۱۳ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۹ اشاره داشت که اشعار می‌دارد:

اشیایی که آلت ارتکاب جرمی بوده و یا اینکه در نتیجه جرم حاصل شده باشد در صورتی که وجود آنها موجب تشویش اذهان یا مخل نظم عمومی یا آسایش مردم باشد بر حسب تقاضای دادستان و حکم دادگاه جنحه دستور ضبط آنها صادر می‌شود ولو آنکه هیچ کس را نتوان تعقیب یا محکوم نمود دادگاه حق دارد دستور دهد که اشیاء ضبط شده را از دسترس عموم خارج کرده و یا آنها را نابود نماید.

(۳)- ضبط بعنوان دلیل: بدین شرح که گاهی ممکن است اشیاء و اموال در مرحله ی تعقیب و کشف جرم موقتاً بعنوان دلایل ارتکاب جرم جهت بررسی و کشف حقیقت توقیف گردند و بعد از بررسی‌های لازم و رفع نیاز در صورت عدم وجود موانع قانونی به صاحبش رد می‌شود بعنوان نمونه می‌توان به ماده ۱۰۴ قانون آئین دادرسی کیفری اشاره نمود که مقرر می‌دارد:

در مواردی که ملاحظه و تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذیربط اطلاع می‌دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده و نزد او بفرستند ...

ه) ضبط به معنی جریمه و مجازات

در بسیاری از مواقع در قوانین جزایی قانون گذار بعنوان جریمه و مجازات جرم حکم به ضبط مال بخصوصی از اموال متهم را می دهد به صراحت ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی که مقرر می‌دارد :

هرگاه طبیب تصدیق نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس ... و هرگاه تصدیق نامه مزبور بواسطه ی اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن بعنوان جریمه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم میگردد.

همچنین تبصره ی ۱ ماده ۶۰ قانون خدمت وظیفه ی عمومی مصوب ۱۳۶۳ و اصلاحی ۱۳۶۸ اذعان می دارد چنانچه تقلب یا جعل یا اخذ رشوه تأثیری در وضعیت مشمول نداشته باشد ، مرتکبین با رعایت شرایط وامکانات خاطی و دفعات و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید به انفصال از یکسال تا ده سال از خدمت دولتی و ضبط رشوه بعنوان جریمه و ...

گفتار دوم (تعریف مصادره اموال و انواع آن :

همانگونه که گفته شد مصادره از جمله اصطلاحاتی است که در حقوق ایران مفهوم دقیق آن مشخص نیست و به معانی مختلف در قوانین بکار رفته است در این گفتار به بررسی دقیق معنی لغوی و اصطلاحی مصادره می پردازیم و سپس انواع آن را بیان خواهیم کرد .

الف) مصادره در لغت :

مصادره در لغت به معانی مختلفی، از جمله تاوان گرفتن ، جریمه کردن، خون کسی را به مال او فروختن و مطالبه کردن به کار رفته است.^۱

در ترمینولوژی حقوق مصادره به معنای مطالبه مال ذکر شده است.^۲

در سایر فرهنگ لغت های فارسی و همچنین فرهنگ لغت های عربی نیز معانی مشابهی برای مصادره ذکر شده است.^۳

در حقوق جزای انگلیس عبارت confiscation به معنای مصادره کردن و تملیک کردن دائمی به نفع دولت می باشد.^۴

در فرهنگ حقوقی black ، واژه forfeiture به معنای محروم کردن از مال بدون جبران خسارت ، از دست دادن حق ، امتیاز یا مال بواسطه جرم، یا عدم انجام تعهد ذکر شده است.^۵

ب) مصادره در اصطلاح حقوق :

معانی اصطلاحی مصادره نیز کاملاً مرتبط با معنای لغوی آن می باشد در ترمینولوژی حقوق مصادره در اصطلاح به معنای مطالبه و گرفتن مال بوسیله ی دولت در غیر طرق قانونی و یا طرق متعارف ذکر شده است.^۶

برخی از حقوقدانان گفته اند مصادره به تملیک مال به دولت و محرومیت دائمی مالک از تمام یا قسمتی از اموال خود بدون جبران خسارت اطلاق می شود.^۱

^۱ - معین، محمد؛ منبع پیشین، جلد ۲، ذیل مصادره

^۲ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ منبع پیشین، ذیل مصادره

^۳ - ر، ک: محمدی، حمید؛ منبع پیشین صص، ۵۴ و ۵۳.

^۴ - رضائی نوری، محمود؛ فرهنگ حقوقی مدین، چاپ دوم، موسسه انتشاراتی مدین، سال ۱۳۷۵، ص ۱۵۸.

^۵ - Garner, Bryan A, Black is Law Dictionary, P.677.

^۶ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ منبع پیشین، ذیل مصادره

و همچنین آورده اند منظور از مصادره این است که دولت از تمام یا قسمتی از اموال فردی (شخصی) سلب مالکیت کند و آن اموال را در اختیار بگیرد.^۱

در ماده ۱ کنوانسیون وین^۲، مصادره به این شرح تعریف شده است:

« مصادره که در صورت اقتضاء شامل مصادره عین اموال نیز می گردد به معنای محرومیت دائم از مالکیت، به موجب دستور صادره از یک دادگاه یا مرجع صالح دیگر می باشد»^۳.

ج) انواع مصادره

در خصوص انواع مصادره تقسیم بندی های متعددی از طرف حقوقدانان صورت گرفته است که ذیلاً به اجمال به بررسی مهم ترین موارد می پردازیم.

۱) عام و خاص :

مصادره عام توقیف تمام اموال موجود محکوم علیه اعم از نقدی و غیر نقدی، منقول و غیر منقول است. مصادره اموال بزه کاران بویژه کسانی که از طریق نامشروع به ثروت های کلان دست یافته اند مجازاتی موثر و عادلانه است لیکن آثار محکومیت به شخص محکوم علیه عموماً محدود نمی ماند بلکه خانواده او و کسان دیگر را نیز متأثر می سازد از این حیث مصادره عام را کیفری مغایر موازین انصاف و عدالت شناخته اند.^۴

^۱ - محمدی، حمید؛ منبع پیشین صص، ۱۴۱، ۱۴۰

^۲ - بهرام احمدی، حمید؛ سوء استفاده از حق، انتشارات اطلاعات تهران، سال ۱۳۷۰، صص ۳۶۳

^۳ Vienna Convention, Art 1 (F)

^۴ - دلیر، حمید؛ منبع پیشین، صص ۵۵.

^۵ - اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ شانزدهم، انتشارات میزان، تهران ۱۳۸۶، صص ۱۸۱

حقوقدان دیگری که این قسم از مصادره را بعنوان مصادره عمومی و اختصاصی توصیف کرده معتقد است مصادره عمومی عبارتست از ضبط اموال موجود محکوم علیه اعم از منقول و غیر منقول، و مصادره اختصاصی عبارت است از اینکه مالکیت برخی از اشیاء که با جرم به نحوی ارتباط داشته اند به دولت اختصاص می یابد که این اشیاء ممکن است موضوع جرم یا حاصل جرم باشد.^۱

مصادره ی عام در واقع مبتنی بر محرومیت مدنی بوده است. که بر اساس آن اشخاصی که مرتکب جرایم خاص می شدند تمام اموال آنها مصادره می شد و این موضوع که اموال وی ارتباطی با جرم ارتكابی نداشته موثر در مقام دفاع نبود.^۲ در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ در مواد ۴ و ۵ و ۸ مصادره تمام اموال محکوم علیه به عنوان یکی از مجازاتها پیش بینی شده بود اما در اصلاحاتی که در سال ۱۳۸۹ در مقررات مذکور انجام شد، مصادره عام لغو و مصادره ی اموال ناشی از همان جرم جایگزین آن شد.

از دست دادن اموال کیفری سنگین تر از تبعید است، بنابراین باید مواردی را پیش بینی کرد که بشود از تمام اموال تنها یک قسمت از اموال را مصادره کرد و در موارد دیگر به هیچ مصادره ای دست نزد. حکم مصادره اموال وقتی صادر خواهد شد که تبعید پیش بینی شده در قانون بگونه ای باشد که تمام رشته های پیوند میان جامعه و بزهدکار را می گسلد چه از این پس شهروند میمیرد و تنها انسان بجای می ماند و باید در ارتباط با دولت تبعید همان آثار مرگ طبیعی را پدید آورد بنابراین بنظر می رسد اموالی که از بزهدکار مصادره شده با توجه به اینکه مرگ و چنین تبعیدی نسبت به دولت آثار همانند دارد، باید به وارثان قانونی او بر گردد تا به حکومت.^۳

^۱-صلاحی، جاوید؛ کیفر شناسی، چاپ اول، انتشارات آرش، تهران ۱۳۵۲، صص ۱۵۵ تا ۱۵۷

^۲- دلیر، حمید؛ منبع پیشین، ص ۷۱

^۳- بکاریا، سزار؛ رساله ی جرایم و مجازاتها، ترجمه ی محمد علی اردبیلی، چاپ پنجم، انتشارات میزان، سال ۱۳۸۵، ص ۹۳

۲) عینی و قیمی

یکی از حقوقدانان با این تقسیم بندی از مصادره چنین می نویسد « چنانچه مال یا شیء موضوع جرم یا تحصیل شده از جرم یا اختصاص یافته به ارتکاب جرم یا بکار رفته در جرم، کشف شده باشد، عیناً مورد حکم دادگاه قرار گرفته و به نفع دولت ضبط و به مالکیت دولت در می آید و این نوع مصادره را مصادره ی عینی گویند»^۱

همچنین در مورد مصادره ی قیمی چنین اعلام نظر کرده است :

« در صورتی که شیء یا مال موضوع مصادره در اختیار متهم باشد و از تحویل آن به دادگاه خودداری کند یا بدست نیامده باشد، در این صورت وجهی معادل ارزش نسبی آن به عنوان مصادره از محکوم اخذ می شود»^۲ البته این نظر در حقوق و رویه ی قضایی ما صحت ندارد.

یکی از نویسندگان در مورد این تقسیم بندی آورده است که اختفاء، جایگزینی یا از بین بردن عین اموال ناشی از جرم خللی به عملیات مصادره وارد نمی کند و مسئولیت ادای معادل اموال حاصل از جرم به عهده مجرم است ولو اینکه وی اموال غیرقانونی اصلی را از دست داده

باشد.^۳

۳) کیفری و مدنی

مصادره ی کیفری مبتنی بر محکومیت کیفری است ؛ یعنی اگر متهم محکومیت کیفری حاصل کند، اموالی که از طریق ارتکاب جرم کسب کرده و یا برای ارتکاب جرم مورد استفاده قرار داده است نیز ممکن است در معرض مصادره قرار گیرد؛ اما مصادره ی مدنی ارتباطی به

^۱- فرج الهی، رضا؛ بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی

۱۳۷۶، ص ۱۴۶

^۲- همان، ص ۱۴۷

^۳- سلیمی، صادق؛ جنایات سازمان یافته ی فراملی، انتشارات تهران صدا، سال ۱۳۸۲، ص ۱۴۹

محکومیت کیفری ندارد و بر اساس آن، دولت بدون نیاز به طرح دعوی کیفری علیه متهم، می تواند اموالی را که به نحوی مرتبط با جرم می داند توقیف کرده و اثبات خلاف آن را از مالک بخواهد. در مصادره ی کیفری، که بعنوان مدل بریتانیایی مصادره نیز معروف است، قبل از صدور دستور مصادره، محکومیت کیفری لازم است، اما در مصادره ی مدنی که به عنوان مدل آمریکایی مصادره نیز معروف است، می توان عواید جزایی را از طریق راهکارهای مدنی مصادره کرد.^۱

۴) اجباری و اختیاری

این تقسیم بندی از مصادره با توجه به تکلیف یا اختیار دادگاه در مورد صدور دستور مصادره می باشد. اگر دادگاه طبق قانون با رعایت شرایط مکلف به صدور دستور مصادره باشد آن را مصادره ی اجباری، و اگر طبق قانون صدور دستور مصادره به صلاحدید دادگاه باشد، آن را مصادره اختیاری می نامند در خصوص این تقسیم بندی از مصادره باید گفت که در قوانین موضوعه ی ما هیچ وقت صدور دستور مصادره بنا به صلاحدید دادگاه و گذار نشده و دادگاه موظف به تبعیت از مَر قانون در موارد مصرحه ی مصادره اموال می باشد و معنای اجبار از آن مستفاد می گردد.

^۱ - عباسی، اصغر؛ منبع پیشین، ص ۲۷۹

مبحث دوم: سابقه ی تاریخی ضبط و مصادره ووجه تمایز میان ضبط و مصادره اموال

حاصل از جرم

در این مبحث به بررسی پیشینه ی تاریخی ضبط و مصادره پرداخته و در مورد وجوه تمایز و تفاوت‌های ضبط و مصادره اموال حاصل از جرم بحث خواهیم کرد.

گفتار اول: بررسی سابقه ی تاریخی ضبط و مصادره ی اموال حاصل از جرم

(الف) - در تاریخ اسلام:

نوشته اند که ضبط و مصادره اموال در اسلام از زمان خلفای راشدین شروع شده است، در زمان خلفای راشدین اگر والیان عمال از راه تجارت یا طریق دیگر اضافه بر حقوق سودی بدست می آورند خلفا نصف آن را به نفع بیت المال مصادره می کردند، چنانچه عمر با والیان خود در کوفه و بصره و بحرین چنان کرد و این عمل را در آن زمان مقاسمه می گفتند. در زمان بنی امیه که مامورین عالی رتبه دولت با ظلم و زور و استبداد مردم را غارت می کردند مصادره به نام استخراج صورت می گرفت تا آن درجه که در اواخر حکومت بنی امیه «والی» که از کار بر کنار می شد دارایی او را حساب می کردند و آنچه از دستشان می آمد از دارایی والی ضبط می نمودند.^۱

در دوره انحطاط عباسی اختلاس اموال عمومی و رسوایی نویسندگان دفاتر مالیات بالا گرفت و از آن رو اموالشان مصادره می شد. مثلاً در سال ۲۲۹ هجری واثق خلیفه ی عباسی بسیاری

^۱ -زیدان، جرجی؛ تاریخ تمدن اسلامی، مترجم، علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۵۲، صص ۳۶۷-۳۷۶

از آنان را به زندان افکنده و با شدت هر چه تمام تر اموالشان را مصادره کرد و همینطور در سال ۲۵۵ اموال نویسندگان را مصادره نمود.^۱

یعقوبی مورخ می نویسد: معاویه اولین کسی است که دستور مصادره را صادر کرد.^۲ واقع این است که در حقوق اسلام اخذ و مصادره مال هم از بابت استرداد و هم از جهت مجازات به عنوان مجازات مالی به نوعی وجود دارد که همواره بصورت مصادره خاص و در قسمتی از اموال مجرم اعمال می گردد و حتی از جهتی مبنای حقوقی صرف ندارد ولو اینکه بصورت قهری ممکن است صورت گیرد لکن جنبه جزایی و صورت و ماهیت جزایی ممکن است داشته باشد.^۳

ب) در تاریخ ایران باستان

در خصوص پیشینه ی تاریخی ضبط و مصادره ی اموال در حقوق ایران باستان باید گفت که دارای قدمت طولانی است. در تاریخ ایران باستان سوابق متعددی از ضبط و مصادره ی اموال مجرمین به چشم می خورد و اموال برخی از مجرمین برای استفاده ی دولت، اشخاص زیان دیده و اشخاصی که در کشف جرم دخالت داشتند مصادره می شد.^۴

در ایران باستان یکی از راههای انتقال اموال از مالکیت افراد به حکومت مصادره اموال فردی بود که مرتکب خیانت یا سایر جرایم خطرناک شده بودند، آدمکشان، کفار و جادوگران ممکن بود برای استفاده دولت، مقامات مذهبی، اشخاص زیان دیده، اشخاصی که در کشف جرایم

^۱- همان

^۲- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ منبع پیشین، ص ۳۷۵

^۳- محمدی، حمید؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ازاد تهران مرکز، سال ۷۲-۷۳، ص ۶۲

^۴- دلیر، حمید؛ منبع پیشین، صص ۴۷-۴۸

مفید واقع شده بودند و یا به نفع اشخاص که نسبت به عامه مردم خدمت و احسانی کرده بودند، مصادره شود با آنکه معمولاً اموال قاتلین از طریق تشریفات قانونی عادی و به نفع دولت مصادره می شد لکن شواهد دال بر آنست که در صورت لزوم تمام یا قسمتی از این اموال برای تأمین معاش زن و فرزندان قاتل به آنها مسترد می شده با این وصف قانون در این مورد حقی برای زن و فرزندان قاتل نشده بود و این ظاهراً از آن جهت بود که هر گونه میل به قتل را در افراد از میان ببرد، کفار بیش از آنکه دشمن دین تلقی شوند، خصم دولت به حساب می آمدند. از این رو دستور نامه ای که محتملاً متعلق به خسرو فاتح بود مقرر می داشت که اموال شخصی که به بدعت در دین عقیده دارد یا آن را تعلیم می دهد به نفع حکومت شاهنشاهی مصادره شود. جادوگران بیش از هر کس به قربانیان سحر و جادو صدمه می رسانند از این جهت اموال ایشان به اشخاص زیان دیده انتقال می یافت لکن در صورتی که شخص زیان دیده حیات نداشت و وراثتی بجای نگذاشته بود و یا از تصاحب اموال جادوگری خودداری می کرد، ممکن بود این اموال به شاهی که در اثبات گناه او به راستی و با صداقت کمک کرده بود، واگذار شود.^۱

ج- در تاریخ دنیا:

در حقوق روم اموال کسانی که بر ضد استقلال و امنیت کشور قیام می کردند یا به جرایم جنایی مهمی از این قبیل محکوم می شدند مصادره می شد و به دولت تعلق می گرفت. مصادره اموال قدمتی هم پایه احساس دیرینه زیاده خواهی و جاه طلبی در تاریخ دارد و از دوران باستان

^۱ - محمدی، حمید؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۵

و از دیرینه باز بعنوان تنبیه و به انگیزه های مختلف از سوی فرمانروایان درباره گناهکاران یا مغلوبین و دشمنان به بهانه ی مجازات آنها اعمال و اجرا شده است.^۱

ارسطو که در سال ۳۶۷ قبل از میلاد مسیح مبادرت به تدوین کتاب سیاست نموده پس از پرداختن به قوای سه گانه و شرح حدود وظایف هر کدام در دولت، از جمله مناصبی که در قوه قضائیه بر می شمارد، منصب ضبط اموال است. او در بخش دهم سیاست در بحث از قوای سه گانه و حدود آنها نوشته: دومین آنها مربوط است به مجریان قانون و شرایط و صلاحیت و روش انتخاب آن و سومین قدرت کارهای دادرسی را دربر می گیرد، تصمیم درباره صلح و جنگ، بستن یا گسستن پیمانها، وضع و نسخ قوانین، صدور حکم اعدام و تبعید گناهکاران و ضبط اموال هر مقامی مخصوص برای اجرای احکام اعدام و ضبط اموال وجود دارد.^۲

در اوایل قرن هفدهم یکی از کارمندان دولت فرانسه متهم گردیده بود که اطلاعاتی در اختیار دولت اسپانیا قرار داده است. این شخص تحت تعقیب مقامات قضایی قرار می گیرد لیکن موفق به فرار میگردد و هنگام فرار در آب غرق و خفه می شود معهذا دادگاه پاریس پس از مرگ وی، ضمن احراز بزهکاری وی به جرم جاسوسی و خیانت به مملکت و پادشاه حکم داده است، که اولاً اموال او را ضبط و مصادره کنند ثانیاً جسد وی را روی ارابه ای قرار داده بوسیله اسب در شهر پاریس به حرکت درآورند.^۳

^۱ - محمدی، حمید؛ ضبط، مصادره و استرداد اموال، ص ۲۷ و ۲۸ و ۲۹

^۲ - همان

^۳ - ولیدی، محمد صالح، حقوق جزا و مسئولیت کیفری، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۶۶، صص ۸۰-۸۲

گفتار دوم: وجه تمایز میان ضبط و مصادره

برخی از حقوقدانان و نویسندگان حقوق، ضبط و مصادره را به یک معنا مترادف می دانند. چنانچه گفته اند ضبط در معنای توقیف و اخذ مال توسط دولت بکار رفته و عمدتاً با مصادره مترادف می باشد. کشف مقدمه ی ضبط بوده و با مصادره و ضبط یک معنی را افاده نمی کند.^۱ حتی برخی از حقوقدانان در تبیین و تشریح انواع مجازاتهای مالی، یکی از مجازاتهای مالی را ضبط یا مصادره دانسته اند و در تعریف آن آورده اند: مصادره یا ضبط اموال، نوعی مجازات عینی است که به بخشی از کلیه اموال موجود در زمان ارتکاب جرم تعلق می گیرد.^۲ گفته اند: هر چند در استعمال حقوقی دو واژه ضبط و مصادره گاهی مترادف هم بکار می روند، اما از نظر طبیعت لغوی ضبط، توقیف و نگهداری مال به ملایمت و توأم با امید به اعاده و برگرداندن به ید و محل و وضع و جایگاه قبلی است اما مصادره، توقیف مال به قهر و جبر و برای همیشه است. بنا به استنباط از مفهوم لغوی در واژه ضبط به معنی توقیف موقت، ارجاع و بازگرداندن مال با توجه به اینکه از دست مالک آن اخذ و نگه داشته شده مطرح است ولی در واژه مصادره به معنی اخذ و ضبط دائم مال مفهوم اخذ مال از دست غیر مالک و ارجاع آن به ید اصلی و جایگاه حقیقی یعنی برگرداندن مال از دست دارنده غیر مستحق به ید مستحق مطرح است.^۳

با توجه به مورد در معنی توقیف موقت موضوع ضبط وصف مجازات ندارد بلکه بیشتر بعنوان یک اقدام تأمینی و احتیاطی در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم و ادامه آثار و تبعات جرم صورت می گیرد و لکن در معنای دوم یعنی توقیف همیشگی مال وصف جزایی مصادره

^۱- جزایری، سید عباس؛ منبع پیشین، ص ۱۱

^۲- ولیدی، محمد صالح؛ حقوق جزای عمومی (واکنش جامعه علیه جرم)، جلد چهارم، انتشارات داد، سال ۱۳۷۵، ص ۷۴

^۳- محمدی، حمید؛ منبع پیشین، ص ۷۶

ظاهر است. بنابراین از دیدگاه حقوق جزایی، توقیف مال (ضبط) وجه افتراقش با مصادره اموال مجازات بودن مصادره می‌باشد.

بالاخره اینکه حقوقدان دیگری در این خصوص چنین می‌نویسد:

اختلاف تعابیر حقوقدانان در مورد ضبط و مصادره بیشتر ناشی از این است که قانون‌گذار، واژه ضبط را در معانی متعدد مورد استفاده قرار داده است و به این دلیل برخی از نویسندگان با ذکر دائم یا موقت بودن آن سعی در تفهیم معنی دقیق آن داشته‌اند. آنچه از مجموع تعاریف فوق و سایر تعاریف مشابه و نیز از دقت در اسناد بین‌المللی قابل استنباط است، این است که "مصادره" به معنای محرومیت دائم مالک از مال خود به موجب حکم یا دستور صادره از طرف دادگاه می‌باشد و «ضبط» یا اصطلاحات مشابه آن و از جمله انسداد و توقیف، به معنای ممنوعیت از دخالت و تصرف در مال به صورت موقت می‌باشد که این موضوع ممکن است با تصرف و استیلا فیزیکی بر مال محقق شود و یا اینکه مال در تصرف مالک باقی مانده و مالک صرفاً از معامله و خارج کردن مال از کشور ممنوع شود و به تعبیر دیگر ضبط در واقع نوعی اقدام تامینی و احتیاطی است که به منظور تضمین اجرای دستور مصادره و یا استرداد مال به مالک قانونی آن انجام می‌شود.^۱

^۱ - دلیر، حمید؛ منبع پیشین، صص ۵۸ و ۵۹

فصل دوم: جایگاه ضبط و مصادره ی اموال در قوانین جزایی و طبقه‌بندی مجازاتها و

مراجع ذیصلاح برای ضبط و مصادره

در این فصل به اختصار جایگاه ضبط و مصادره ی اموال در قوانین جزایی و طبقه بندی مجازاتها مورد بررسی قرار گرفته و مراجع ذیصلاح برای ضبط و مصادره اموال ذکر خواهد گردید.

مبحث اول: ضبط و مصادره اموال در قوانین جزایی ایران

از مجموع قوانین موجود در ارتباط با ضبط و مصادره اموال مستفاد می‌شود که ماهیت حقوقی این عناوین به صراحت توسط قانونگذار مشخص نشده و این امر سبب گردیده که حقوقدانان تعاریف و نظرات مختلفی از این دو واژه ارائه دهند. در حقوق ایران قانون جامعی در خصوص ضبط و مصادره اموال وجود ندارد و صرفاً در قوانین متفرقه موادی در این خصوص پیش‌بینی شده است. که به هیچ وجه برای این منظور کافی و جامع نمی‌باشد.

گفتار اول: بررسی تحلیلی ضبط و مصادره اموال در قانون مجازات اسلامی

ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی به تفصیل مجازات ضبط و مصادره اموال را مورد بحث قرار داده است و تکلیف دادگاه و مراجع قانونی را در موارد مختلف ضبط اموال و اشیاء بیان می‌کند.

علاوه بر ماده مذکور می‌توان از ماده ۵۲۲ از قانون مذکور در مورد ضبط اموال ناشی از جرم سکه قلب، ماده ۵۳۹ از قانون یاد شده در مورد ضبط اموال ناشی از تصدیق خلاف واقع و ماده ۵۶۲ در مورد ضبط اشیاء مکشوفه و آلت و ادوات حفاری، ماده ۵۶۸ در مورد ضبط

وسایل و تجهیزات و اموال فرهنگی و تاریخی، ماده ۵۹۲ راجع به ضبط اموال ناشی از ارتشاء، ماده ۷۰۹ در مورد ضبط اسباب و نقود متعلق به قمار و بالاخره در ماده ۷۱۲ راجع به مصادر اموال حاصل از تکدی و کلاشی نام برد که در مباحث آتی برخی از موارد مذکور مورد بررسی تحلیلی قرار می گیرند.

حال با توجه به اهمیت ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی، نخست آن را مورد بررسی تحلیلی قرار می دهیم.

ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اموال و اشیاء کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد. هم چنین بازپرس یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستور ردّ اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید:

- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد.

- اشیاء و اموال بدون معارض باشد.

- در شماره اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبتنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیاء و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده، حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود.»

واژه ضبط در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی به دو مفهوم به کار رفته است:

ضبط موقت یا بازداشت موقت اموال

ضبط دائم یا مصادره اموال

ضبط موقت یا بازداشت موقت اموال

وقتی که مراجع ذیصلاح هنگام کشف جرم و یا بازپرس و یا دادستان (رئیس دادگستری، رئیس دادگاه مطابق قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب) و در مرحله تحقیق و دادگاه عمومی در زمانی که دادگاه عمومی رأساً به جرم رسیدگی می نماید، اشیاء و اموال را ضبط می نمایند، این نوع ضبط اموال بر اساس دستور یا قرار خاص صورت می گیرد و بر حسب مورد ضبط مال از تاریخ وقوع ضبط تا رسیدگی به موضوع در دادگاه عمومی و صدور حکم ممکن است ادامه یابد و چه بسا در این فاصله از سوی بازپرس یا دادستان (رئیس حوزه قضایی یا رئیس دادگاه یا دادرس دادگاه) و حتی در مواردی از سوی خود مأمورین کشف جرم، اشیاء و اموال ضبط شده به صاحب آن مسترد گردد و توقیف مال پایان یابد. البته دستور رد اموال و اشیاء به صاحب آنها از سوی (بازپرس و یا دادستان) قاضی منوط به تحقق شرایط مقرر در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می باشد.

ضبط موقت اموال مطابق ماده ۱۰ به جهات و علل زیر صورت می گیرد:

بعنوان دلیل: گاهی ضبط اشیاء و اموال از این جهت که برای اثبات اتهام متهم در مرحله ی تحقیق یا دادرسی مورد استفاده قرار گیرند، صورت می گیرد که پس از رفع احتیاج به صاحب آن «مسترد» می گردد.

به منظور مسترد کردن: گاهی اشیاء و اموال از این جهت که از جرم حاصل شده و کشف و یا از متهم بدست آمده و بایستی به صاحبان آن مسترد گردد ضبط می شوند ، که در این موارد با مراجعه و تقاضای مالک و ذینفع در جریان تحقیق و یا محاکمه از سوی قاضی « دادگاه» از مال رفع توقیف شده و به صاحب آن مسترد می گردد.

به منظور معدوم کردن: گاهی اشیاء و اموال از این جهت که بایستی به حکم قانون معدوم شوند و یا به احتمال شمول حکم قانون برای معدوم کردن آنها ضبط می شوند که در این موارد ضبط مال ادامه پیدا می کند تا دادگاه تکلیف آنها را از این جهت که باید معدوم شوند و یا ضبط و یا مسترد شوند تعیین نماید.

به منظور پیش گیری از خطر بعنوان یک اقدام تأمینی: گاهی اشیاء و اموال جهت پیشگیری از وقوع جرم و خطر جانی و مالی برای افراد و یا ورود ضرر به جامعه و به جهت خطرناک و مضر بودن ضبط می شوند که در این موارد ممکن است پس از رفع حالت و یا وضع خطرناک و احتمال رفع ضرر از اشیاء و اموال رفع توقیف و به صاحبان آن مسترد شوند و یا اینکه به جهت بقای وصف خطرناک و مضر بودن توقیف آنها ادامه یابد تا دادگاه حکم به ضبط دائم آنها بدهد .^۱

به منظور تأمین حقوق زیان دیده از جرم: گاهی اشیاء و اموال از این جهت که حق زیان دیده از جرم ضایع نشود و برای رفع ضرر از متضرر از جرم موقتاً ضبط می گردند تا زمانی که دادگاه حکم به پرداخت حق زیان دیده از جرم صادر نماید و مابقی به مالک و صاحب آن مسترد می شود .

^۱-محمدی،حمید؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، ص ۳۰۶

البته لازم به توضیح است که مطابق نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در مواردی که دادگاه به استناد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی حکم می دهد، زیان دیده از جرم نیازی به تقدیم دادخواست ندارد ولی برای مطالبه و خسارات ناشی از جرم لازم است که دادخواست به دادگاه بدهد.^۱

بنابراین با توجه به موارد فوق می توان گفت که غالباً ضبط اموالی که در مرحله تحقیق و کشف جرم و گاهی محاکمه متهم صورت می گیرد، از موارد ضبط موقت اموال است که در اکثر موارد نیز به استرداد می انجامد و تا قبل از محاکمه متهم و یا در جریان محاکمه و صدور حکم از سوی دادگاه منجر به استرداد مال به صاحب آن و به ندرت منجر به صدور حکم به ضبط دائم یا معدوم کردن مال ضبط شده می گردد. البته لازم به ذکر است که اغلب ضبط موقت اموال در رابطه با جزء یا قسمتی از اموال متهمان صورت می گیرد و باید در نظر داشت که چنانچه استثنائاً در مرحله کشف، تحقیق و تعقیب از سوی ضابطین قضایی یا قضات اموال متهم به طور موقت بازداشت گردد، پس از رسیدگی به اتهام متهم و در مرحله ی دادرسی دادگاه تنها آن بخش از اموال متهم را که در اثر ارتکاب جرم حاصل گردیده و یا وسیله جرم بوده یا بعنوان دلیل وجودشان لازم بوده را ضبط نموده و مابقی آن را به صاحب مال مسترد می دارد.

ضبط دائم یا مصادره ی اموال

مصادره اموال یا در ادامه ضبط موقت اموال است که بدو از سوی مأمورین کشف جرم و یا به دستور دادگاه کیفری بنا به احتیاط و تأمین حقوق زیان دیده از جرم یا بیت المال یا دولت و یا رعایت حال جامعه صورت گرفته، و یا پس از رسیدگی به اتهام متهم و محاکمه از سوی دادگاه

^۱ - شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش؛ نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضایه در مسائل کیفری، جلد اول، چاپ

دوم، روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹

کیفری و به عنوان مجازات مالی یا به جهت استرداد حقوق زیاندیدگان رأساً و به موجب حکم خاص صورت می‌گیرد.^۱

الف) بررسی مجازات ضبط و مصادره در ماده ۵۲۲ ق. م. ا.

این ماده راجع به جرایم تهیه و ترویج سکه قلب می باشد ، که ضبط اموال بدست آمده و حاصله از طرق مجرمانه مذکور در مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ قانون مذکور را بعنوان ضمانت اجرای کیفری یا مجازات اصلی مورد حکم قرار داده است با مجازات حبس مقرر در مواد مزبور جمع می‌گردد . لازم به ذکر است که منظور از ضبط در این ماده، ضبط دائم یا مصادره اموال تحصیلی می‌باشد نه ضبط موقت.^۲

اعمال مجرمانه مذکور در فصل چهارم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) عبارتند از: ساختن سکه قلب، تخدیش سکه ، ترویج سکه قلب یا مخدوش و داخل کردن سکه قلب یا مخدوش به کشور.

ظاهر ماده ۵۲۲ آن است که ضبط اموال به نفع دولت ، مجازات تعزیری است این در حالی است که ذیل ماده ۵۲۱ قانون مذکور توبه را ساقط کننده کلیه مجازات های مذکور می داند، اما به نظر میرسد توبه تنها ساقط کننده مجازات حبس می باشد و تأثیری در سقوط مجازات ضبط اموال ندارد.^۳

منظور از اموال تحصیلی از جرایم مذکور اموالی هستند که مستقیماً از ساختن یا تخدیش یا ترویج و یا معامله مسکوکات طلا و نقره بدست می آید. بنابراین سایر اموال مانند وسیله نقلیه‌ای

^۱ - محمدی، حمید، منبع پیشین، ص ۸۳

^۲ - ماده ۵۲۲ مقرر می دارد: «علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می شود»

^۳ - زراعت ، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی ، چاپ سوم، انتشارات ققنوس، سال ۱۳۸۲، ص ۱۲۶

که مسکوکات با آن حمل و نقل می شود و محلی که مسکوکات در آنجا ساخته می شود و وسایلی که مسکوکات با آنها ساخته یا مخدوش می گردد تابع مقررات عمومی خود خواهند بود. البته خارج کردن مسکوکات طلا و نقره از کشور یا داخل کردن آنها به کشور مطابق لایحه قانونی شورای انقلاب راجع به ارزها و طلا آلات و جواهرات ممنوع بوده و قاچاق محسوب می شود.

ضبط اموال در این ماده مجازات تکمیلی اجباری است زیرا قانونگذار این مجازات را از حالت اختیاری خارج نموده و اعمال آن را از تکالیف دادگاه قرار داده است و منظور از اموال تحصیلی در ماده فقط اموالی است که به خود مجرم تعلق دارد مثلاً با شمش طلای خود سکه‌های تقلبی بسازد یا سکه‌های طلای خود را مخدوش کند در این صورت سکه‌های تقلبی و مخدوش به نفع دولت ضبط خواهد شد ولی سایر اموال مثلاً پولی که شخص از طریق فروش سکه‌های تقلبی یا مخدوش تحصیل کرده باید به وی مسترد گردد و این کار تعزیر محسوب نمی‌شود. بلکه اعطای حق به من له الحق است.^۱

ب) بررسی مجازات ضبط و مصادره در ماده ۵۶۲ ق.م.ا

ماده ۵۶۲ ق.م.ا مقرر می دارد: « هرگونه حفاری و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاریخی- فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیاء مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می شود چنانچه حفاری در اماکن و محوطه های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است، یا در بقاع

^۱ - میر محمد صادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هشتم، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص

متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود.

تبصره ۱- هر کس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم خواهد شد.

تبصره ۲- خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصل از حفاری غیرمجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور ، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به طور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد ، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می شود .».

مجازات ضبط اشیاء مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مذکور در ماده جزء مجازات های اصلی بوده که دادگاه مکلف است علاوه بر حبس به آن حکم دهد. از لحاظ نوع مجازات ، با توجه به اینکه جرم مزبور پایه شرعی نداشته بلکه بر اثر تحولات و مقتضیات جامعه از طرف مقنن پیش بینی گردیده است در طبقه بندی مجازات ها مطابق ماده ۱۲ از قانون مذکور در طبقه مجازات های تعزیری قرار دارد و چون نوع و میزان از طرف مقنن تعیین شده است. نظر به اینکه مقنن ضبط اشیاء مکشوفه (اموال تاریخی - فرهنگی) را به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری را به نفع دولت دانسته است معنای ضبط دائم یا مصادره استنباط می گردد.

همچنین ضبط آلات و ادوات حفاری علاوه بر اینکه به عنوان مجازات و تنبیه مجرم پیش بینی شده بلکه به عنوان یک اقدام تأمینی نیز محسوب می شود که از تکرار جرایم در آتیه جلوگیری به عمل می آورد.

مطابق تبصره ۱ ماده مزبور، هرکس که بدون هیچ گونه قصد و سوءنیتی بر اثر حفاری یا کاوش یا به هر صورتی بر حسب اتفاق اموال تاریخی - فرهنگی موضوع ماده مزبور را بدست آورد و به سازمان میراث فرهنگی کشور تحویل ندهد تنها به مجازات ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد لذا جرم موضوع این تبصره فقط یک مجازات اصلی دارد که آن هم مصادره اموال مزبور به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد.

در تبصره ۱ ماده‌ی مذکور امتناع از تحویل اموال تاریخی و فرهنگی را که حسب تصادف بدست آمده است جرم و مستوجب کیفر ضبط اموال نموده است و این ضمانت اجرا ناکافی بنظر می‌رسد.

ج) بررسی مجازات ضبط و مصادره در ماده ۷۰۹ ق.م.ا

قمار مطابق ماده ۷۰۵ قانون مزبور جرم شناخته شده و برای ساختن، فروختن، در معرض فروش گذاشتن، در اختیار گذاشتن و وارد کردن آلات مخصوص قمار نیز در ماده ۷۰۷ ق.م.ا مجازات تعیین گردیده است بعلاوه تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد وفق ماده ۷۰۹ معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شوند.

« منظور از اسباب و نقود متعلق به قمار چیزهایی است که مخصوص بازی یا معد برای عام باشد مثل وجوه موجود در صندوق قمارخانه یا روی میز بازی و میز صندلی که برای قماربازان تهیه شده است. اما پول های داخل جیب قماربازان و اثاث البیت موجود در محل حتی اگر در اتاق قماربازی موجود باشد، چون متعلق به قمار محسوب نمی شود قابل ضبط نیست. در مورد تردید باید به قدر متیقن اکتفا شود. مثلا اگر قماربازان پیش از ورود مامورین پولها را از روی

میز برداشته و در جیب گذاشته باشند در جواز ضبط، محل تردید خواهد بود.^۱ البته اگر ثابت شود که پولهای موجود در جیب قماربازان حاصل از قمار بوده ضبط آنها (مصادره) منعی نخواهد داشت.

لازم بذکر است که ورق بازی (پاسور) مشمول ماده ۷۰۶ و ۷۰۷ قانون مجازات اسلامی می باشد و خارج از شمول ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق است و ورق مزبور وفق ماده ۷۰۹ حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می گردد به نظر می رسد که مجازات ضبط اسباب و نقود متعلق به قمار که مقنن در ماده فوق الذکر آورده است از لحاظ طبقه بندی مجازات ها بر حسب ارتباط آنها با یکدیگر جزء مجازات های اصلی محسوب می شود مفهوم و معنای ضبط در ماده مزبور هم ضبط دائم اشیاء و اموال مزبور به نفع دولت یا به عبارتی مصادره می باشد.

در نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: «صرف نگهداری آلات قمار جرم نیست و نمی توان آنها را ضبط نمود چنانچه مقرر داشته اند: «... برای صرف نگهداری اشیاء مذکور بدون احراز قصد مزبور (نگهداری به منظور تجارت و توزیع و ...) در قانون مجازاتی تعیین نشده و نمی توان به عنوان آلات و ادوات جرم نسبت به ضبط آنها اقدام نمود و بر طبق اصول مسلم شرعی و قانونی اموال هر کس متعلق به اوست بنابراین ضبط و تملک احتیاج به نص قانون دارد».^۲

در مورد نظریه مشورتی مزبور لازم به توضیح است که این نظریه در سال ۱۳۷۱ و قبل از تصویب قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ بیان گردیده است. که صرف نگهداری آلات قمار مطابق قوانین جزایی قبل جرم نبوده و به تبع آلات و اسباب مزبور قابل ضبط و توقیف نبوده اند.

^۱ - کشاورز، بهمن، مجموعه محشای قانون تعزیرات، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۷۶، ص ۱۲۲

^۲ - شهری، غلامرضا، و ستوده جهرمی، سروش، منبع پیشین، ص ۲۲۳

ولی در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) اخیرالتصویب صرف نگهداری آلات و وسایل مخصوص قماربازی جرم شناخته شد و برای آن مجازات مقرر گردیده است (ماده ۷۰۶ ق.م.ا) بعلاوه آلات و وسایل مزبور مشمول حکم عام ماده ۷۰۹ قرار گرفته و حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شوند.

مقصود از ضبط در این ماده مصادره شدن به نفع دولت است فلذا با ضبط مال رابطه مالکیت بین شیء و شخص به طور دائم قطع می‌گردد.

به موجب مادهی مذکور نقود متعلق به قمار مطلقاً به عنوان جریمه ضبط می‌گردد خواه صاحب آن مال مشخص باشد خواه مشخص نباشد و این اطلاق مغایر اصل ۴۹ قانون اساسی و نیز مادهی ۸ قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۴۹ می‌باشد و چون قانون عادی قدرت نسخ قانون اساسی را ندارد مطلق را حمل بر مقید نموده و در صورتی که صاحب مال مشخص باشد نمی‌توان حکم به ضبط مال داد.^۱

^۱ - شکر، رضا، منبع پیشین.

گفتار دوم: بررسی تحلیلی ضبط و مصادره اموال در قانون آیین دادرسی کیفری

فصل سوم از باب اول قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که شامل مواد ۹۶ الی ۱۱۲ می باشد به تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم و چگونگی ضبط و مصادره آن اختصاص دارد و همچنین فصل اول از باب سوم قانون فوق الذکر به نحوه و موارد تجدید نظر احکام کیفری می پردازد که شامل ضبط و مصادره اموال نیز می شود. لذا ابتدائاً مواد مربوط به نحوه ی ضبط و توقیف آلات و ادوات جرم در این قانون را مورد بررسی قرار داده و سپس چگونگی تجدید نظر از احکام مربوط به مجازات ضبط و مصادره اموال را را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم.

الف)- بررسی مواد مربوط به نحوه ضبط آلات و ادوات جرم

ماده ۱۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می دارد « آلات و ادوات جرم از قبیل حربه ، اسلحه ، اسناد ساختگی، سکه تقلبی و کلیه اشیائی که در حین بازرسی بدست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس هر یک از اشیاء مزبور تعریف و توصیف شود» و در ماده ۱۰۸ قانون فوق الذکر آمده است « آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری ، ممهور و حفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می کند باید با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد ».

در ماده ۱۱۱ نیز مقرر گشته : « اموال مسروقه یا اشیائی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده، باید بدستور قاضی به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع تحقیق

یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنی است».

منظور از ضبط در مواد مذکور ضبط موقت اشیاء و آلات جرم می باشد. که هدف و جهات ضبط در مواد مذکور یا بخاطر کشف جرم و دلیل می باشد و یا به منظور یک اقدام تأمینی و پیشگیری از وقوع جرم ضبط صورت می گیرد و یا به منظور جبران خسارت زیان دیده از جرم می باشد و یا به منظور استرداد اموال به صاحب و مالک آن می باشد و یا به علت اینکه اشیاء و اموال مربوطه چیزهایی است که باید معدوم شوند و همه مواد مذکور علت و جهاتی است که ایجاب می کند تا که اموال و اشیاء به طور موقت ضبط شوند.

ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب به استرداد اموال ضبط شده در حین تحقیقات مقدماتی، اختصاص دارد البته به نظر می رسد برای استرداد اموال و اشیاء مزبور باید تقاضای ذینفع و شرایط مقرر در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی وجود داشته باشند که این شرایط عبارتند از:

۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد

۲- اشیاء و اموال بلامعارض باشند.

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

استرداد اموال مذکور بنا به قاعده اصل احترام به مالکیت مشروع و رد مال به صاحب آن می باشد. مطابق قسمت اخیر ماده مزبور، هرگاه وجود تمام یا قسمتی از اشیاء و اموال در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد، توقیف آنها تا آن زمان ادامه یافته و پس از رفع احتیاج در صورت وجود شرایط فوق الذکر به صاحبان آنها مسترد می گردد. بعلاوه اشیایی که برابر قانون باید ضبط (مصادره) یا معدوم شوند از حکم مذکور استثناء گردیده است که

قبلاً در بررسی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است و در اینجا ضرورت به تکرار آن نمی باشد.

ب) تجدید نظر از احکام ضبط و مصادره اموال

یکی از موضوعات مهم در خصوص ضبط و مصادره اموال بحث تجدید نظر از احکام ضبط و مصادره اموال می باشد.

در سال ۱۳۷۳ با تصویب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب سیستم قضایی کشور به موجب قانون مذکور متغیر و متحول گشت و به تبع آن مقررات مربوط به تجدید نظر از احکام نیز متحول گردید و مقنن در بند ۳ ماده ۱۹ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب احکام مصادره و ضبط اموال را نیز قابل تجدید نظر دانسته است بدون اینکه مرجع تجدید نظر میزان و نوع اموال را تعیین کرده باشد. ولی در بند ۳ از ماده ۲۱ قانون مذکور مقرر داشته که مرجع تجدید نظر از احکام ضبط و مصادره اموال دیوانعالی کشور می باشد بدون اینکه نوع حکم و نوع اموال و اشیاء مورد حکم و میزان اموال را مشخص و تعیین کرده باشد و حکم تجدید نظر از احکام ضبط و مصادره اموال را بطور مطلق بیان نموده است. لازم به ذکر است در مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون آئین دادرسی مصوب ۱۳۷۸ صراحتاً تجدیدنظر از احکام ضبط و مصادره پیش بینی شده است.

این اطلاق و عدم ذکر مقدار و میزان دقیق ارزش مالی و نوع حکم و نوع اموال و اشیاء مورد حکم و مقید نبودن آن موجب بروز اشکالاتی در رویه قضایی دادگاهها گردیده است. چنانچه برخی از دادگاهها حکم به ضبط مبالغ پایین و کم اهمیت را قابل تجدید نظر در دادگاه تجدید نظر استان دانسته و برخی دیگر از محاکم، بدون توجه به میزان و مبلغ و نوع

مال ضبط شده، مرجع صالح تجدید نظر خواهی از احکام مزبور را دیوانعالی کشور دانسته اند. هر چند که در این مورد هم بین شعب دیوانعالی کشور و دادگاه تجدید نظر استان اختلاف رویه وجود دارد. دادگاههای تجدید نظر استان هر نوع ضبط اموال را خارج از صلاحیت خود اعلام و مرجع تجدید نظر را دیوانعالی کشور اعلام می کنند.

دیوانعالی کشور در مورد ضبط اموال تفکیک قائل می شود: اگر ضبط اموال در اجرای مقررات عمومی و تعیین تکلیف راجع به اشیاء و اموال حاصل از جرم یا اموال و اشیایی باشد که وسیله ارتکاب جرم قرار گرفته است، رسیدگی را با دادگاه تجدید نظر استان می داند و در سایر موارد به درخواست تجدید نظر خواهی رسیدگی و رای مقتضی صادر می کند. پس چنین نتیجه گیری می شد که اگر دادگاهی بر اساس قوانین عمومی حکم به ضبط اموال دهد (ماده ۱۰ ق.م.ا.) آن حکم قابل تجدید نظر نیست و اگر هم باشد مرجع تجدید نظر آن، دادگاه تجدید نظر استان است نه دیوانعالی کشور، و اگر جنبه مجازات داشته باشد، دیوانعالی کشور مرجع تجدید نظر است.^۱

به نظر می رسد از آنجا که بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ مقید به قیدی نبوده و قرینه صارفه ای حاکی از آن که برخی از این موارد در صلاحیت دیوان نیست، در دست نمی باشد، بدین ترتیب، مصادره و ضبط اموال چه مجازات اصلی باشد و چه تکمیلی _ تبعی و چه اینکه ماهیتاً اقدام تأمینی باشد یا مجازات، چه اینکه مستقلاً مورد حکم قرار گرفته باشد چه به همراه مجازاتی دیگر، چه ارزش مال ضبط شده قلیل باشد و چه کثیر، در هر صورت مرجع تجدید نظر نسبت به آن دیوانعالی

^۱- یاراحمدی، عبدالرضا؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزد تهران مرکز، سال ۱۳۷۷، ص ۱۷۹

کشور و به دلیل قلت ارزش مال مورد مصادره و افزایش تراکم کار دیوانعالی کشور، نمی توان از اطلاق بند ۳ ماده مذکور دست کشید.

بنابراین در بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۳ نصاب خاص مدنظر مقنن نبوده است. کما اینکه اداره حقوقی قوه قضائیه هم در این مورد چنین نظر داده است: اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به اینکه در خصوص بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، آیا نصاب مشخص مورد نظر است یا خیر؟ اعلام داشتند که: «با توجه به اینکه بند ۳ ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، مطلق مصادره و ضبط اموال را قابل تجدید نظر در دیوانعالی کشور دانسته، بنابراین نصاب مورد نظر نبوده است»^۱.

این اختلافات در رویه بین محاکم قضایی خصوصاً بین محاکم تجدید نظر استان و شعب دیوانعالی کشور وجود دارد. محاکم تجدید نظر استان بر این عقیده هستند که کلیه احکام ضبط و مصادره اموال در صلاحیت دیوانعالی کشور است و شعب دیوانعالی کشور بر این عقیده‌اند که صرفاً آن دسته از احکام ضبط و مصادره ای که در آنها ضبط و مصادره اموال راساً و به عنوان مجازات اصلی مورد نظر دادگاهها باشد از جمله موضوع بند ۶ از ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که شامل احکام ضبط و مصادره صادره از محاکم انقلاب اسلامی است در صلاحیت دیوان عالی کشور می باشد و در سایر موارد از جمله مواردی که محاکم در ضمن احکام کیفری در خصوص اشیاء و آلات و ادوات جرم

^۱ - کشاورز، بهمن؛ نگرشی بر قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۷۴، صص ۶۸-۶۹

تعیین تکلیف کرده و حکم به ضبط آنها می‌دهند در این گونه موارد به عقیده شعب دیوانعالی کشور مرجع تجدید نظر دیوان عالی کشور نیست بلکه محاکم تجدید نظر استان می‌باشد.^۱

گفتار سوم: بررسی ضبط و مصادره اموال در قوانین مربوط به قاچاق

در تعریف جرم قاچاق آورده‌اند که «قاچاق عبارت است از واردات و صادرات کالا و هر چیزی که به موجب قانون واردات و صادرات آن ممنوع یا در انحصار دولت است و یا بدون تشریفات و مقررات قانونی و پرداخت عوارض و حقوق گمرکی وارد یا صادر شده باشد. خرید و فروش و حمل و نگهداری این کالا در مواردی که قانون صریح بیان داشته است نیز در حکم قاچاق است»^۲

با توجه به قوانین و مقررات مختلفی که در زمینه جرم‌انگاری قاچاق صورت گرفته و با توجه به حساسیت قانونگذار نسبت به موضوعات خاص در مجموع عمده موضوعات قاچاق شامل موارد ذیل ذکر شده است:

۱- کالا ۲- ارز ۳- انسان ۴- سیگار ۵- اسلحه ۶-

احشام

۷- عتیقه ۸- خاویار و ماهی‌های خاویاری ۹- دارو ۱۰- لباس

۱۱- تجهیزات ماهواره ۱۲- هیزم و محصولات جنگلی

در زمینه جرم قاچاق قوانین و مقررات مختلفی تصویب و وضعیت نائباتی در امر مبارزه با جرم قاچاق ایجاد شده است.

^۱-قاسمی، سید ابوالحسن، منبع پیشین، ص ۹۹

^۲-ساکي، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹، ص ۷۳.

قوانین مربوط به قاچاق که مجازات ضبط و مصادره اموال در آنها پیش‌بینی شده است از این قرار است:

۱- قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲

۲- قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹

۳- قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت‌های ناشی

از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۱۳۶۸

۴- قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۱۶

۵- قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹

۶- قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳

و ...

ماده یک اصلاحی ۱۳۷۳/۱۱/۹ قانون مجازات مرتکبان قاچاق مصوب ۱۳۱۲ مقرر می‌دارد هر کس در مورد مالی که موضوع درآمد دولت بوده مرتکب قاچاق شود علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال رد بهای آن حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به جریمه نقدی حداکثر ۵ برابر معادل قیمت ریالی و ... محکوم خواهد شد. همچنین بند الف ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر می‌دارد در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ۱۰ میلیون ریال یا کمتر باشد اداره‌ها و سازمان‌های ذیربط به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد فقط به ضبط کالا و ارز اکتفا می‌کنند و در بند ب هم آمده است که در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق از ۱۰ میلیون ریال تجاوز کند چنانچه متهم در مرحله‌ی اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر آن به

عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد آمد اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف‌نظر می‌شود.

گفتار چهارم: بررسی ضبط و مصادره اموال در قوانین گمرکی

ماده‌ی ۳۱ قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۷ مقرر می‌دارد:

کالایی که ورود آن قانوناً ممنوع یا طبق مقررات صادرات و واردات سالانه غیرمجاز باشد هرگاه برای ورود قطعی با ترانزیت داخلی با نام و مشخصات کامل اظهار شود گمرک باید از ترخیص آن خودداری و به صاحب کالا یا نماینده‌ی وی کتباً اخطار کند حداکثر ظرف ۳ ماه با انجام کلیه‌ی تشریفات آن کالا را از کشور خارج کند در صورتی که کالا را ظرف مدت مزبور از کشور خارج نکند گمرک کالا را ضبط و مراتب را به صاحب آن یا نماینده‌ی او ابلاغ خواهد کرد.

صاحب کالا حق دارد از تاریخ ابلاغ تا ۲ ماه به دادگاه شهرستان مراجعه کند در غیر اینصورت کالا به ملکیت قطعی دولت در خواهد آمد.

همچنین ماده‌ی ۸۸ آئین‌نامه‌ی اجرائی قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۵۱/۱/۲۰ کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی در مورد ضبط و مواد ۲۸۴ و ۲۸۶ آئین‌نامه‌ی مذکور در مورد تشریفات تملک و فروش اموال ضبط شده تعیین تکلیف می‌نماید.

مبحث دوم : تبیین ضبط و مصادره اموال در طبقه‌بندی مجازات‌ها و محاسن و معایب

ضبط و مصادره

با عنایت به این که ضبط و مصادره اموال صراحتاً در قانون مجازات اسلامی به عنوان مجازات ذکر نشده است بررسی این موضوع از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. در این مبحث به تبیین ماهیت ضبط و مصادره اموال در طبقه‌بندی مجازات‌ها پرداخته شده و محاسن و معایب ضبط و مصادره اموال و همچنین حقوق اشخاص ثالث در رابطه با عملیات ضبط و مصادره اموال نیز بررسی می‌شود.

گفتار اول: اقدام تأمینی یا مجازات

ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ در تعریف اقدامات تأمینی مقرر می‌دارد: اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه و جنایت) درباره ی مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند.

در تعریف اقدامات تأمینی آورده اند که: «به وسایل و تدابیری اطلاق می‌شود که در مورد افراد خطرناک مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف آن جلوگیری از جرایمی است که ممکن است احتمالاً در آینده از طرف فرد خطرناک ارتکاب یابد. ویژگی آن اینست که انفرادی، الزامی و فاقد رنگ و شائبه‌ی اخلاقی است»^۱.

بنابراین می‌توان گفت فرق اقدامات تأمینی با مجازات‌ها این است که اقدامات تأمینی هدف کیفری ندارند؛ به عبارتی هدف اقدامات تأمینی گرفتن انتقام، دادن مکافات و ارعاب به شخصی که حالت خطرناک دارد، نیست.

^۱-صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۷۲، ص ۱۸۸

حال با توجه به تعریف و خصوصیات مجازات و تفاوت آن با اقدامات تأمینی می خواهیم بدانیم که ضبط یا مصادره اموال مجازات است یا اقدام تأمینی؟

قانونگذار در ماده ۱۲ قانون مذکور (قانون اقدامات تأمینی) ضبط اشیاء خطرناک را بعنوان یکی از اقدامات تأمینی مالی آورده است. و در ماده ۱۳ همان قانون مقرر داشته است «اشیایی که آلت ارتکاب جرم بوده و یا اینکه در نتیجه جرم حاصل شده باشد در صورتیکه وجود آنها موجب تشویش اذهان یا مخل نظم عمومی یا آسایش مردم باشد، برحسب تقاضای دادستان و حکم دادگاه جنحه دستور ضبط آنها صادر می شود ولو آنکه هیچ کسی را نتوان تعقیب یا محکوم نمود دادگاه حق دارد دستور بدهد که اشیاء ضبط شده را از دسترس عموم خارج کرده یا آنها را نابود نمایند».

بنابراین می توان گفت ضبط اشیاء خطرناک از اقدامات تأمینی مالی است. موضوع این اقدام فرد مجرم نیست تا به تبع اعمال آن به اصلاح و تربیت وی مبادرت شود. لذا در این مورد ترجیح احتیاطی بودن این اقدامات بر تربیتی بودن آن روشن است.

اشیایی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا در نتیجه آن بدست آمده اند، اگر شرایطی که قانون درباره آنها مقرر کرده است وجود داشته باشد، اشیاء خطرناک محسوب می شوند و ضبط آنها اجرای اقدام تأمینی خواهد بود. اما اگر این اشیاء فاقد شرایط مذکور و خطرناکی باشند ضبط آنها به منزله اقدام تأمینی نخواهد بود بلکه ضبط آنها بعنوان مجازات صورت خواهد گرفت. گفته اند که برای اینکه بتوان خطرناک بودن را به شیء نسبت داد وجود شرایط زیر ضروری می باشد:

۱- شیء وسیله ارتکاب جرم باشد: مانند کارد، چاقو، تیغ، سرنیزه، سلاح گرم

و...

۲- شیء در نتیجه وقوع جرم حاصل شده باشد : مانند مواد مخدر

۳- وجود شیء سبب تشویش عامه شود .

۴- وجود شیء باعث اختلال در نظم یا آسایش عمومی شود.

این اشیاء اعم از آنکه نزد مالک یا غیر او باشند و همچنین خواه صاحبان آنها مرتکب جرم شده یا نشده باشند، به جهت خطرناک بودن آنها و نیز پیشگیری از تکرار جرم ضبط خواهند شد.^۱ بنابراین توقیف اموال در صورت وجود شرایط فوق الذکر از اقدامات تامینی به شمار می آید که هدف از آن مجازات شخص بخصوصی نیست بلکه خارج کردن شیء یا اشیاء خطرناک از دسترس مردم است و لزومی ندارد که حتماً متوجه مال متعلق به مرتکب باشد و نتیجه این نوع از توقیف همیشه در اختیار گرفتن مال توقیف شده از طرف دولت نیست، بلکه از بین بردن و نابود کردن آن مال است از آن جمله است توقیف ابزار و وسایل به غیبگویی و یا رمالی ویا ماکولات و مشروبات فاسد.^۲

ضبط اموال و اشیاء گاهی به صورت مجازات و گاهی بعنوان اقدام تامینی با وجود شرایط مقرر در قانون ، در مجموعه قوانین جزایی کشورمان آمده است و ممکن است در مواردی ضبط اموال و اشیاء واجد هر دو جنبه هم باشند.

ولی با ملحوظ نظر قرار دادن تعریف مصادره اموال که آمده است: «که دولت از تمام یا قسمتی از اموال فردی سلب مالکیت کند و خود آن اموال را در اختیار گیرد و یا ضبط تمام یا بخشی از اموال متهم به نفع دولت». مستفاد می شود که در چنین مواردی هدف قانون گذار از مصادره اموال به عنوان مجازات می باشد بعنوان مثال می توان به ماده ۲۸ قانون اصلاحیه ی

^۱-قاسمی ، ناصر، اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران ، چاپ اول ،نشر میزان، سال ۱۳۷۴، ص ۱۵۸

^۲-محمدی ، حمید، منبع پیشین،ص ۱۵۰

قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ که حکایت از مصادره اموال از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده به نفع دولت دارد، اشاره نمود .

و از طرفی غالب حقوقدانان عقیده دارند که مصادره غالباً بعنوان مجازات محسوب و جنبه جزایی دارد کما اینکه یکی از حقوقدانان می نویسد : « مصادره غالباً جنبه جزایی دارد و استفاده از آن بیشتر خاص مواردی است که دولت اموال شخصی را به لحاظ جرمی بعنوان مجازات از وی می گیرد...»^۱ و همچنین با توجه به تعریف که قبلاً هم آورده شد مصادره یا ضبط اموال نوعی مجازات عینی است که به بخشی یا کلیه اموال موجود در زمان ارتکاب جرم تعلق می‌گیرد.

از طرف دیگر عده ای از حقوقدانان بر این عقیده اند که مصادره دارای یک مفهوم مدنی است به این معنی که منظور از مصادره اموال عبارت است از رد اموال نامشروع تحصیل شده شخص به صاحبان حق (مفهوم مدنی مصادره اموال) که در این صورت مصادره دیگر مجازات به حساب نمی‌آید بلکه صرفاً دارای یک مفهوم مدنی است کما اینکه نوشته اند :

« به اعتقاد ما اخذ مال ناشی از سوء استفاده ، اختلاس و مالکیت های نامشروع از باب رد اموال نامشروع تحصیل شده مشخص به صاحبان حق (مفهوم مدنی مصادره اموال) است نه از باب مجازات »^۲

در نتیجه با بررسی نظریه حقوقدانان مشاهده می شود که نظرات متعدد و مختلفی در خصوص ماهیت ضبط و مصادره اموال بیان شده است بطوری که عده ای عقیده دارند ضبط و

^۱-افتخار جهرمی ، گودرز؛ دیوان داوری در ایران ایالات متحده و عملکرد آن در قلمرو حقوق بین الملل ، مجله حقوقی ،ش

۱۶ و ۱۷، صص ۳۶ و ۳۷

^۲- تفرشی، عیسی، منبع پیشین، ص ۲۳۹

مصادره اموال مجازات می باشد و عده ای را هم عقیده بر آن است که ضبط و مصادره اموال دارای مفهوم مدنی و حقوقی (استرداد اموال) هستند.

گفتار دوم (مجازات اصلی یا تکمیلی یا تبعی

مجازات ها به اعتبار ارتباط آنها با یکدیگر به مجازاتهای اصلی، تکمیلی و تبعی تقسیم شده اند و در مواد ۷ و ۱۵ قانون مجازات عمومی اصلاحیه ی ۱۳۵۲ این نوع تقسیم بندی صریحاً ذکر شده بود که پس از انقلاب اسلامی و تصویب قانون مجازات اسلامی هر چند مقنن غالباً متون و مندرجات مواد قانون مجازات عمومی سابق را در مورد مجازاتهای اصلی و تکمیلی و تبعی باز نویسی کرده اند اما اشاره ای به این نوع طبقه بندی مجازاتها نکرده اند برای درک مفهوم قضایی این مجازاتها و بررسی جایگاه ضبط و مصادره اموال در این طبقات ذیلاً به تعریف و بررسی این مجازاتها می پردازیم.

الف (مجازاتهای اصلی

مجازاتهای اصلی که معمولاً بر مبنای مسئولیت کیفری مجرم در قانون پیش بینی می شوند کیفری هستند که در برابر جرم معینی از نظر نوع، مقدار و مدت در حکم دادگاه تعیین می شوند. قانونگذار ممکن است برای یک جرم مجازات اصلی واحدی را در نظر بگیرد و یا مجازاتهای اصلی متعدد. در صورت اخیر تعیین مجازات متعدد توسط دادگاه ممکن است اختیاری باشد یا اجباری.^۱

^۱ - ولیدی، محمد صالح؛ منبع یشین، ص ۵۳

مثلاً در ماده ۵۲۲ ق. م. ا. در مورد جرایم مربوط به تهیه و ترویج سکه قلب مقرر داشته است که علاوه در مجازاتهای مقرر در ماده ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز بعنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می شود که در این ماده ضبط و مصادره اموال بعنوان مجازات اصلی پیش بینی شده است .

ب (مجازات تکمیلی و تبعی

علاوه بر مجازات یا مجازاتهایی که برای یک عمل مجرمانه پیش بینی می شود قانونگذار ممکن است با توجه به نوع جرم ارتكابی و درجه اهمیت آن برای مرتکب جرم تعیین کرده باشد این مجازات اضافی گاه بطور خود به خود و به تبع مجازات اصلی نسبت به محکوم تحمیل می شود در این صورت آن را مجازات تبعی می خوانیم و گاه اجرای آن بسته به این است که در حکم دادگاه قید شده باشد در آن صورت مجازات تکمیلی خواهد بود .^۱

ماده ۱۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ چنین مقرر می داشت « مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی تبعی و تکمیلی به قرار زیر است :

- ۱- محرومیت از تمام یا بعضی حقوق اجتماعی
- ۲- اقامت اجباری در محل معین
- ۳- ممنوعیت از اقامت در محل معین
- ۴- محرومیت از اشتغال به شغل یا کسب یا کار معین و یا الزام به انجام امر معین
- ۵- بستن موسسه
- ۶- محرومیت از حق ولایت یا حضانت یا وسایط یا نظارت

^۱ - صانعی ، پرویز ؛ منبع پیشین ، ص ۲۱۴

این مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی در صورتی که در حکم دادگاه قید شوند تکمیلی است در مواردی که قانوناً و بدون قید در حکم دادگاه باشد تبعی است « البته مجازاتهای تبعی طی ماده واحده ی اخیر التصویب بعنوان ماده ۶۲ مکرر به قانون مجازات اسلامی اضافه شده است که ضرورتی به ذکر آن نمی باشد .

مجازات ضبط و مصادره اموال در حقوق موضوعه اغلب بعنوان مجازات تکمیلی در متون قانونی آمده است.^۱ مانند ضبط اسباب و نقود متعلق به قمار بر حسب مورد به موجب قانون ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی که در واقع ضبط آنها یک نوع مجازات تکمیلی است و همچنین ضبط وسایل نقلیه حامل مواد مخدر به نفع دولت به موجب ماده ۳۰ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام .

گفتار سوم : محاسن و معایب ضبط و مصادره اموال

ضبط و مصادره اموال مانند سایر مجازاتها دارای محاسن و معایبی می باشد که مورد بحث و بررسی حقوقدانان بوده است در این گفتار به اختصار به بررسی محاسن و معایب ضبط و مصادره اموال می پردازیم :

الف (محاسن ضبط و مصادره اموال

در هر جرمی که فرد در پی کسب منفعت و استفاده مالی است تعیین مجازات های مالی بعنوان مجازات اصلی مناسب و مؤثر است.^۲ ضبط و مصادره اموال که غالباً در شرایط استثنایی برقرار می شوند از جمله مجازاتهای مالی هستند که می توانند امتیاز سرعت و سهولت

^۱- گلدوزیان، ایرج؛ منبع پیشین، ص ۳۷۱ و محمدی، حمید؛ منبع پیشین، ص ۱۱۹

^۲- آزمایش، سید علی؛ تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ص ۲۵

را داشته باشند و در عین حال همان اشکالات جزای نقدی را نیز با اختلاف نه چندان قابل ملاحظه ای دارند.^۱

لذا با توجه به مطالب فوق محاسن ضبط و مصادره اموال عبارتند از :

اول: انتخاب ضبط و مصادره اموال به جای زندان که محیط آن معمولاً جرم زا بوده و متاسفانه به نوعی می توان گفت محل تعلیم اعمال مجرمانه می باشد ، مانع تباهی و فساد مجرمین اتفاقی می گردد.

دوم: ضبط و مصادره اموال همانند جزای نقدی ولو به کرات هم اعمال و اجرا گردد ، ایجاد عادت نکرده و خصوصیات ارباب را همیشه حفظ می کند .در حالی که مجازات حبس نسبت به مجرمین تکرار کننده جرم اثر ارباب نداشته و بزه کار پس از یکی دو بار زندانی شدن به محیط زندان عادت می کند.^۲

سوم: ضبط و مصادره اموال در جرایمی که تنها انگیزه مجرم سود جویی و جمع آوری ثروت است بسیار مفید و مناسب خواهد بود در حالی که مجازاتهای بدنی و سالب آزادی همیشه با شدت و وخامت جرایم اقتصادی و مالی مناسب نبوده و چه بسا مجرم با امید به آزادی مشروط و عفو و غیره و کوتاه کردن مدت حبس به ارتکاب جرم سوق داده شود .

چهارم: سرعت و سهولت اجرای مجازاتهای نقدی و از جمله ضبط و مصادره اموال مورد قبول بسیاری از حقوقدانان می باشد و برخی از حقوقدانان معتقدند که این نوع مجازاتها می تواند به سرعت و آسانی بزه کارانی را که علی الاصول جرایم مهمی انجام نداده باشند متنبه کند و در عین حال دولت را از تراکم زندانیان برهاند.^۳

^۱-نور بها ، رضا ؛ زمینه حقوق جزای عمومی ، چاپ سیزدهم، انتشارات گنج دانش ، سال ۱۳۸۴ ، ص ۳۹۶

^۲-گلدوزیان ، ایرج؛ منبع پیشین ، ص ۳۶۳

^۳- نور بها ، رضا ؛ منبع پیشین ، صص ۳۷۰ و ۳۷۱

پنجم: ضبط و مصادره مانند هر مجازات دیگر مجرم را از تکرار جرم می‌ترساند و افراد مطیع قانون را نیز از ارتکاب جرم باز می‌دارد. دادگاهها و کمیته‌های قانون‌گذاری این ایده را ترویج می‌کنند که مصادره کیفری یک ارباب خاص مؤثر و حتی مؤثرتر از زندان است.^۱ البته این ایده در مواردی که جزای نقدی اندکی برای جرایمی که سود زیادی دارند در نظر گرفته شده است بیشتر معمول است.^۲

و بالاخره اینکه ضبط و مصادره اموال برای خزانه عمومی (دولت) ایجاد منفعت می‌کند، در حالی که اجرای مجازاتهای سالب آزادی خیلی هزینه دارد.^۳

(ب) معایب ضبط و مصادره اموال

معایب ضبط و مصادره اموال که مشترک با جزای نقدی می‌باشد عبارتند از:

اول: ضبط و مصادره اموال با اصل شخصی بودن مجازاتها در تعارض می‌باشد زیرا ضبط و مصادره اموال نه تنها بر دارایی شخص بزه کار لطمه وارد می‌کند بلکه با کاهش دارایی مجرم به کلیه کسانی که با این دارایی زندگی می‌کردند یا به آن حقی داشتند آسیب می‌رساند و این امر برخلاف انصاف و عدالت است چنانچه سزار بکاریا هم در این باره نوشته است:

«... مصادره سر ناتوان را به جایزه می‌گذارد و بی‌گناهان را به تحمل کیفر گناهکاران وا

می‌دارد و آنان را در ناچاری و ناامیدی به ارتکاب جرایم می‌رساند.»

(به نقل از دلیر، حمید، حقوق مصادره، ص ۸۰) P. 358, David J. -Fried, rationalizing criminal forfeiture.

²-Ibid, P. 367

^۳- بکاریا، سزار، منبع پیشین، ص ۸۱

دوم: ضبط و مصادره اموال با اصل تساوی مجازاتها منافات دارد زیرا ضبط و مصادره اموال برای بزهکار فقیر کیفری سنگین و شدید است و برای مجرمین ثروتمند چندان اهمیتی نداشته و کیفری خفیف و بدون تاثیر است.^۱

سوم: امکان استفاده از جزای نقدی بجای مصادره اموال، با این توضیح که یک جزای نقدی قابل توجه می‌تواند مجرم را از عواید و درآمد های مجرمانه بی بهره کند و به این دلیل نیازی به ضبط و مصادره اموال نیست.^۲

گفتار چهارم: لزوم احترام به حقوق اشخاص ثالث در ضبط و مصادره اموال

ضبط و مصادره اموال باید به نحوی صورت بگیرد که خدشه‌ای به حقوق طرف‌های ثالث با حسن‌نیت وارد نشود به همین جهت در برخی قوانین بین‌المللی پیش‌بینی شده است که قبل از اقدام به مصادره اموال در خصوص موضوع اخطار کنند این اخطار باید به طرف ثالث احتمالی اجازه‌ی مطالبه‌ی اموال موضوع استرداد را بدهد البته مشروط بر اینکه مقامات قانونی را قانع کند که سند رسمی و مالکیت قانونی اموال را دارد و در جرم اصلی به هیچ شکلی مشارکت نداشته است و نمی‌دانسته که این اموال برای اهداف غیرقانونی مصرف خواهد شد و یا در حد معقول اقدامات لازم را جهت ممانعت از استعمال غیرقانونی این اموال را بجا آورده است.^۳

رعایت حقوق اشخاص ثالث مستلزم آن است که حق اطلاع از روند رسیدگی پرونده و تدارک دفاع و حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی به تصمیمات قضایی اعم از قرار یا حکم ضبط و

^۱ - قاسمی، سید ابوالحسن؛ منبع پیشین، ص ۷۵

^۲ - دلیر، حمید؛ منبع پیشین، ص ۸۷

^۳ - حسن‌پور، یاسمین، بررسی جرم پولشویی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران،

سال ۸۴ ص ۱۴

مصادره برای آنها به رسمیت شناخته شود و احیاناً در صورتی که از تصمیمات مقامات قضایی ضرری به حقوق اشخاص ثالث وارد آید باید به طور کامل جبران خسارت صورت گیرد.

مبحث سوم: بررسی مراجع صالح برای ضبط و مصادره‌ی اموال

گفتار اول: قوه قضائیه

الف)- دادگاه‌ها

۱- دادگاه‌های عمومی:

الف)- به موجب قوانین مختلفه از قبیل قانون مجازات اسلامی (مواد ۵۲۲ و ۵۳۹ و

۵۶۲) قانون مطبوعات و ... دادگاه‌های عمومی می‌توانند بر حسب نوع جرایم

ارتكابی و به موجب صلاحیت عام ایجاد شده برای آنان احکام قضایی بر حسب

قانون مبنی بر ضبط و مصادره‌ی اموال و اشیاء را صادر نمایند.

ب)- به موجب رأی وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوانعالی کشور به شماره‌ی ۶۷۶-

۱۳۸۴/۳/۱۰ که دادگاه‌های عمومی در مقام رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز

صالح به ضبط و مصادره اموال حاصله از جرم می‌باشند.

رأی مذکور مقرر می‌دارد: هرچند به صراحت ماده‌ی ۵ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی

و انقلاب در امور کیفری رسیدگی به جرایم مربوط به قاچاق و موادمخدر علی‌الاطلاق

به دادگاه انقلاب منطقه یا استان محول گردیده ولی از آن جایی که مجمع تشخیص

مصلحت نظام با عنایت به اهمیت بزه قاچاق کالا و ارز و اثرات سوء آن به منظور

رعایت غبطه‌ی مملکت و ممانعت از بروز اختلافات بیشتر در امور ارزی ضرورت

تسریع در رسیدگی و اعمال مجازات قانونی خارج از تشریفات آئین دادرسی کیفری را

مطابق تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا

و ارز مصوب ۱۳۷۴ تجویز نموده و ماده‌ی ۲ دستورالعمل مربوط به آن مقرر گردیده

در شهرستان‌ها و بخش‌هایی که دادگاه انقلاب تشکیل نشده دادگاه‌های عمومی به

پرونده‌های قاچاق کالا و ارز رسیدگی خواهند نمود با این تغییر اصل صلاحیت قانونی دادگاه محل وقوع جرم در صورت عدم تشکیل دادگاه انقلاب پذیرفته شده و به عقیده اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوانعالی کشور رأی شعبه‌ی سی و سوم در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح تشخیص می‌گردد و این رأی طبق ماده‌ی ۲۷۰ قانون آئین دادرسی در موارد مشابه برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است. با توجه به این که رسیدگی به پرونده‌های قاچاق در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب می‌باشد تجویز رسیدگی دادگاه عمومی به پرونده‌های مزبور طبق این رأی وحدت رویه جای بحث است.

۲- دادگاههای انقلاب:

الف)- به اعتبار صلاحیت رسیدگی به جرایم قاچاق: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری اسلامی، شورای انقلاب در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ آئین نامه‌ی دادگاهها و دادرهای انقلاب را تنظیم و بموجب ماده‌ی ۲ حدود صلاحیت آن محاکم را تعیین و بعد نیز بموجب قانون حدود و صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب مصوب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۲ حدود و صلاحیت آن مراجع توسعه یافته و به قرار ذیل بیان شده است.

- کلیه‌ی جرایم علیه امنیت خارجی و داخلی و ...
- سوء قصد به مقامات سیاسی
- کلیه جرایم مربوط به مواد مخدر و قاچاق

و ...

(ب)- به اعتبار صلاحیت رسیدگی به دعوای مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی: در ماده‌ی ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ هم حدود صلاحیت دادگاههای انقلاب احصاء شده است. همچنین شعبی از دادگاههای انقلاب بموجب ماده‌ی ۱ دستور العمل اجرایی قانون نحوه‌ی اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جهت رسیدگی به دعوای احصاء شده در ماده و واحده‌ی قانون شمول اجراء قانون نحوه‌ی اجراء اصل ۴۹ ق. ۱ در مورد ثروت‌های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق مصوب ۲۹ بهمن ۱۳۶۸ اختصاص یافته است. که موارد ضبط در ماده واحده اخیر ذکر گردیده است.

۳- دادگاههای نظامی: دادگاههای نظامی از محاکم قضایی اختصاصی است که به جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی کلیه‌ی افراد نظامی مذکور در ماده‌ی ۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۹ دیماه ۱۳۸۲ رسیدگی و چنانکه افراد مزبور مرتکب جرایم قاچاق و مواد مخدرو ... شوند دادگاه مزبور میتواند آنها را بر حسب جرایم ارتكابی به ضبط و مصادره‌ی اموال محکوم نماید.

۴- دادگاههای ویژه‌ی روحانیت: دادگاه ویژه روحانیت که از دادگاههای اختصاصی محسوب می‌گردد برابر ماده ۳۹ آیین نامه دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت مصوب ۱۳۶۹ به جرایم احصاء شده روحانیون در ماده‌ی ۱۳ همان آیین نامه رسیدگی کرده و بر حسب جرایم ارتكابی حکم به مجازات ضبط و مصادره‌ی اموال می‌نماید.

(ب)- دادرها

۱- دادرهای عمومی: دادرها که در رأس آنها دادستان قرار دارد و علاوه بر دادستان به تعداد لازم بازپرس و دادیار نیز حضور دارند، و هر کدام از مقامات یاد شده بر اساس

پرونده‌های مرجوعه در حین تحقیقات مقدماتی و کشف جرم عندالضروره نسبت به ضبط موقت اموال و اشیاء و آلات جرم یا اموال حاصله از جرم اقدام نمایند که مقررات مزبور در ماده ۱۰ ق.م.اسلامی و نیز مواد ۱۰۷ و ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری نمونه‌هایی از اختیارات مقامات دادرسی در ضبط و توقیف اموال البته بصورت موقت است.

۲- دادرسی انقلاب: موارد احصاء شده در ماده ۲۷ و تبصره ذیل ماده و نیز ماده ۲۸ از آیین‌نامه دادگاهها و دادرسی‌های انقلاب نمونه‌هایی از اختیارات مقامات قضایی دادرسی انقلاب در ضبط و توقیف اموال و اشیاء می‌باشد.

۳- دادرسی نظامی: به موجب ماده ۱۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ اختیارات و وظایف دادستان و بازپرس و دادیار دادرسی نظامی با رعایت مقررات همان اختیارات و وظایفی است که در قانون آیین دادرسی کیفری مقامات مزبور تعیین شده و آیین رسیدگی به ترتیب مقرر در قانون مزبور خواهد بود.

۴- دادرسی ویژه روحانیت: این دادرسی نیز به موجب آیین‌نامه دادرسی‌ها و دادگاههای ویژه روحانیت مصوب مرداد ماه ۱۳۶۹ با توجه به صلاحیت‌های ایجاد شده در ماده ۳۷ آیین‌نامه اختیار ضبط وجه التزام و وجه‌الکفاله و وثیقه را با شرایط موجود به دادستان داده است.

گفتار دوم) سازمان تعزیرات حکومتی

صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارز و به تبع آن ضبط و مصادره اموال مربوط به قاچاق به قرار ذیل است:

«۱- به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴ قانون نحوه‌ی اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز زمانی است که مراجع قضایی به علت رسیدگی نکردن یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده ظرف مدت ۱ ماه نسبت به صدور حکم اقدام ننمایند در این صورت با درخواست سازمان شاکی پرونده از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و توسط سازمان تعزیرات حکومتی رسیدگی می‌گردد.

۲- زمانی که مناطقی که جرم قاچاق کالا و ارز وقوع یافته محاکم قضایی (دادگاه‌های انقلاب و عمومی) وجود نداشته باشد و سازمان تعزیرات حکومتی مستقر باشد این سازمان می‌تواند ابتدا به پرونده‌های قاچاق رسیدگی نماید البته این سازمان نیز براساس جرایم و مجازات‌های مقرر در قوانین مربوط باید رسیدگی و اقدام نماید.

۳- رسیدگی به جرم خرید و فروش و عرضه‌ی کالای قاچاق توسط افراد صنفی است که مطابق ماده‌ی ۲۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵ مجدداً در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی قرار گرفته است.»^۱

گفتار سوم (حکم به ضبط و مصادره از سوی قوه مقننه

گاهی اوقات حکم به مصادره اموال شخص یا اشخاص بنابه علل خاصی مستقیماً با تصویب قوانین خاصی از سوی قوه مقننه صادر می‌شود که در این گونه موارد قوه قضاییه صرفاً از جهت تطبیق مورد و رعایت بعضی خصوصیات قانونی اقدام می‌کند و اجرای این گونه قوانین معمولاً به عهده قوه مجریه است و مراجع قضایی نقش چندانی در اجرای این گونه مصوبات حکمی ندارد نمونه این چنین قوانین حکمی و قضایی عبارتست از: « قانون

^۱ - ساکی، محمدرضا، منبع پیشین، ص ۹۳.

مربوط به خارج شدن اموال احمد قوام از ملکیت او مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۳۶ که ماده واحده آن مقرر می‌دارد: چون احمد قوام یکی از عوامل موثر قتل و فجایع جریان اخیر که منتهی به کشتار دسته جمعی روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ و قیام مسلحانه علیه ملت ایران شده است مفسد فی الارض شناخته شده و علاوه بر تعقیب و مجازات قانونی، به موجب این قانون کلیه اموال و دارایی منقول و غیرمنقول احمد قوام از ملکیت او خارج می‌شود.

تبصره ۱ - هرگاه در اموال و املاک احمد قوام پس از تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ نقل و انتقالی به هر عنوان و به هر صیغه ولو به صورت سند رسمی صورت گرفته باشد آن نقل و انتقال از درجه اعتبار ساقط و آن اموال قطعی قوام محسوب می‌شود.

تبصره ۲ - اسناد غیر رسمی ذمه ای و یا مربوط به هر نوع نقل و انتقال اموال قوام متعلق به هر تاریخی باشد از درجه اعتبار ساقط است مگر آنچه مربوط به عملیات و مطالبات جاری و عادی بهره برداری باشد.

تبصره ۳ - اموال غیر منقولی که صوراً به اسم دیگران خریداری و قیمت آنها از محل اموال قوام پرداخت شده باشد نیز مشمول ماده واحده خواهد بود

تبصره ۴ - وجوهی که به نام حزب دموکرات سابق یا سازمانهای وابسته به آن در نزد بانکها یا نزد اشخاص موجود باشد از اموال دولتی محسوب و ضبط خواهد شد

تبصره ۵ - از اموال احمد قوام پنج میلیون برداشت و طبق موازین شرعی بین زن و

فرزندش تقسیم می‌شود

تبصره ۶ - آیین نامه اجرایی این قانون و طریق توزیع عواید آن اموال بین وراث شهدا و مجروحین جریانات ۲۱ تا ۳۶ تیرماه ۱۳۳۱ و امور خیریه به پیشنهاد دولت و تصویب کمیسیون دادگستری تنظیم می‌گردد.^۱

گفتار چهارم (فرمان حکومتی ولایت فقیه

مقام رهبری که به موجب اصل ۱۱۳ عالی ترین مقام رسمی کشور محسوب می شود هم اختیار ضبط و مصادره اموال بر اساس شرایط خاص موجود را دارد که نمونه ای از فرمان حضرت امام (ره) خطاب به شورای انقلاب در تاریخ ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۵۷ در جهت ضبط اموال پهلوی و عمال وابسته ذیلاً بیان می گردد.

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای انقلاب اسلامی بموجب این مکتوب ماموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسه پهلوی و شاخه ها و عمال مربوطین به این سلسله را در طول مدت سلطه غیر قانونی ، از بیت المال مسلمین اختلاس نموده اند به نفع مستمندان و کارگزاران و کارمندان ضعیف مصادره و منقولات آن در بانکها شماره ی به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیر منقول از قبیل مستغلات و اراضی ، ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد و در ایجاد مسکن و کار و غیر ذلک ، به جمیع کمیته های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می دهم که آنچه از این غنائم بدست آورده اید در بانکها با شماره ی معلوم بسپارند و به دولت ابلاغ نمایند که این غنائم مربوط به دولت

^۱ - مسلمی بطرودی ، نبی الله ؛ منبع پیشین ، ص ۴۳

نیست و امرش با شورای انقلاب است و آنچه مامورین دولت بدست آورده یا می آورند باید به همین شماره به بانک تحویل دهند و کسانی که از این اموال چیزی بدست آورده اند باید به کمیته ها یا بانک تحویل دهند متخلفین مورد مواخذه خواهند بود .

روح اله الموسوی الخمینی

۱۳۵۷ / ۱۲ / ۱۹

در این خصوص می‌توان به دادنامه شماره ۳۷۴/۷۳۵/۱۸ مورخ ۷۴/۸/۱۷ شعبه ۱۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران اشاره کرد که دایر بر شمول اصل ۴۹ قانون اساسی و فرمان حکومتی حضرت امام بوده است که در این دادنامه اموال آقایان ... که از بستگان رژیم پهلوی بوده‌اند و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را ترک نموده و در خارج کشور سکنی گزیده‌اند تماماً به نفع بنیاد مستضعفان ضبط و مصادره گردیده است.

بخش دوم

رد مال حاصل از

جرم

مقدمه

برقراری امنیت اقتصادی در جامعه از اهمیت شایان توجه ای برخوردار بوده با ملحوظ قرار دادن این اهمیت تقنین مقررات کیفری برای جرایم علیه امنیت اقتصادی از اهداف عمده همه دولتها است بدون شک جرایم علیه اموال و مالکیت ارتباط تنگاتنگ با اقتصاد جوامع دارد و طبیعتاً جلوگیری از وقوع این جرایم و اعمال کیفر مناسب برای مرتکبین آنها می تواند گامی مؤثر در برقراری امنیت اقتصادی باشد. لزوم احترام به حق مالکیت اشخاص امر مهمی است که در اعلامیه اسلامی حقوق بشر نیز بر آن تاکید شده و سلب مالکیت اشخاص جز به ضرورت حفظ منافع عمومی و در مقابل پرداخت غرامت فوری و عادلانه ممنوع اعلام گردیده است. مسئله رد مال حاصل از جرم که در جرایم علیه اموال و مالکیت مطرح می باشد از آنجا که درصد قابل توجه ای از جرایم ارتكابی در کشورهای مختلف را تشکیل می دهد در این راستا از اهمیت زیادی برخوردار می باشد. در این بخش به بررسی تعاریف و تبیین کلیات و مفهوم رد مال حاصل از جرم و بررسی چگونگی رد مال حاصل از جرم و مراجع اجرای قرار یا حکم رد مال و تکالیف مجرم و مقام قضایی در این زمینه پرداخته می شود.

فصل اول : قواعد عمومی استرداد اموال

بدون شک امروزه بیشتر جرایمی که در سطح جهان اتفاق می افتد از زمره جرایم بر علیه اموال می باشند موضوع رد مال حاصل از جرم که در جرایم علیه اموال مطرح می باشد مهم ترین مسئله ای است که برای بزه دیده از جرم از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. می توان گفت رد مال حاصل از جرم در نقطه ی مقابل ضبط و مصادره ی اموال می باشد و به جهت اهمیت موضوع رد مال نه تنها در قوانین جزایی پیش بینی شده بلکه در بعضی از کنوانسیون های بین المللی مانند کنوانسیون پالمو، وین ۱۹۸۸ و... هم مطرح شده است. اصل کلی این است که بزه دیده در برابر خسارت وارد شده از سوی متهم حق دارد کلیه اموال خود را که در اثر ارتکاب جرم از دست داده مطالبه نماید و غرامت نیز دریافت کند که این مطالبه اموال از دست رفته هم از طریق آئین دادرسی مدنی و هم از طریق آئین دادرسی کیفری قابل مطالبه است که در این فصل از پایان نامه به بحث و بررسی پیرامون چگونگی رد مال حاصل از جرم از طرق کیفری پرداخته و ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری که پایه و مستند بحث رد مال حاصل از جرم در حقوق کیفری محسوب می شوند نیز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد .

مبحث اول : تبیین کلیات، مفهوم و چگونگی رد مال حاصل از جرم

بحث رد مال حاصل از جرم در نقطه ی مقابل ضبط و مصادره ی اموال مطرح می باشد، و در قوانین جزایی هم پیش بینی شده است. یکی از تکالیف مقام قضایی اعم از مقامات

دادسرا و دادگاه تعیین تکلیف در مورد اموال حاصل از جرم می باشد. تصمیم به ضبط و مصادره اموال حاصل از جرم یکی از تصمیماتی است که مقام قضایی ممکن است اتخاذ نماید که در مباحث گذشته مورد بررسی قرار گرفت اما در پاره ای از موارد مقام قضایی باید دستور رد اموال مذکور را به صاحبان قانونی آن صادر نماید. در این مبحث به بررسی تعریف، مفهوم و چگونگی رد مال حاصل از جرم پرداخته می شود.

گفتار اول: تعریف و مفهوم رد مال در قرآن و نهج البلاغه

در این گفتار معانی لغوی و اصطلاحی رد مال را بیان کرده و مستندات بحث رد مال در قرآن و نهج البلاغه مورد اشاره قرار می گیرد.

الف) تعریف رد مال (استرداد)

در تعریف رد مال آورده اند که عبارتست از: تسلیم مادی اموال کشف و اخذ و ضبط و اعاده شده از جانب مجرم است به مالک یا قائم مقام قانونی او، از سوی مرجع و مقام ذی صلاح قانونی، در موارد مقرر در قانون که بواسطه عمل مجرمانه بزه کار و بر خلاف قانون از سلطه و تصرف و ید مالک خارج کرده باشد.^۱

همچنین حقوقدانی معتقد است که از نظر حقوقی رد و استرداد به معنای پس فرستادن،

بازگردانیدن و برگرداندن اموال تحصیل شده از جرم به حالت قبل است.^۲

^۱ - محمدی، حمید؛ منبع پیشین، ص ۳۰۱

^۲ - زراعت، عباس؛ شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات (حقوق جزای عمومی)، انتشارت ققنوس، سال ۱۳۸۲، ص

ب) مفهوم رد مال

رد مال عبارت است از تسلیم مادی اموال حاصله از جرم به صاحب یا قائم مقام قانونی آن و اعاده وضع و قلع آثار جرم و برگردانیدن وضع به قبل از ارتکاب جرم. رد مال در خصوص اموال منقول و اعاده وضع در مورد اموال غیرمنقول بکار می‌رود.^۱

ج) حکم استرداد اموال در قرآن

مفسران قرآن و برخی از حقوقدانان آیه های شریفه ی ۲۹ سوره مبارکه نساء و ۱۸۸ سوره مبارکه بقره که در مورد « منع خوردن مال به باطل و نامشروع »^۲ می باشد را بعنوان مستند حکم استرداد اموال در قرآن ذکر کرده اند.^۳ البته در خصوص صحت و درستی این نظریه چنین استدلال کرده اند که ممنوعیت و حرمت اکل مال به باطل ، هم شامل حرمت و نهی اولیه است و هم حرمت و نهی ثانویه و به تعبیر دیگر قرآن کریم افراد را از خوردن مال دیگران نهی می کند که این نهی دلالت بر این دارد که افراد نباید به دنبال کسب و تحصیل مال حرام بروند اما در عین حال کسانی که اموال مردم را به ناحق در تصرف گرفته اند نیز مشمول خطاب آیه هستند و تصرف و مصرف اموال دیگران برای آنان حرام است و چون با این حرمت مواجه هستند در نتیجه مکلفند اموالی که من غیر حق در تصرف دارند را به صاحبان واقعی آن مسترد کنند.^۴

^۱ - آخوندی، محمود، منبع پیشین، ص ۲۷۴.

^۲ - « لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل »

^۳ - محمدی، حمید؛ منبع پیشین، صص ۲۳۶ تا ۲۳۸

^۴ - دلیر، حمید؛ منبع پیشین، ص ۱۶۸

د) استرداد اموال و استعاده در نهج البلاغه

در نهج البلاغه از فرموده های حضرت علی (ع) چنین آمده : درباره زمینهایی که در زمان خلافت خود به مسلمانان بازگردانید و آنها زمینهایی بود که عثمان در زمان خلافتش به خویشان و کسانی که سزاوار احسان نبودند بخشیده بود فرمود : « سوگند به خدا اگر بخشیده ای را بیابم آن را گرفته و به مالک آن باز خواهم گرداند اگر چه از آن بخشیده و زن ها شوهر داده شده و کنیزان خریده باشد زیرا در عدل و درستی برای مردم در امر دین و دنیا وسعت گشایش است و بر کسی که عدل و درستی تنگ گردد و از رفتار برطبق عدل عاجز باشد به طریق اولی جور و ستم بر او تنگ تر آید و در تحمل آن عاجز تر و ناتوانتر باشد »^۱

این خطبه لزوم استرداد اموالی را که بصورت نامشروع و به ناحق در اختیار افراد قرار گرفته است را بخوبی بیان می کند و جای هیچ گونه ابهام و تردیدی باقی نمی گذارد.

گفتار دوم : تعریف مال حاصل از جرم ، بررسی و چگونگی رد مال حاصل از جرم

الف) تعریف مال حاصل از جرم

در یک مفهوم کلی تر می توان گفت مال حاصل از جرم عبارتست از هر مالی که بزهکار در اثر ارتکاب جرم از بزه دیده تحصیل می کند این مفهوم از عبارت به کار رفته در ماده ۹

^۱- فیض الاسلام، سید علی، ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبه ۱۵ نهج البلاغه، ص ۶۶. (به نقل از قادری، محمد حسن، استرداد اموال ناشی از جرم، پایان نامه کارشناسی ارشد،)

قانون مجازات اسلامی قابل استنباط است. منظور مقنن از مال حاصل از جرم تنها مالی است که از ید بزه‌دیده خارج و در ید بزه‌کار قرار گرفته است.^۱

ب) تکلیف مجرم در رد مال

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: « مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. »

تکلیف مجرم در رد مال صراحتاً در ماده مذکور مشخص شده و مجرم باید عین مال یا مثل یا قیمت مال را به بزه‌دیده مسترد دارد. استرداد چه در اموالی که از باب استعاده، مجرم بازپس دهد و چه در اموالی که کشف شده، یا از جانب دادگاه از مجرم به قهر و جبر پس گرفته شود، در هر دو مورد تکلیف است از آنجا که مجرم مکلف است مال حاصله از جرم را اصلاً یا بدلاً برگرداند که متعاقب آن مال به صاحبش مسترد می‌گردد و دادگاه مکلف است اشیاء و اموال کشف و ضبط شده را به صاحبش مسترد دارد ظاهراً در این دو حال افتراق معلوم همان بدل مال است که کشف و ضبط شده است بازگرداندن اصل مال را در اصطلاح فقه و حقوق ایفا و به اصل می‌گویند. از مبادی مسلم و ثابت در موجبات ایفا، ایفا به اصل می‌باشد در صورت امکان وفای به بدل جایز نیست مگر هنگامی که رد اصل غیر ممکن یا متعذر باشد و این موضوع از قواعد عمومی فقهی می‌باشد هنگامی که اصل باطل شود تکلیف متوجه بدل می‌باشد در اصطلاح فقه رد اصل را « ادا » و تسلیم بدل را « قضا » گویند اگر اصل از مثلیات باشد ضامن مکلف به تسلیم مثل است و اگر قیمی باشد مکلف به

^۱ -رحمدل، منصور؛ مال و عواید حاصل از جرم و معکوس شدن بار اثبات، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۵، ص ۱۶۶

رد قیمت است در صورت اول به اصطلاح « قضا کامل » و در صورت دوم « قضا قاصر
« است در هر دو صورت قاعده رد اصل است.^۱

ج) تکلیف مقام قضایی در رد اموال

مقنن در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی بعنوان یک قاعده و اصل کلی به استرداد مال
نگریسته و آن را تکلیف قاضی قرار داده است. ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد:
« بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیاء
و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب
استعمال یا برای استعمال اختصاص داده شده را تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود در
مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد و همچنین بازپرس یا دادستان
مکلف است مادامی که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستور
رد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید .

۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد

۲- اشیاء و اموال بلامعارض باشد

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه
مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب رمتهم باشد، نسبت به اموال و اشیایی که
وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال

^۱ - محمضانی، صبحی؛ قوانین فقه اسلامی؛ ترجمه جمال‌الدین جمالی، جلد اول، تهران ۱۳۵۸، ص ۲۴۲ (به نقل از محمد حسن
قادری، پایان نامه کارشناسی ارشد)

اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود .

تبصره ۱ - متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزایی تعقیب و درخواست تجدید نظر نمایند ؛ هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد

تبصره ۲ - مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد .

د) رد عین مال

اجرای قاعده استردادموکول به آن است که عین اموال حاصل از جرم موجود باشند وگرنه هرگاه مجرم اموال حاصل از جرم را به اموال دیگری تبدیل نموده باشد نمی توان قاعده استرداد را جاری نمود و اموال جدید را به جای اموال حاصل از جرم مسترد کرد در این مورد مدعی خصوصی ناگزیر از مطالبه ضرر و زیان است^۱.

^۱ - محسنی، مرتضی ؛ دوره حقوق جزای عمومی ، جلد دوم ، چاپ اول ، انتشارات گنج دانش ، تهران سال ۱۳۷۵ ، ص ۸۹

ه) رد مثل یا قیمت

قانون مدنی در موارد عدیده مخصوصاً در مباحث غصب و تسبیب و اتلاف کلمه مثلی و قیمی را استعمال کرده است به این جهت در ماده ۹۵۰ آن دو اصطلاح را تعریف نموده و می گوید: «مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشیاء و نظایر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نظیر آن، قیمی مقابل آن است مع الذالک تشخیص این معنی با عرف می باشد»

در این خصوص عقیده دارند که صدر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی این حق را در ضمن امر به مجرم داده است (مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده اگر موجود باشد عیناً به صاحبش رد نماید) لیکن اگر مالی عیناً موجود نباشد شاکی با توجه به ماده ۹ قانون آئین دادرسی کیفری وضعیت مدعی خصوصی را داشته و استرداد مال باید طبق تشریفات مخصوصه آن هم از طرف دادگاه با رسیدگی به دادخواست دادخواه به عمل آید.^۱

حقوقدان دیگری در این رابطه عقیده دارد که اگر در اموال و اشیاء حاصل از جرم تغییر و تبدیلی صورت گرفته باشد استرداد آن ممکن نخواهد بود مثلاً هرگاه متهم وجوه حاصل از سرقت را صرف خرید اجناس کرده باشد نمی توان حکم به استرداد اشیاء خریداری شده به صاحب وجوه مسروقه داد همچنین در صورتی که عین اموال مسروقه موجود باشد ممکن است به دستور مراجع کیفری به صاحب مال مسترد گردد ولی وجوه بدست آمده از سارق را به فرض اینکه حاصل فروش اموال مسروقه باشد نمی توان قبل از صدور حکم دادگاه به صاحب مال مسترد کرد چنانچه در یک نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری به شماره ۹۶۵۴ / ۷ مورخ

^۱ - شاهکار، محمد؛ استرداد اشیاء و اموال توقیف شده، مجله حقوقی، شماره ۳۷، ص ۱۳۱ (به نقل از محمد حسن قادری، پایان نامه کارشناسی ارشد)

۱۳۶۶/۸/۲۱ آمده است « در بزه سرقت هرگاه عین مال مسروقه موجود باشد با احراز سایر شرایط مقرر در ماده ۵ قانون راجع به مجازات اسلامی ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی دستور رد آن را به صاحبش می دهد ولی در صورتی که عین مال مسروقه از بین رفته باشد مورد از مصادیق استرداد خارج خواهد بود و مراجع کیفری بدون دریافت دادخواست ضرر و زیان حق رسیدگی به موضوع و صدور حکم به رد مثل یا قیمت مال مسروقه را ندارند^۱.

مبحث دوم : استرداد و استعاده مال حاصل از جرم و تشریفات مطالبه مال و ضرر و زیان

بر طبق مواد قانونی اموالی که در ارتباط با جرم کشف می شوند توسط مقامات قضایی اعم از دادسرا و دادگاه باید تعیین تکلیف شوند که یکی از تکالیف رد مال به صاحبان قانونی آن می باشد .

تشریفات مطالبه مال حاصل از جرم یکی از مهم ترین موضوعاتی بوده که رویه قضایی با آن مواجه بوده و علمای حقوق نیز به بحث و بررسی پیرامون آن پرداخته اند مهم ترین پرسشی که در این راستا مطرح است که آیا برای مطالبه اموال حاصل از جرم تقدیم دادخواست ضرورت دارد یا صرف درخواست ذیحق کافی است پیش از ورود به این بحث لازم به ذکر است ماده ۴۸ آئین دادرسی مدنی شروع به رسیدگی در دادگاه را مستلزم تقدیم دادخواست می داند از طرف دیگر ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مجرم را مکلف به استرداد عین یا مثل یا قیمت مال تحصیلی در اثر ارتکاب جرم می داند مشابه این تکلیف در مورد جرایم سرقت ،

^۱ - آخوندی ، محمود ؛ آئین دادرسی کیفری ، جلد اول ، چاپ پنجم ، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، تهران ۱۳۷۲ ،

کلاهبرداری و تحصیل مال از طریق نامشروع به رد اصل مال و در جرم اختلاس به رد وجه یا مال مورد اختلاس پیش بینی شده است.^۱

حقوقدانان و مراجع قضایی پیرامون این موضوع دیدگاههای متفاوتی ارائه کرده‌اند که ذیلاً به اختصار بیان می‌گردد.

دیدگاه اول: مطابق این دیدگاه اجرای قاعده‌ی استرداد موقوف به آن است که عین اموال حاصل از جرم موجود باشد وگرنه هرگاه مجرم اموال حاصل از جرم را به اموال دیگری تبدیل نموده باشد نمی‌توان قاعده‌ی استرداد را جاری نمود و اموال جدید را به جای اموال حاصل از جرم مسترد نمود. در این مورد مدعی خصوصی ناگزیر از مطالبه ضرر و زیان است.^۲ بر این اساس مطالبه عین اموال حاصل از جرم نیاز به تقدیم دادخواست ندارد اما مطالبه مثل یا قیمت اموال مذکور مستلزم تقدیم دادخواست است، چرا که در این مورد قواعد عمومی مطالبه ضرر و زیان حاکم است.^۳

دیدگاه دوم: مطابق این دیدگاه تقدیم دادخواست در تمام موارد مطالبه عین و مثل و قیمت را ضروری می‌داند. این دیدگاه مبتنی بر تفکیک دقیق موضوع دعوی عمومی و دعوی خصوصی است. بر اساس این دیدگاه وظیفه دادگاه کیفری صرفاً رسیدگی به جنبه عمومی موضوع است و استرداد اموال در زمره امور مدنی است. در مواردی که قانون به دادگاه کیفری اجازه رسیدگی به موضوع مدنی را داده باشد، رعایت قواعد و تشریفات مربوط به امور مدنی در دادگاههای حقوقی، که تقدیم دادخواست نیز یکی از آنهاست ضرورت دارد.^۴

^۱ - ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱ و ۲ و ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷

^۲ - محسنی، مرتضی، منبع پیشین، ص ۸۹

^۳ - زراعت، عباس؛ منبع پیشین، ص ۱۲۰

^۴ - همان

دیدگاه سوم : نقطه مقابل دیدگاه دوم است و براساس آن مطالبه عین ، مثل و یا قیمت اموال حاصل از جرم نیاز به تقدیم دادخواست ندارد. در توجیه این دیدگاه گفته‌اند که اولاً بر اساس مقررات مختلف و از جمله مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ استرداد عین یا مثل یا قیمت اموالی که از طریق جرم تحصیل شده وظیفه مجرم است و مراجع کیفری نیز مکلف به استرداد اموال ضبط شده (حتا وجه ناشی از فروش اموال در صورت رضایت مالک) می‌باشند و ثانیاً ماده‌ی ۹ قانون مذکور موضوع خساراتی که به اموال مرتبط با جرم وارد می‌شود را از موضوع استرداد عین یا مثل یا قیمت تفکیک کرده است و بدیهی است که عنوان خسارت که مترادف با ضرر و زیان ناشی از جرم است با استرداد عین یا مثل یا قیمت متفاوت است.^۱

دیدگاه چهارم: براساس این دیدگاه معافیت از تقدیم دادخواست یک استثناء است و برای مطالبه‌ی عین یا مثل یا قیمت مال اصل آن است که نیاز به تقدیم دادخواست است مگر در جرایمی که استرداد عین یا مثل یا قیمت صراحتاً پیش بینی شده است مثل سرقت، کلاهبرداری یا اختلاس ، رویه‌ی قضایی موید این دیدگاه می‌باشد.^۲

از بررسی دیدگاه‌های فوق این نتیجه حاصل می‌شود که در مورد مطالبه‌ی خسارت و مطالبه‌ی عین اختلاف نظر چندانی وجود ندارد. مطالبه‌ی خسارت بی‌تردید مستلزم تقدیم دادخواست است اما مطالبه‌ی عین مال نیاز به تقدیم دادخواست ندارد. عدم ضرورت تقدیم دادخواست در مورد مطالبه‌ی عین مستند به اصول کلی حقوقی ناظر بر حق مالکیت و نیز تصریح ماده‌ی ۹ قانون مجازات اسلامی است. بنابراین آنچه مورد اختلاف است ضرورت یا عدم ضرورت تقدیم دادخواست برای مطالبه‌ی مثل یا قیمت است که در این مورد گفته شده است:

^۱ - محمدی، حمید، منبع پیشین، ص ۲۸۲.

^۲ - همان، ص ۱۲۱

البته گفته شده: برخلاف نظریه ی اداره ی حقوقی و نظر بعضی اساتید محترم حق این است که نه تنها عین مال حاصل از جرم در صورت بقای آن در دست مجرم بایستی به مالک آن مسترد گردد بلکه تکلیف در مورد مثل یا قیمت مال حاصل از جرم نیز وجود دارد همچنین صدور دستور رد و استرداد مال ضبط شده برای مرجع کیفری نیز بعنوان یک تکلیف بیان شده است . و با وجود عین مال حاصل از جرم نیازی به تقاضای رد از سوی مالک نمی باشد و مرجع کیفری مکلف است رأساً این دستور را صادر کند اما در مورد مالی هم که از بین رفته یا فروخته شده و یا به پول تبدیل شده یا بدل آن موجود است و یا مالک تقاضای مثل یا قیمت آن را دارد ، نیز مرجع کیفری مکلف است دستور استرداد مثل و یا قیمت و یا بدل آن را حسب مورد به مالک صادر کند و این امر هیچ نیازی به دادخواست و رعایت تشریفات طویل ندارد و معلوم نیست کسانی که استرداد در این مورد را موکول به تقدیم دادخواست ضرر و زیان می نمایند چه توجیه قانونی دارند زیرا با تعمق در مفهوم « اشیاء و اموال تحصیل شده از جرم » مندرجه در ماده ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی ، با تدقیق در عبارت « اشیایی که بوسیله ارتکاب جرم تحصیل شده » به نظر می رسد در هر حال بنا به اصل ، مالک مستحق ولو بها و بدل و مثل مال خودش می باشد که در اثر وقوع جرم از دست داده است حال اگر مال از سوی مجرم فروخته شود بدیهی است وقتی مالک مستحق اصل و عین مال است اینک که بهای آن در میان است و کشف گردیده به طریق اولی مال باخته اگر راضی باشد بعنوان همه یا قسمتی از قیمت مالش مستحق دریافت آن است و در صورت تقاضای او رأساً و الا از سوی دادرس ، حق این است که حسب مقررات قانون آئین دادرسی مبلغ بهای مال حاصل از جرم فروخته شده از سوی مجرم بعنوان آنچه که مانده و موجود است و کشف شده به صاحب مال اصلی مسترد گردد.^۱

^۱ - محمدی ، حمید ؛ منبع پیشین ، صص ۲۸۲ و ۲۸۳.

این مطلب با وجدان حقوقی و اصول کلی و موازین شرعی از هر نظر موافق است و البته مقررات شرع و نظریات فقها در باب استعاده هم به همین معنی دلالت دارد پس می توان گفت اولاً با وجود نصوص قانونی از قبیل ماده ۹ ق.م.ا که صراحتاً مقرر داشته: مجرم باید مالی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارت وارده نیز برآید. در حالی که مقنن صراحتاً رد مال حاصل از جرم یا عیناً یا مثلاً یا قیماً را غیر از خسارت حاصل از جرم دانسته و در مورد رد مال تکلیف را با لفظ باید همراه نموده و از باید و بایستن جز الزام به رد عین و مثل و قیمت مال حاصل از جرم از سوی مجرم به مالک بدون هیچ تشریفات و ترتیبیاتی از قبیل دادخواست ضرر و زیان و غیر آن استنباط نمی شود و از طرفی مقنن موضوع خسارت را از رد عین و مثل قیمت مال حاصل از جرم صراحتاً تفکیک کرده بنابراین آنچه در این خصوص منطقاً به ذهن متبادر می شود فرض نیاز به تقدیم دادخواست و رعایت تشریفات صرفاً در رابطه با خسارت وارده به مالک می باشد و لا غیر. ضمن اینکه ماده ۱۰ ق.م.ا و تبصره ماده ۱۹۹ آن و ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری و مواد قانون تعزیرات اسلامی در رابطه با رد عین و مثل و قیمت مال حاصل از جرم و مواد قانون تشدید مجازات کلاهبرداری و اختلاس و ارتشاء مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام در مورد عین و مثل و قیمت مال بر این نظر دلالت دارند. ثانیاً به موجب اصول شرعی در باب ضمان نظرات فقها، و اینکه قوانین جزایی متخذ از فقه اسلامی است و اصل استعاده در فقه اسلامی یک اصل پذیرفته شده می باشد و در شرع اسلام مطالبه حق و مال که به ستم از دست مالک خارج شده نیاز به هیچ گونه تشریفات ندارد. بلکه این تکلیف قاضی است که در وهله ی اول و قبل از هر چیز حتی مجازات قانونی مجرم بدو مال و حق از دست رفته را به مالک اصلی برگرداند خواه عین یا مثل یا قیمت آن

باشد و موکول کردن رد مثل یا بهای مال حاصل از جرم به تقدیم دادخواست ضرر و زیان جز در درس برای ستم دیده نتیجه دیگری ندارد .

با توجه به مطالب معنونه دیدگاه سوم منطبق با واقعیت است و استرداد عین یا مثل یا قیمت اموال نیاز به تقدیم دادخواست ندارد و صرفاً در مورد مطالبه‌ی خسارت (ضرر و زیان) تقدیم دادخواست ضرورت دارد.

گفتار اول : بررسی مراجع صالح برای اجرای قرار یا حکم رد اموال

در این گفتار به بررسی مراجع صالح برای اجرای قرار یا حکم رد اموال پرداخته می شود و همچنین رد اموال در مرحله ی دادرسی و در دادگاهها نیز مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

الف) مرجع اجرای قرار یا حکم رد اموال

استرداد اموال یا رد اموال حاصل جرم از دیدگاه منطقی و قضایی متعاقب صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب از سوی بازپرس یا دادستان یا صدور حکم استرداد از سوی دادگاه به مورد اجرا گذاشته می شود در رابطه با استرداد اموال سه مرجع مشخص به موجب قانون آئین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی و بعضی قوانین جزایی تعیین می گردد.^۱

۱- مامورین اجرایی و اداری

۲- ضابطین دادگستری

۳- دادگاه و اجرای احکام

^۱ - همان ، ص ۳۰۳.

۱- رد اموال از سوی مأمورین اجرایی: گاهی در خصوص رد مال مأمورین اجرایی رأسا اتخاذ تصمیم می نمایند بدون اینکه موضوع در مراجع قضایی مطرح و در خصوص آن قرار یا حکم صادر شده باشد مانند موضوع تبصره ۲ ماده واحده لایحه قانونی مربوط به ضبط اسکناس هایی که بطور غیر قانونی وارد کشور می شوند مصوب ۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۹ که مقرر داشته: در صورت اعلام مبلغ توسط مسافر در لحظه ورود به کشور کمیسیونی متشکل از سه نفر به تعیین رئیس بانک مرکزی ایرلن نسبت به استرداد مبلغ فوق تا حداکثر یکصد هزار ریال اخذ تصمیم خواهد نمود.

ملاحظه می شود که در این مورد بدون آن که پرونده ای در مراجع قضایی مطرح شود مأمورین اجرایی و اداری با تشکیل کمیسیون نسبت به استرداد مبلغ اقدام می کنند.

۲- رد اموال از سوی ضابطین دادگستری: بنا به نص صریح ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری بازپرس و دادیار در مرحله کشف جرم و تعقیب مجرم مادامی که پرونده نزد آنها در جریان است صلاحیت اتخاذ تصمیم راجع به اموال کشف شده و توقیف شده را دارا هستند و لذا با رعایت شرایط قانونی ملحوظ در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی می توانند دستور مسترد شدن مال توقیف شده را به صاحب آن صادر نمایند.

ب)- رد اموال در دادگاههای عمومی

رد اموال و استرداد اموال و اشیاء موضوع حکم دادگاه حسب ماده ۲۸۱ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب که مقرر می دارد: «اجرای حکم در هر حال با دادگاه بدوی صادر کننده حکم یا قائم مقام آن به شرح مواد آتی می باشد» باتوجه به منطوق ماده مذکور بنظر می رسد موضوعاً رد اموال توقیف شده به هر عنوان به صاحبان اموال با حاکم می باشد مثل اینکه

دادگاه در مورد رفع بازداشت از ملک یا وجه نقد که بعنوان وثیقه توقیف گردیده و استرداد آن به صاحب مال اقدام نماید. طبق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب جز در بعضی موارد اجرای احکام دادگاهها توسط مأمورین اجرایی (ضابطین دادگستری) که در معیت دادگاههای عمومی انجام وظیفه می نمایند صورت می‌گیرد و بنظر می رسد اجرای حکم رد اموال به صاحبان آنها نیز از وظایف مأمورین یاد شده و بر عهده آنهاست . با این همه در برخی از قوانین جزایی مقنن صراحتاً دادگاه را مأمور استرداد اموال قرار داده است.

قانونگذار در ماده ی ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی در صورت امتناع محکوم علیه از رد عین و یا مثل یا قیمت مال... اجازه ی بازداشت محکوم علیه را تجویز نموده است و اداره ی حقوقی طی نظریه ی شماره ی ۷/۲۹۷۰ مورخ ۱۳۷۳/۶/۶ چنین اظهار نظر کرده است :

۱- اصولاً در مواردی که دادگاه کیفری ضمن تعیین مجازات قانوناً ملزم به صدور حکم به رد عین یا مثل یا قیمت مال موضوع بزه می باشد صدور حکم به رد عین مال یا مثل یا قیمت آن بر اساس ماده مذکور حتی نیاز به درخواست ذینفع هم ندارد دادگاه رأساً اقدام خواهد نمود.

۲- در مواردی که دادگاه کیفری قانوناً ملزم به صدور حکم به رد عین مال یا مثل یا قیمت آن نیست صدور حکم بر اساس ماده مذکور موکول به درخواست ذینفع بوده و دادگاه نمی تواند بدون تقاضای وی در این خصوص مبادرت به صدور حکم نماید ، النهایه اگر عین موجود نباشد ذینفع باید با تسلیم دادخواست مثل یا قیمت آن را مطالبه نماید .

۳- اجرای ماده مذکور ابتدا مربوط به دادگاه است نه دادسرا و قبل از صدور حکم و قطعیت آن دادسرا تکلیفی ندارد و دخالت دادسرا وقتی آغاز می شود که محکوم علیه از اجرای حکم قطعی دایر به رد عین مال یا مثل یا قیمت آن از طرف دادگاه امتناع ورزد که در این صورت دادسرا بنابه درخواست ذینفع و با دستور دادگاه با فروش اموال مشارالیه حکم را به مرحله اجرا

در آورد و تا استیفای حق محکوم له و باز هم به تقاضای وی و تصمیم دادگاه محکوم علیه را در حبس نگه می‌دارد .

هچنین طبق نظریه شماره ۷/۴۸۳۲ مورخ ۱۳۷۳/۷/۱۱ اداره حقوقی قوه قضائیه اجرای ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی نسبت به عاقله و جاهت قانونی ندارد . لازم به یادآوری است که اجرای احکام صادره از دادگاه کیفری استان بر عهده دادرسی عمومی و انقلاب مرکز استان می باشد و اجرای احکام مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم توسط واحد اجرای احکام کیفری همان حوزه انجام می‌گیرد .^۱

^۱ - ماده ۳۶ (اصلاحی ۱۳۸۷/۶/۱۹) آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

گفتار دوم: اعتراض به تصمیم بازپرس و دادستان و دادگاهها راجع به رد اشیاء و اموال

حاصل از جرم

یکی از مهمترین حقوق اشخاص در فرایند ضبط و مصادره و استرداد اموال حق اعتراض به تصمیمات قضایی است که موجب ضرر آنان شده است. اعتراض به تصمیمات قضایی در مورد دستور توقیف ضبط و مصادره و استرداد اموال قابل طرح است.

در حقوق ایران دستور یا قرار توقیف اموال در شمار تصمیماتی نیست که متهم یا اشخاص ثالث به آن حق اعتراض داشته باشند اما رویه قضایی تا حدودی این نقیصه را رفع کرده است و اشخاص ثالث مدعی مالکیت خود یا ذینفع نبودن متهم در آن مال می شوند مقامات مذکور معمولاً ادعای آنان را مورد بررسی قرار داده و در صورت موجه بودن آن دستور استرداد مال به ذینفع را صادر می کنند.^۱

با وجود اینکه در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و همچنین ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی موضوع جبران خسارت ناشی از تصمیمات قضایی به صراحت پیش بینی شده است اما متأسفانه این موضوع چندان مورد توجه محافل علمی و قضایی قرار نگرفته و در رویه قضایی سوابقی از جبران این قبیل خسارتها وجود ندارد و یا در دسترس نیست تنها هدیه ای که دستگاه قضایی به متهم بی گناهی که مدت زیادی در بازداشت بوده همانا حکم برائت و در مورد شخصی که اموال وی مدتها به ناحق توقیف شده بوده همانا دستور استرداد عین مال خواهد بود.^۲

^۱ - گفته شده که مطابق ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ ماده مذکور متضرر از قرار بازپرس یا دادستان صرفاً در مورد استرداد و معدوم کردن اموال حق شکایت و تجدید نظر خواهی دارد (به نقل از حمید محمدی، حقوق مصادره، ص ۲۸۵)

^۲ - دلیر، حمید؛ منبع پیشین، ص ۲۹۵

الف) - مرجع اعتراض قرار دادسرا راجع به رد مال

به موجب تبصره ی ۱ ماده ی ۱۰ قانون مجازات اسلامی متضرر از قرار بازپرس یا دادستان راجع به مسترد شدن اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را در دادگاه جزایی تعقیب و درخواست تجدید نظر نماید. به طوری که ملاحظه میشود مقنن در هر حال تصمیم بازپرس یا دادستان را در رابطه با مسترد نمودن اشیاء و اموال به هر عنوان قابل تجدید نظر خواهی دانسته است این موضوع دلالت بر این امر دارد که از نظر مقنن هر گونه تصمیم که در رابطه با اشیاء و اموال از سوی بازپرس یا دادستان گرفته می شود تصمیم قضایی می باشد و یا با توجه به اینکه تصمیمات دادسرا جز در موارد کیفر خواست به صورت قرار تنظیم و تحریر می شود، فلذا منظور مقنن از دستور رد اموال و اشیاء همان قرار صادره راجع به اموال و اشیاء می باشد که قابل اعتراض در دادگاه عمومی جزایی از سوی متضرر از قرار بازپرس یا دادستان راجع به رد اموال و اشیاء می باشد. لازم به ذکر است در مورد ضبط اموال و اشیاء فقط دادگاه تعیین تکلیف خواهد نمود.

همچنین با توجه به بند ۳ ماده ۳ «اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸» قانون تشکیل دادگاههای عمومی

و انقلاب که مقرر می دارد :

قرارهای بازپرس که دادستان با آن موافق باشد در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل می آید قطعی خواهد بود .

۱- اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی

۲- اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت، بازداشت موقت، تشدید تأمین و تأمین خواسته به

تقاضای متهم

۳- اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان ...

با توجه به مطالب معنونه نتیجه می گیریم که مرجع اعتراض به قرارهای بازپرس یا دادستان دادگاه صالحه می باشد که حسب مورد دادگاه عمومی جزایی یا دادگاه انقلاب و یا دادگاه کیفری استان می باشد که متضرر از جرم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ می تواند اعتراض نماید که این اعتراض تابع تشریفات نبوده و صرف اعلام اعتراض و تقدیم آن به دادستان یا بازپرس کافی است.

ب) مرجع اعتراض و تجدید نظر از قرار یا حکم دادگاه راجع به رد مال

تجدید نظر روشی است که در پرتو آن امکان بازبینی آرای قضایی فراهم آمده و اعمال ضابطه مند آن اجرای عدالت و احراز واقع را بیش از پیش ممکن می سازد و با لحاظ خطاپذیری انسان اعتراض و تجدیدنظر امری کاملاً ضروری است.

با توجه به تبصره یک ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی که مقرر می دارد: متضرر از قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم دادگاه جزایی راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزایی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید. هرچند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد و بموجب ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب به منظور تجدید نظر در آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدید نظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل می شود و به موجب ماده ۲۱ آن قانون مرجع تجدید نظر آراء قابل تجدید نظر

دادگاههای عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب دادگاه تجدید نظر استانی است که آن دادگاه در حوزه قضایی آن استان قرار دارد.

حکم یا قراری که از دادگاه عمومی جزایی صادر می شود طبق قانون قابل تجدید نظر در محاکم تجدید نظر استان می باشد اما در رابطه با تشریفات تجدید نظر خواهی:

اولاً- طبق ماده ۲۳۶ قانون آئین دادرسی کیفری ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ حکم می تواند راجع به تصمیم دادگاه تجدید نظر خواهی نماید این مهلت برای افراد خارج از کشور دو ماه می باشد .

ثانیاً- تجدید نظر خواه بایستی طبق ماده ۲۴۴ قانون مذکور درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادر کننده رای یا بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید.

ثالثاً- بایستی درخواست یا دادخواست تجدیدنظر مطابق قانون ملصق به تمیر هزینه دادرسی باشد .

گفتار سوم: شرایط صدور دستور استرداد اموال از سوی مقام قضایی

از بررسی برخی از مقررات قانونی از جمله ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری و با توجه به اصول کلی حقوقی و ضوابط مربوط به حقوق مصادره شرایط خاصی برای استرداد اموال مقرر شده است. در این قسمت به اختصار به بررسی شرایط مذکور می پردازیم .

۱- وجود عین مال

یکی از مهم ترین شرایط مربوط به استرداد این است که عین مال موجود باشد چراکه در موجود نبودن عین مال امکان استرداد آن وجود نخواهد داشت . برخی از حقوقدانان در این خصوص معتقدند که اگر در اموال و اشیاء حاصل از جرم تغییر و تبدیلی صورت گرفته باشد استرداد آنها ممکن نخواهد بود زیرا عین مالی که باید مسترد گردد وجود خارجی ندارد بنابراین چنانچه متهم وجوه حاصل از سرقت را صرف خرید اجناسی کرده باشد نمی توان حکم به استرداد اجناس خریداری شده صادر نمود همچنین اگر بزه کار اموال حاصل از جرم را به فروش رسانده باشد وجوه حاصل از این فروش هم نمی تواند موضوع استرداد قرار گیرد.^۱

^۱- آخوندی ، محمود ؛ منبع پیشین ، صص ۲۷۲ و ۲۷۳ و همچنین ر. ک . محسنی ، مرتضی ، دوره حقوق جزای عمومی ، جلد

۲- امکان تسلیم عین

برخی از حقوقدانان خاطر نشان کرده اند که در صورتی که اشیاء و امول حاصل از جرم در اختیار بزه کار یا مرجع رسیدگی کننده قرار نداشته باشد حکم به استرداد عین مورد نخواهد داشت.^۱

حقوقدان دیگری معتقد است که هرچند در مواردی که وضعیت عین مال مشخص است نباید بطور کلی حکم به « استرداد عین یا مثل یا قیمت » صادر شود و دادگاه باید حسب مورد با توجه به وجود یا عدم وجود عین مال و مثلی یا قیمی بودن آن، یکی از موارد مذکور را مورد حکم قرار دهد.^۲

۳- بلامعارض بودن مال

باتوجه به حکم صریح مقرر در ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط استرداد مال را بلامعارض بودن آن ذکر کرده اند .

البته گفته شده است شرط بلامعارض بودن مال صرفاً ناظر بر مواردی است که پرونده در دادسرا مطرح می باشد و هنوز منتهی به اظهار نظر نهایی نشده است و در این موارد چنانچه ذینفع درخواست استرداد مال را مطرح کند بازپرس یا دادستان در صورتی می توانند مال را به او مسترد کنند که معارضی وجود نداشته باشد.^۳

^۱- همان ، ص ۲۷۳

^۲- دلیر ، حمید ؛ منبع پیشین ، ص ۱۷۷

^۳- دلیر ، حمید ؛ منبع پیشین ، ص ۱۷۸

۴- در خواست ذینفع

در خواست ذینفع نیز بعنوان یکی از شرایط استرداد ذکر شده است. باتوجه به مطالبی که در بند قبلی مطرح شد، این شرط نیز مربوط به مواردی است که پرونده در دادسرا مطرح رسیدگی است و هنوز منتهی به اظهار نظر نهایی نشده است که در این موارد ذینفع می‌تواند از بازپرس یا دادستان درخواست استرداد مال نماید در صورت صدور قرار نهایی در دادسرا یا قرار یا حکم در دادگاه مراجع مذکور بدون درخواست ذینفع نیز مکلف به تعیین تکلیف اموال موجود هستند^۱.

۵- عدم لزوم بقای مال در بازپرسی یا دادرسی

صراحت ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری بازپرس یا دادستان در صورتی می‌توانند دستور استرداد اموال را صادر کنند که وجود تمام یا قسمتی از اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد این موضوع بیشتر در مواردی صادق است که اموال بعنوان دلیل در پرونده مطرح شده باشد.

۶- عدم لزوم مصادره یا معدوم کردن مال

توجهاً به ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری در صورتی می‌توان اموال توقیف شده یا کشف شده را به اشخاص مسترد کرد که اموال مذکور در شمار اموالی که باید مصادره یا معدوم شوند نباشد.

^۱-همان

۷- فقدان ممنوعیت قانونی

در صورتی می توان مال را به کسی مسترد کرد که تصرف مال مذکور برای آن شخص قانوناً ممنوع نباشد.

البته برخی از حقوقدانان بیست شرط برای استرداد ذکر کرده اند.^۱ اما شرایط مذکور به نظر می رسد یا اساساً از شرایط استرداد محسوب نشوند یا به نوعی قابل جمع در شرایط فوق الذکر باشند.

فصل دوم: رد مال حاصل از جرم در حقوق داخلی و اسناد بین المللی

همانطور که پیش تر هم ذکر گردید بحث رد مال حاصل از جرم از اهمیت زیادی در نزد مراجع قضایی و جامعه حقوق کیفری برخوردار می باشد به این جهت علاوه بر قوانین داخلی کشورها در برخی از کنوانسیون های بین المللی نیز پیش بینی شده است در این فصل به بررسی موضوع رد مال حاصل از جرم در حقوق داخلی و کنوانسیون های بین المللی می پردازیم .

مبحث اول: رد مال حاصل از جرم در حقوق داخلی و چگونگی استیفای اموال

ضرورت احترام به مالکیت مشروع اشخاص و نیز تکلیف به استرداد اموال مالکان قانونی آنها که از آثار و نتایج حق مالکیت است در قانون اساسی و قوانین عادی پیش بینی شده است که به اختصار به بررسی این موضوع می پردازیم .

^۱ - محمدی ، حمید ، منبع پیشین : صص ۳۰۲ و ۳۰۳

گفتار اول: قانون اساسی

موضوع حمایت از مالکیت مشروع در اصول مختلف قانون اساسی مطرح شده است. اصل بیست و دوم قانون اساسی مقرر می‌دارد:

« حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند »

در اصل چهل و ششم آمده است:

« هر کس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ کس نمی‌تواند بعنوان مالکیت، نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگران سلب نماید »

در اصول چهل و پنجم و چهل و نهم نیز « رد مال و حق » به صاحب آن و در صورت معلوم نبودن صاحب مال به بیت المال پیش بینی شده است و خصوصاً در اصل چهل و نهم، استرداد ثروت‌های نامشروع ناشی از برخی از جرایم از تکالیف دولت محسوب شده است.

گفتار دوم: قوانین عادی

الف - قانون مجازات اسلامی

می‌توان گفت حکم کلی راجع به رد مال حاصل از جرم در حقوق کیفری ما در مواد ۹ و ۱۰ قانون مجازات اسلامی پیش بینی شده است.

ماده ۹ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

« مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد مثل یا قیمت آنرا به صاحبش رد کند و از عهده ی خسارت وارده نیز برآید ».

در ماده‌ی مذکور قانونگذار تکلیف مال تحصیل شده از جرم که نزد مجرم است را روشن نموده است.

حرف عطف «یا» بین دو کلمه‌ی مثل و قیمت دلالت بر تخییر مجرم بر انتخاب یکی از دو امر ندارد بلکه دلالت بر این دارد که مجرم باید در صورت مثلی بودن مثل و در صورت قیمی بودن قیمت مال را بدهد و اگر مال مثلی باشد و مثل آن پیدا نشود قیمت آن اخذ می‌شود و این قیمت قیمت حین‌الاداء است.^۱

و همچنین در ماده‌ی ۱۰ قانون مذکور مقرر می‌دارد:

«بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیاء و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله‌ی جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیاء را تعیین خواهد کرد. همچنین بازپرس یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیاء مذکور در فوق را صادر نماید.

۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد

۲- اشیاء و اموال بلامعارض باشد

۳- در شمار اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد.

در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا برائت یا موقوف شدن تعقیب رمتهم باشد، نسبت به اموال و اشیایی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال

^۱ - نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۷۳۶ - ۱۳۷۱/۲/۵ و ماده‌ی ۳۱۲ قانون مدنی.

اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود .

تبصره ۱ - متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می تواند از تصمیم آنان راجع به اشیاء و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزایی تعقیب و درخواست تجدید نظر نمایند ؛ هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد .

تبصره ۲ - مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد .

همچنین ماده ۶۶۷ قانون مذکور در مورد جرم سرقت و ماده ی ۵۹۵ در مورد جرم ربا خواری و نیز ماده ۵۸۱ همان قانون در مورد جرم اخاذی صراحتاً علاوه بر تعیین مجازات موضوع استرداد عین یا مثل یا قیمت وحتى جبران خسارات وارد ه نیزمورد حکم قرار گرفته است .

(ب) - سایر قوانین

موضوع استرداد اموال حاصل از جرم در قوانین عادی هم پیش بینی شده است حکم کلی راجع به این موضوع در ماده ۱۱۱ آئین دادرسی کیفری^۱ مصوب ۱۳۷۸ پیش بینی شده است .

^۱ - ماده ۱۱۱ : « اموال مسروقه یا اشیایی که بواسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده باید به دستور قاضی به کسی که مال از او سرقت رفته یا اخذ شده مسترد شود مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آنها در

مطابق ماده مذکور مراجع قضایی اعم از قضات دادرسی و دادگاه مکلف هستند تکلیف اموال مرتبط با جرم را تعیین کنند که مسترد یا ضبط و یا معدوم شود .

علاوه بر ماده فوق که جنبه کلی و عام دارد موضوع احترام به مالکیت اشخاص و ضرورت استرداد اموال در قوانین متفرقه نیز پیش بینی شده است . ماده ۲ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۳ مقرر می دارد : « دارایی اشخاص حقیقی و حقوقی محکوم به مشروعیت و از تعرض مصون است مگر در مواردی که خلاف آن ثابت شود »

در ماده ۸ قانون مذکور نیز پیش بینی شده است که در صورت مشخص بودن صاحب واقعی مال دادگاه باید به صاحبش مسترد کند و مطابق تبصره ی ۱ ماده ۹ قانون مذکور در صورت تلف عین، کسی که مال نزد او تلف شده است باید مثل یا قیمت آنرا بپردازد.

ماده ی ۱۳۲ قانون جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ نیز در مورد استرداد عین یا مثل یا قیمت اموال متضمن حکم کلی است. مطابق ماده مذکور :

«در کلیه ی مواردی که در اثر ارتکاب جرم خسارتی وارد شود مرتکب علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون به جبران خسارت وارده و حسب مورد به رد عین یا مال یا پرداخت مثل یا قیمت و اجرت المثل نیز محکوم می گردد. رسیدگی در اینگونه موارد در دادگاههای نظامی نیازی به تقدیم دادخواست ندارد».

بالاخره اینکه در برخی از مقررات قانونی دیگر علاوه بر مجازات موضوع استرداد عین یا مثل یا قیمت و حتی خسارات وارد ه نیز پیش بینی شده است. در این زمینه به جرایم سرقت، کلاهبرداری، تحصیل مال از طریق نامشروع، اختلاس، ربا، اخاذی، اخذ پورسانت، و ... اشاره کرد.

موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود . اشیا یی که براب قانون باید ضبط و معدوم شوند از حکم این ماده مستثناء است »

گفتار سوم: رد مال در جرایمی که نیاز به تقدیم دادخواست ندارند:

طبق رویه ی قضایی ما معافیت از تقدیم دادخواست یک استثناء است و برای مطالبه ی عین یا مثل یا قیمت مال اصل آن است که نیاز به تقدیم دادخواست است مگر در جرایمی که استرداد عین یا مثل یا قیمت صراحتاً پیش بینی شده است که می‌توان به سرقت^۱، کلاهبرداری^۲، تحصیل مال از طریق نامشروع^۳، اختلاس^۴، ربا^۵، اخاذی^۶ و اخذ پورسانت^۷ اشاره کرد.

اینکه در این جرایم صراحتاً به رد عین یا مثل یا قیمت مال حاصله از جرم اشاره شده با توجه به اصول کلی حاکم بر حقوق ایران و نیز اصل کلی مذکور در ماده ی ۹ قانون مجازات اسلامی صرفاً از باب تأکید است و فاقد هرگونه مبنای حقوقی است، آیا بزه خیانت در امانت که استرداد عین یا مثل یا قیمت در مورد آن پیش‌بینی نشده از نظر مبنایی با جرایم سرقت و اختلاس و کلاهبرداری تفاوت دارد؟ در حالی که اختلاس از صور خیانت در امانت تلقی می‌شود پس چرا از حیث مطالبه ی مثل یا قیمت باید بین این دو جرم تفاوت وجود داشته باشد و آیا این منطقی است. بی‌تردید این تحقیق فاقد هرگونه مبنای منطقی است و قانونگذار نیز باید صرفاً در یک حکم کلی تکلیف موضوع را روشن نماید و در سایر مقررات کیفری صرفاً به تعیین مجازات اکتفا کند.^۸

^۱ - ماده ی ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

^۲ - ماده ی ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷

^۳ - ماده ی ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷

^۴ - ماده ی ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ ماده ی ۱۱۹ قانون مجازات جرایم

نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

^۵ - ماده ی ۵۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

^۶ - ماده ی ۵۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و ماده ی ۱۲۵ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

^۷ - ماده ی ۱۰۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

^۸ - دلیر، حمید، منبع پیشین، ص ۳۳۰.

گفتار چهارم: رد مال در جرایمی که نیاز به تقدیم دادخواست دارند

همانطور که قبلاً ذکر گردید طبق رویه‌ی قضایی ما معافیت از تقدیم دادخواست یک استثنا است اما در رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۸۲ مورخ ۲/۱۲/۷۱ دیوانعالی کشور لزوم تقدیم دادخواست برای مطالبه‌ی ضرر و زیان آمده است. خسارت مذکور در ماده‌ی ۹ قانون مجازات اسلامی و برخی از مقررات کیفری دیگر بی‌تردید همان ضرر و زیان ناشی از جرم است که تقدیم دادخواست برای مطالبه‌ی آن ضرورت دارد اما مطالبه‌ی عین یا مثل یا قیمت اموالی که در نتیجه‌ی ارتکاب جرم تحصیل شده قابل انطباق با عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم نیست بفرض اینکه پذیرفته شود مطالبه‌ی عین یا مثل یا قیمت نیاز به تقدیم دادخواست دارد این امر صرفاً در مواردی ممکن است که شخصی تحت عنوان شاکی خصوصی در امر رسیدگی کیفری حضور داشته باشد. در جرایمی که فاقد شاکی خصوصی هستند مانند ارتشاء یا جاسوسی یا جعل اگر متهم مالی را از طرق این جرایم تحصیل کرده باشد یا وجوه مأخوذه را مصرف کرده باشد آیا برای استرداد اموال و وجوه مذکور باید دادخواست تقدیم شود در صورت مثبت بودن پاسخ این امر وظیفه چه کسی است؟ آیا می‌توان گفت در این مورد دادستان باید مبادرت به تقدیم دادخواست کند؟ تردیدی نیست چنین وظیفه‌ای بر عهده‌ی دادستان محول نشده و در این موارد نه تنها تقدیم دادخواست لازم نیست بلکه می‌توان گفت اساساً درخواست مطالبه از طرف دادستان نیز ضرورت ندارد و دادگاه کیفری باید علاوه بر محکومیت کیفری متهم را به استرداد وجوه و اموال مأخوذه محکوم نماید.

گفتار پنجم: رد مال در جرایم خاص

الف) - سرقت

ماده ی ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد:

« در کلیه ی موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل ، دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت محکوم خواهد نمود».

اموال مسروقه یا اشیائی که به واسطه‌ی ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف می‌شود به کسی داده می‌شود که مال از او به سرقت رفته یا اخذ شده است. مگر اینکه وجود تمام یا قسمتی از آن‌ها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می‌شود. (ماده‌ی ۱۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری)

با توجه به صراحت ماده‌ی مذکور که مؤخر بر رای وحدت رویه شماره‌ی ۵۸۲ – ۱۳۷۱/۱۲/۲ می‌باشد دادگاه مکلف است علاوه بر تعیین مجازات متهم را به رد عین مال مسروقه و یا مثل آن در صورت فقدان عین محکوم نماید و در این مورد نیاز به تقدیم دادخواست نمی‌باشد. ولی جبران خسارت وارده سوای عین یا مثل و قیمت مستلزم تقدیم دادخواست است. (نظریت اکثریت کمیسیون بررسی امور حقوقی و قضایی مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۸ دیدگاه‌های قضایی ص ۱۱۵)^۱

ملاک در ارزشیابی قیمت مال مسروقه قیمت سوقیه یا بازار است (نظر مشورتی ۷/۲۲۳۷ – ۱۳۶۹/۴/۵) و در صورت عدم استرداد اموال مسروقه بازداشت محکوم تا زمان صدور

^۱ - شکر، رضا، و سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ دوم، نشر مهاجر، سال ۱۳۸۲ صص ۲۹-

حکم اعسار مستندا به قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بلااشکال است. مقصود از خسارت در ماده‌ی مذکور ضرر و زیان ناشی از جرم می‌باشد که یا مادی است یا منافع ممکن‌الحصول و در خصوص ضرر معنوی مقنن در آیین دادرسی کیفری سکوت نموده است اگر چه از این ماده عدم جبران آن برمی‌آید و لیکن از مواد ۸ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی و خصوصا اصل ۷۱ قانون اساسی لزوم جبران ضرر معنوی را می‌توان استنباط کرد.^۱

ب)- کلاهبرداری

ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مقرر می‌دارد:

«هر کس از راه حيله و تقلب مردم را بوجود شرکتها یا تجارتخانه ها یا کارخانه ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیرواقعی امیدوار نماید یا از حوادث و پیشامد های غیرواقعی بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسیایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال و یا اسناد و یا حوالجات و قبوض یا مفاصاحساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش ، به حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود .

در صورتیکه شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت مأموریت از طرف سازمان ها و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت یا شرکتهای دولتی یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای

^۱ - همان.

انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده و یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو ، تلویزیون ، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری ها یا نهادهای انقلابی یا به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از دو تا ده سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

تبصره ۱- در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه می تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف ، مجازات مرتکب را فقط تا حدقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمی تواند به تعلیل اجرای کیفر حکم دهد.

تبصره ۲- مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود .

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانکه در مرتبه ی مدیر کل یا بالاتر یا هم طراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند .

گفتار ششم : چگونگی استرداد در فرض تعدد مجرمین

از مهم ترین پرسش هایی که در خصوص ضمان استرداد اموال حاصل از جرم مطرح می گردد مربوط به موردی است که جرم با شرکت یا معاونت چند نفر ارتکاب یافته باشد و به طور کلی جرایم چند نفر باهم ارتباط دارد مانند اینکه چند نفر مشترکاً اموالی را از منزلی سرقت می کنند و اموال را بین خود تقسیم می کنند یا اینکه یکی از آنها اموال را فروخته و وجه حاصل از آن را بین خود تقسیم می کنند یا اینکه چند نفر مشترکاً اقدام به اخذ رشوه یا اختلاس یا قاچاق مواد مخدر می کنند و در مورد اموال به شرح فوق اقدام می کنند و در موارد فوق مثلاً قسمتی از اموال را به معاون جرم یا کسی که اموال مسروقه را نگهداری کرده است می دهند . در بسیاری از پرونده ها این مشکل وقتی شدید تر می شود که سهم هر یک از متهمین ، به دلیل اختلاف در اظهارات متهمین و یا اینکه اساساً منکر اتهام انتسابی هستند ، نامعلوم است . در این موارد باید دید هر یک از متهمین به چه ترتیب و میزان باید مسئول استرداد اموال شناخته شوند . آیا باید سهم هر یک از آنان به طور دقیق معین شود یا اینکه به تناسب تعداد افراد ، هر یک از آنان بخشی از اموال را مسترد کند یا اینکه تمام آنان بصورت تضامنی مسئول استرداد تمام اموال هستند ؟ حقوقدانان در این خصوص معیارهایی ارائه کرده اند که در این گفتار به اختصار به بررسی این موضوع می پردازیم.

الف) تناسب

اقتضای اصول و قواعدی مانند اصل شخصی بودن مجازاتها یا قاعده ی وزر^۱ و اینکه هر کس باید مسئول اعمال ارتكابی خود باشد این است که در موارد تعدد باید سهم واقعی هر یک از متهمین احراز شود و هر متهم صرفاً مسئول استرداد اموالی است که به او تعلق گرفته است.

ب) تساوی

این معیار که هر کس صرفاً مسئول استرداد اموالی است که شخصاً تحصیل کرده است در صورتی عادلانه است که سهم هر یک از متهمین کاملاً مشخص باشد اما در صورتی که نتواند سهم هر یک از متهمین را تعیین کند این معیار پاسخگو نخواهد بود.

برای رفع این مشکل می توان از معیار تساوی کمک گرفت و به نسبت تعداد متهمین و میزان اموالی که تحصیل کرده اند، مسئولیت پرداخت کسری از کل اموال بر عهده هر متهم گذارده شود مثلاً چنانچه محرز باشد که دو نفر متهم مبلغ ده میلیون ریال از محل قاچاق مواد مخدر تحصیل کرده اند اما سهم هر یک از آنها نامعلوم است دادگاه باید هر یک از آنها را به استرداد نصف اموال مذکور یعنی پنج میلیون ریال محکوم نماید البته باید توجه داشت در فرضی که دادگاه اعراض کرده است که متهمین به صورت مساوی منتفع شده اند در واقع هر دو معیار تناسب و تساوی رعایت شده است.

^۱ - لاآزرُ وازره ووزر آخری

ج) تضامن

الزام متهمین متعدد به استرداد سهمی از اموالی که مشترکاً تحصیل کرده اند هر چند راهکار اجرایی مفیدی است اما چون ممکن است در واقع منطبق بر واقعیت نباشد همیشه عادلانه نیست. از طرف دیگر ممکن است تمام یا بخش عمده اموال در اختیار یکی از متهمین باشد در نتیجه معیار تساوی ضمن اینکه ناعادلانه است موجب این می شود که اموال نامشروع کماکان در اختیار برخی از متهمین باقی بماند در نتیجه اهداف مصادره محقق نگردد.

از این رو معیار تضامن می تواند راهگشا باشد. در این خصوص که اساساً می توان برای یک دین چند ذمه را مشغول کرد فقها و حقوقدانان اختلاف نظر دارند. گروهی این امر را ممکن دانسته و برخی نیز آن را محال دانسته اند و ضمان مربوط به تعاقب ایادی در غصب را یک حکم استثنایی دانسته اند و چنین استدلال کرده اند که در مورد غصب نیز ضامن کسی است که مال در ید او تلف شده است و بقیه افراد ضامن پرداخت دین او هستند و مفهوم دین با مفهوم التزام به تادیه تفاوت دارد.^۱

در تعریف مسئولیت تضامنی گفته شده است که این نوع مسئولیت عبارت است از مسئولیت قانونی چند نفر به انجام امری و یا جبران زیانی که در اثر عمل آنها به دیگری وارد شده است.^۲ در خصوص مزایای مسئولیت تضامنی نیز گفته شده است که در این نوع ضمان امکانات و قدرت بیشتری برای طلب کار نسبت به وصول طلب خود از بدهکار وجود دارد.^۳

^۱ - کاتوزیان، ناصر، توجیه و مبنای تضامن غاصبان (تعاقب ایادی) در فقه، گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، صص ۳۳۳ تا ۳۴۰ (به نقل از حمید دلیر، حقوق مصادره، ص ۳۴۸)

^۲ - بیگلرزاده، امیر ناصر، مسئولیت تضامنی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۱ (به نقل از حمید دلیر، حقوق مصادره، ص ۳۴۸)

^۳ - همان، ص ۲۶

د) ارزیابی معیارهای فوق

هر یک از معیار های فوق الذکر دارای مزایا و معایبی می باشند د ر خصوص معیار تضامن می توان گفت که استرداد اموال و عواید ناشی از جرم را تسهیل می کند و از باقی ماندن اموال حاصل از جرم در ید مجرمین از جمله سران باند های بزه کاری جلوگیری می کند اما ایراد مهمی که بر معیار تضامن وارد می باشد این که اموال ممکن است از کسی گرفته شود که در واقع متصرف اموال حاصل از جرم نبوده است در نتیجه کماکان اموال اصلی در ید افراد دیگر باقی می ماند که در این خصوص می توان گفت علاوه بر ناعادلانه بودن موضوع، اهداف مصادره نیز به طور کامل محقق نمی شود.

پس باتوجه به مطالب معنونه بهتر است معیار تضامن در موارد کاملاً استثنایی از نظیر جرایم سازمان یافته اعمال شود و در سایر موارد بر اساس معیار تناسب و در مرحله بعد بر اساس معیار تساوی، اموال حاصل از جرم از مجرمان اخذ گردد، البته لازم به ذکر است در موارد فوق خصوصاً در مورد معیار تضامن تصریح قانون لازم و ضروری می باشد.

مبحث دوم: رد مال حاصل از جرم در اسناد بین المللی

یکی از سیاست هایی که قانون گذار برای جلوگیری از عملی شدن انگیزه ی افراد اتخاذ می کند الزام مجرم به اعاده اموال حاصل از جرم به بزه دیده و مصادره عواید حاصل از جرم به نفع دولت است قانون گذار در این مورد تا جایی پیش می رود که انتقال اموال و عواید حاصل از جرم به دیگران را نیز باطل تلقی می کند.^۱

^۱ - رحمدل، منصور؛ منبع پیشین، ص ۱۶۳.

اهمیت موضوع رد مال حاصل از جرم تا آنجایی است که علاوه بر قوانین داخلی کشورها در برخی از اسناد بین المللی مانند کنوانسیون پالرمو، کنوانسیون فساد مالی و کنوانسیون وین ۱۹۸۸ ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان گردان نیز پیش بینی شده است. در این مبحث بطور اجمال به بررسی موضوع در کنوانسیون های مذکور پرداخته می شود.

گفتار اول : کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۱۹۸۸ (کنوانسیون وین)^۱

مهم ترین سند بین المللی جهان شمولی که قبل از کنوانسیون پالرمو مبادرت به تعریف تطهیر پول نموده و از این حیث نقطه عطف محسوب می شود کنوانسیون وین ۱۹۸۸ ملل متحد علیه قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان گردان می باشد. در ماده ۳ این کنوانسیون تطهیر پول این گونه تعریف شده است.

« تبدیل یا انتقال اموال با علم بر اینکه چنین اموالی ناشی از جرم مندرج در بند الف) قاچاق غیرقانونی مواد مخدر و داروهای روان گردان) بوده ناشی از عمل مشارکت در چنین جرمی هستند و به منظور اختفاء یا انحراف منشأ غیر قانونی مال یا به منظور کمک به کسی که در ارتکاب چنین جرمی نقش داشته تا از آثار قانونی اعمال ارتكابی خود رهایی یابد»^۲

به هر حال منظور از تطهیر مال مخفی کردن منبع اصلی اموال ناشی از جرم و تبدیل آنها به اموال پاک است بطوری که یافتن منبع اصلی مال غیرممکن یا بسیار مشکل گردد در جرم

^۱ -United Nations convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances , 1988 (Vienna Convention)

^۲ -Vienna convention , art 3

پولشویی در صورتی که اموال حاصل از جرم دارای مالک مشخص باشد به وی مسترد و در صورتی که مالک مشخص نداشته باشد و قابل شناسایی نباشد به نفع دولت ضبط خواهد شد.^۱

گفتار دوم : کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی،

مصوب ۲۰۰۰ (کنوانسیون پالمو)^۲

باتوجه به اینکه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی طبق کنوانسیون پالمو پذیرفته شده است چنانچه از طریق ارتکاب جرم اموالی بدست بیآورند پس از کشف جرم به صاحبان اصلی آنها مسترد خواهد شد حتی اگر اموال حاصل از جرم به اموال دیگری تبدیل شده باشند نیز قابل استرداد خواهند بود هرچند که با فروش اموال ناشی از جرم اموال دیگری بطور قانونی بدست آمده باشد مثلاً اموال ناشی از جرم را فروخته و وجه آنرا به پول دیگری اضافه و اقدام به خرید مال دیگری نماید باز هم قابل استرداد و بازگشت خواهد بود.^۳

گفتار سوم: اموال قابل مصادره و استرداد در کنوانسیون پالمو

کنوانسیون پالمو منافع ناشی از جرائم مشمول این کنوانسیون یا اموالی که ارزش آنها با ارزش چنین منافی برابری می کند و اموال و تجهیزات یا سایر وسایل مورد استفاده در جرایم مشمول این کنوانسیون را قابل مصادره اعلام نموده است لذا علاوه بر منافع ناشی از جرم ، وسایلی که هرچند ناشی از جرم نیستند ولی به منظور ارتکاب جرم بکار می روند نیز قابل مصادره هستند لیکن برخلاف حقوق داخلی ایران سایر اموال مرتکبین که ارتباطی به ارتکاب جرم ندارند قابل مصادره نیستند بنابراین اگر وسیله ی نقلیه ای به ارتکاب جرم قاچاق اختصاص

^۱ - قادری، محمد حسن، منبع پیشین، ص ۱۱۰.

^۲ - United Nations convention against Transnational Organized Crime , 2000 , (Palermo Convention)

^۳ - قادری ، محمد حسن ، منبع پیشین ، ص ۱۱۲

یافته باشد قابل مصادره است ولی منزل یا سایر املاک مرتکب که ارتباطی به ارتکاب جرم نداشته و به طریق مشروع تحصیل شده و برای ارتکاب جرم به کار نروند قابل مصادره نمی باشد ، چنانچه توقیف شده باشند باید به مالکش مسترد گردند .

اموالی که تبدیل یا تطهیر شده یا در مرحله تطهیر باشند نیز قابل مصادره هستند.

مصادره اموال ناشی از جرم که به اموال دیگری تبدیل شده اند یا مصادره معادل اموال ناشی از جرم تمهید موثری است که مزایای خاص خود را دارد اولاً اختفا ، جایگزینی یا از بین بردن عین اموال حاصل از جرم خللی به عملیات مصادره وارد نمی کند . ثانیاً تصاحب اموال قانونی را ممکن می کند یعنی مقررات اداری معادل اموال ناشی از جرم به عهده مجرم است ولو اینکه وی اموال غیر قانونی اصلی را از دست داده باشد .^۱

بخاطر انتقال منافع ناشی از ارتکاب جنایات سازمان یافته به سرزمین دولتهای دیگر و در نظر گرفتن این واقعیت که متضرر اصلی دولتی است که جرم در سرزمین آن ارتکاب یافته است اگر در زمینه ی مصادره اموال ، دولتها به صورت هماهنگ رفتار نکنند عملاً مجرمین می توانند از خلأ موجود استفاده و منافع ناشی از جرم را به کشورهای دیگر انتقال دهند لذا تدوین کنندگان کنوانسیون به این مهم توجه کرده و مقرراتی در این زمینه تدوین کرده اند که بند ۱۵ ماده ۱۸ کنوانسیون شرایط خاص آن را پیش بینی کرده است و اموال مصادره شده در چند زمینه قابل استفاده هستند .

۱- اگر اموال متعلق به شخص خاصی (مجنی علیه) باشد باید به مالک واقعی

برگردند.

^۱- سلیمی ، صادق؛ همان ، ص ۱۴۹

۲- اگر متعلق به شخص خاصی نباشد ولی اشخاص بزه دیده مشخص و قابل

شناسایی باشد باید برای التیام آنان و خسارات وارده به آنان هزینه شوند.

که در این دو مورد قطعاً باید منافع و اموال مصادره شده و یا معادل آن به کشور محل

وقوع جرم برگردانده شوند .

۳- کمک به دولتهای در حال توسعه یا دولتهایی که اقتصاد آنها در حال انتقال است

برای اجرای کنوانسیون.^۱

گفتار چهارم: کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد، مصوب ۲۰۰۳)

کنوانسیون مریدا)^۲

در ماده ی ۳۱ کنوانسیون مزبور اموال ، تجهیزات و سایر وسایلی که در جرایم مذکور در

کنوانسیون به کار رفته یا تصمیم بر این بوده که بکار رود قابل مصادره اعلام شده است.

در ماده ۵۷ آن آمده است:

۱- اموالی که بوسیله ی دولت عضو مطابق مواد ۳۱ و ۵۵ این کنوانسیون ضبط

شده می‌بایست مطابق بند ۳ از این ماده تعیین تکلیف شود که شامل اعاده ی آن به مالک

قانونی قبلی‌اش می باشد که البته دولت عضو مطابق مواد این کنوانسیون و حقوق داخلی

انرا انجام می دهد.

۲- هر دولت عضو می بایست بر اساس اصول اساسی حقوق داخلی خویش چنین مقررات و

دیگر معیارها را بپذیرد که می تواند برای اینکه مقامات صالح را قادر به اعاده اموال ضبط شده

^۱- همان ، صص ۱۵۰ و ۱۵۱

^۲-United Nations convention against Corruption 2003, (Merida Convention)

کند ضروری باشد زمانیکه بنا به درخواست دولت عضو دیگر بر اساس این کنوانسیون اقدام می شود که حقوق اشخاص ثالث یا حسن نیت در نظر گرفته می شود.

۳- بر اساس مواد ۴۶ و ۵۵ این کنوانسیون و بند (و) این ماده دولت عضو مجاز :

الف) - در مورد اختلاس از وجوه عمومی یا در خصوص تصفیه وجوه عمومی اختلاس شده ، همان طوری که ارجاء داده شده است به مواد ۱۷ و ۲۳ این کنوانسیون زمانی که ضبط اموال بر اساس ماده ۵۵ و بر اساس حکم نهایی به درخواست دولت عضو انجام شده است شرطی که می تواند توسط دولت عضو مجاز نادیده انگاشته شود و آن اعاده اموال ضبط شده به دولت عضو مجاز است.

ب) - در خصوص وجوه حاصله از دیگر جرائمی که مشمول این کنوانسیون می شود زمانی که ضبط اموال بر اساس ماده ۵۵ و بر اساس رای نهایی به درخواست دولت عضو صادر شده انجام می شود شرطی که می تواند توسط دولت عضو مجاز نادیده انگاشته شود اموال ضبط شده به دولت عضو متقاضی اعاده « مسترد » می شود زمانی که دولت عضو متقاضی به طور مستدل مالکیت قبلی خویش را نسبت به اموال ضبط شده در مقابل دولت عضو مجاز اثبات نماید و یا وقتی که دولت عضو مجاز خسارت وارده به دولت عضو متقاضی را به عنوان پایه ای برای اعاده اموال ضبط شده به رسمیت می شناسد.

ج) - در همه موارد دیگر عوض اولیه ای را در مقابل اموال ضبط شده به دولت عضو متقاضی بدهد یا چنین اموالی را به مالکین قانونی ثابقتش مسترد دارد یا اینکه برای قربانی جرم جبران خسارت نماید.

د) - جایی که مقتضی موجود باشد دولت عضو مجاز ممکن است کاهش بدهد مخارج معقول را در تحقیقات، پیگرد ها یا اقدامات قضایی که منهی به اعاده یا تعیین تکلیف اموال ضبط شده بر اساس این ماده می شود.

ه) - جایی که مقتضی موجود باشد دولت های عضو ممکن است همچنین عوض مخصوصی را به توافقات نهایی یا توافقات قابل قبول متقابل، بر اساس مورد به مورد برای تعیین تکلیف نهایی اموال ضبط شده ما بدهد.

همانطوری که ملاحظه گردید در این کنواسیون در مواقعی که جرم اتفاق بیافتد و اموال از یک کشور به کشور دیگر منتقل شود و چنانچه طرفین عضو این کنواسیون باشند در صورتی که مالکیت خود را ثابت نمایند اموال به آنها مسترد خواهد شد.

نتیجه گیری و پیشنهادات

مطمئناً در انجام هر کار علمی و پژوهشی یک سری اهداف و نتایج خاصی از طرف پژوهشگر دنبال می شوند و این اهداف و مقاصد خاص جرقه شروع به تحقیق در خصوص موضوع مدنظر پژوهشگر می باشند. همه اتفاق نظر دارند که انجام یک کار علمی و پژوهشی بدون قصد دستیابی به اهداف و نتایج خاص نمی تواند مفید واقع گردد. پژوهش حاضر نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. اکنون به اختصار نتایج حاصله از این پژوهش ذیلاً ذکر می گردد و در خصوص بعضی موضوعاتی که به نظر نیاز به تصویب، اصلاح و شفاف سازی قوانین و مقررات مربوطه می باشد پیشنهادهایی ارائه می شود.

۱- از مجموعه قوانین موجود در ارتباط با ضبط و مصادره‌ی اموال مستفاد می شود که اولاً ماهیت حقوقی این عناوین با صراحت توسط قانونگذار مشخص نشده و این امر سبب گردیده که حقوقدانان تعاریف و نظرات مختلفی از این دو واژه ارائه دهند. برخی حقوقدانان ضبط و مصادره را مترادف هم دانسته‌اند و برخی مصادره را جدای از ضبط تلقی نموده‌اند و گفته‌اند که مصادره اموال ادامه ضبط موقت اموال است که به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد پس لازم به نظر می‌رسد این عناوین صراحتاً توسط قانونگذار تعریف شود.

۲- به طور کلی می‌توان گفت هدف از ضبط و مصادره و استرداد اموال این است که تمام اموال و منافع که مجرمین از طریق ارتکاب جرم تحصیل کرده‌اند از آنها اخذ شود و وضعیت مجرم و بزه دیده به زمان قبل از ارتکاب جرم باز گردد. مع‌الوصف اموال و عواید حاصل از جرم نه تنها شامل اموال و عوایدی است که مستقیماً از طریق ارتکاب جرم به مجرم رسیده است بلکه شامل تمام منافع هم که به صورت غیرمستقیم تحصیل شده است نیز می‌باشد.

۳- در حقوق ایران قانون جامعی در خصوص ضبط و مصادره و همچنین استرداد اموال و عواید حاصل از جرم وجود ندارد و صرفاً در قوانین متفرقه مقرراتی پیش‌بینی شده است که به هیچ وجه برای این منظور کافی نمی‌باشد. لازمه موفقیت در فرایند ضبط و مصادره و رد اموال و عواید حاصل از جرم تصویب قانونی جامع تحت عنوان « قانون ضبط و مصادره » یا « قانون اموال مرتبط با جرم » و یا ... می‌باشد. در این قانون لازم است وظایف و اختیارات مقامات و مراجع قضایی و غیرقضایی و حقوق و تکالیف اشخاص و سازمان های مختلف و همچنین آیین و شرایط رسیدگی مربوط به ضبط و مصادره و رد مال و عواید حاصل از جرم و موضوعاتی از این قبیل به صورت دقیق و شفاف پیش‌بینی شود. همچنین لازم است اصطلاحاتی مانند ضبط، مصادره، رد مال و مال حاصل از جرم به طور دقیق تعریف شود. تا مفهوم این عناوین در حقوق کیفری ما مشخص شود.

۴- در خصوص فرایند ضبط و مصادره اموال حقوق اشخاص ثالث از اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد زیرا ممکن است حقوق اشخاص ثالث در معرض تضییع قرار گیرد. در بسیاری از اسناد بین‌المللی نیز به این موضوع تأکید شده است که مقررات مربوط به ضبط و مصادره اموال نباید موجب تضییع حقوق اشخاص ثالث دارای حسن‌نیت شود. رعایت حقوق اشخاص ثالث مستلزم آن است که حق اطلاع از جریان رسیدگی و تدارک دفاع و نیز حق اعتراض به تصمیمات قضایی اعم از قرار یا حکم ضبط و مصادره برای آن‌ها به رسمیت شناخته شود و در صورتی که از تصمیمات مقامات قضایی ضرری به حقوق این اشخاص وارد آید باید جبران خسارت صورت گیرد. در حقوق ایران این امر کمتر مورد توجه قرار گرفته است در حالی که پیش‌بینی حقوق و تکالیف اشخاص ثالث و نیز تدابیر و شیوه‌هایی که برای رعایت از حقوق اشخاص ثالث دارای حسن‌نیت لازم است ضروری به نظر می‌رسد.

۵- لازم است قانونگذار تشریفات مطالبه عین، مثل یا قیمت اموال حاصل از جرم را دقیقاً مشخص نماید. تا از صدور آرای متعارض جلوگیری شود. می توان گفت مطالبه عین، مثل یا قیمت اموال حاصل از جرم نیاز به تقدیم دادخواست از طرف شاکی خصوصی ندارد و صرف درخواست او برای صدور حکم کافی است و حتی در پاره‌ای از موارد می‌توان گفت دادگاه حتی بدون مطالبه ذینفع موظف به صدور حکم مبنی بر استرداد اموال و عواید مجرمانه است. اما در خصوص مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم تقدیم دادخواست ضروری می‌باشد.

۶- موضوع چگونگی استیفای مال حاصل از جرم در مواقع سقوط دعوی عمومی در مقررات فعلی ما حکم صریحی وجود ندارد و این امر موجب اختلاف نظر و رویه شده است. برخی معتقدند که دادگاه کیفری کماکان باید به مسئله رسیدگی کند و برخی نیز معتقدند دادگاه کیفری با سقوط دعوی عمومی نمی‌تواند به موضوع استرداد اموال حاصل از جرم رسیدگی کند و شاکی خصوصی باید برای مطالبه حق خود به دادگاه‌های حقوقی مراجعه کند. به نظر می‌رسد رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص سقوط دعوی عمومی و مراجعه به دادگاه حقوقی و استیفای اموال حاصل از جرم و ضرر و زیان ناشی از جرم بیشتر با اصول حقوقی سازگار می‌باشد.

۷- در بحث رد مال حاصل از جرم در فرض تعدد مجرمین اگر موضوع قابل انطباق با تعاقب ایادی در بحث غصب باشد چون مالک برای مطالبه مال خود می‌تواند به هر یک از ایادی مراجعه کند ضمان استرداد جنبه تضامنی دارد. اما در سایر موارد چون تضامن خلاف اصل است نیاز به تصریح قانون دارد و در این موارد بهتر است از قاعده تناسب و احراز سهم واقعی هر یک از متهمین و در وحله‌ی بعد از قاعده تساوی و احراز مساوی بودن سهم هر یک از متهمین و یا عدم احراز واقع اقدام لازم به عمل آید.

۸- برای جلوگیری از ارتکاب جرایم و این‌که احکام دادگاه‌ها مخصوصاً در قسمت رد مال حاصل از جرم سریع‌تر انجام شود و بزه‌دیده به حق و حقوق خود برسد و با بدست آوردن مال از دست رفته‌ی خود دوباره به زندگی عادی خود برگردد بهتر است همان‌طور که در قوانین اکثر کشورهای خارجی پیش‌بینی شده است پیرامون استرداد اموال تبدیل شده نیز مقرراتی وضع گردد که هم باعث پیشگیری از جرم شده و هم بزه‌دیده زودتر به حقوق خود برسد. نکته دیگر اینکه رفتار با بزه‌دیدگان باید توأم با همدردی و احترام به شأن آنها باشد. و آنها در برابر آسیبی که به آن دچار شده‌اند سزاوار دسترسی به ساز و کارهای عدالت و جبران خسارت فوری‌اند و این سازوکارهای قضایی و اجرایی باید ایجاد و تقویت شود.

فهرست منابع:

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف- کتب

۱- آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ پنجم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۷۲.

۲- آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۸.

۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ شانزدهم، نشر میزان، تهران ۱۳۸۶.

۴- استقانی، گاستون، ژرژ لواسور، برناربلوک، حقوق جزای عمومی (ضمانت اجرایی مجازات‌ها و اقدامات تامینی) ترجمه حسن دادبان، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران ۱۳۷۷.

۵- افرام البستانی، فؤاد؛ فرهنگ جدید عربی- فارسی منجدالطلاب، ترجمه محمد بندرریگی چاپ دوازدهم، انتشارات اسلامی، بهار ۱۳۷۵

۶- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ سوم، نشر میزان، تهران ۱۳۸۵.

۷- بهرام احمدی، حمید، سوءاستفاده از حق، انتشارات اطلاعات تهران، ۱۳۷۰

- ۸- تفرشی، محمدعیسی، مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری، جلد اول، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- ۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ شانزدهم، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۵.
- ۱۰- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد پنجم، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، تهران ۱۳۸۱.
- ۱۱- جرجی، زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۵۲.
- ۱۲- دلیر، حمید، حقوق مصادره، چاپ اول، انتشارات میزان، تهران ۱۳۹۰.
- ۱۳- رضوانی نوری، محمد، فرهنگ حقوقی مدین، موسسه انتشاراتی مدین، چاپ دوم ۱۳۷۵.
- ۱۴- زراعت، عباس، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش کلیات، حقوق جزای عمومی، چاپ سوم، انتشارات ققنوس، ۱۳۸۲.
- ۱۵- ساکی، محمدرضا، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، انتشارات جنگل، تهران ۱۳۸۹.
- ۱۶- سلیمی، صادق، جنایات سازمان یافته فراملی، چاپ اول، انتشارات تهران صدا، ۱۳۸۲.
- ۱۷- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سوم، موسسه انتشارات ویستار، ۱۳۷۲.
- ۱۸- شکری، رضا، سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، چاپ دوم، نشر مهاجر، ۱۳۸۲.

- ۱۹- شهری، غلامرضا، سروش ستوده جهرمی، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۰- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ پنجم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۲.
- ۲۱- صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، چاپ اول، انتشارات آرش، تهران، ۱۳۵۲.
- ۲۲- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ پنجم، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۰.
- ۲۳- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۲۴- قاسمی، ناصر، اقدامات تامینی و تربیتی در حقوق کیفری ایران، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۴.
- ۲۵- قربانی، فرج‌اله، مجموعه آرای وحدت رویه قضایی دیوان عالی کشور در امور کیفری، چاپ دوم، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۱.
- ۲۶- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (ضمان قهری و مسئولیت مدنی)، چاپ اول، کتابفروشی دهخدا، تهران، ۱۳۶۲.
- ۲۷- کشاورز، بهمن، مجموعه آرای وحدت رویه قانون تعزیرات، چاپ دوم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- ۲۸- کشاورز، بهمن، نگرشی بر قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، چاپ اول، نشر میزان، ۱۳۷۴.
- ۲۹- گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱، ۲، ۳)، چاپ دوازدهم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۴.

۳۰- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.

۳۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی مجموعه دوجلدی، گردآورنده عزت اله عزیزاده، چاپ سوم، انتشارات آدنا، ۱۳۸۴.

۳۲- محمدی، حمید، ضبط، مصادره و استرداد اموال، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۵.

۳۳- میرمحمدصادقی، حسین، حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ هشتم، نشر میزان، ۱۳۸۶.

۳۴- نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سیزدهم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴.

۳۵- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، واکنش جامعه علیه جرم، جلد چهارم، چاپ دوم، دفتر نشر داد، ۱۳۷۵.

۳۶- ولیدی، محمدصالح، دوره حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اجرای عدالت قضایی واقتدار و نظم عمومی)، چاپ اول، انتشارات جنگل، ۱۳۸۹.

ب- مقالات و تقریرات

- ۱- آزمایش، سیدعلی، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۲-۷۳.
- ۲- جزایری، مینا، جرم پولشویی به عنوان یک جرم مستقل، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات همایش بین‌المللی مبارزه با پولشویی، چاپ دوم، نشر وفاق، ۱۳۸۲.

۳- رحمدل، منصور، مال و عواید حاصل از جرم و معکوس شدن بار اثبات، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۵،

۴- کاتوزیان، ناصر، توجیه و مبنای تضامن غاصبان و ترتب ایادی در فقه، گامی به سوی عدالت (مجموعه مقالات)، چاپ اول، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.

۵- کوشا، جعفر، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دوره کارشناسی ارشد، حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق واحد تهران مرکز، سال تحصیلی ۷۸-۷۷.

ج- پایان نامه‌ها

۱- حسن‌پور، یاسمین، بررسی جرم پولشویی در اسناد بین‌المللی و حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

۲- دلیر، حمید، اموال مرتبط با جرم در حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۶.

۳- عباسی، اصغر، بررسی مساعی بین‌المللی در زمینه مبارزه با پولشویی و رویکرد نظام حقوقی ایران در قبال آن، رساله دکتری، دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.

۴- فرج‌الهی، بررسی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶.

۵- قادری، محمد حسن، استرداد اموال ناشی از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، ۸۴-۸۳.

- ۶- قاسمی، سیدابوالحسن، ضبط و مصادره اموال در حقوق کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۷۹-۷۸.
- ۷- مسلمی پطرودی، نبی‌اله، ضبط و مصادره اموال در جرایم قاچاق مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ۸۴-۸۳.
- ۸- یاراحمدی، عبدالرضا؛ پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد تهران مرکز، سال

۱۳۷۷

د- منابع خارجی

- 1-Garner ,Bryan A ,Black Law Dictionary,P.677
- 2-Fried , David J , rationalizing criminal forfeiture ,P. 358

Conventions:

- 1-United Nations convention against Corruption 2003, (Merida Convention)
- 2-United Nations convention against Transnational Organized Crime , 2000 , (Palermo Convention)
- 3 -United Nations convention against Illicit Traffic in Narcotic Drugs and Psychotropic Substances , 1988 , (Vienna Convention)

Internet Sites:

<http://www.wikipedia.org>

<http://www.noormags.com>

<http://www.magiran.com>

ضمائم

نمونه رأی دادگاه انقلاب دایر بر شمول اصل ۴۹ قانون اساسی و فرمان حکومتی امام

تاریخ: ۷۴/۸/۱۷

کلاس پرونده: ۴۷۸۰۱/ت/۷۲۰

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۱۸ دادگاه انقلاب تهران شماره دادنامه: ۷۳۵ / ۱۸

۳۷۴/

گردش کار: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل این که متهمین ردیف اول و ششم از مهره‌های اصلی و فعال در تحکیم رژیم پهلوی بودند، در راستای شمولیت اصل ۴۹ قانون اساسی و به دلیل این که ایران اسلامی را ترک و در خارج از کشور سکنی گزیده بودند، اموالی که تاکنون از آنان مورد شناسایی بنیاد مستضعفان قرار گرفته با توجه به اقدامات معموله و اخطار متهمین از طریق جراید و Uدم مراجعه آنان ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی دادگاه:

با توجه به محتویات پرونده و اوراق و دلایل این که آقایان.... از وابستگان رژیم پهلوی بودند که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران را ترک و در خارج از کشور سکنی گزیدند و علی‌رغم احضار از طریق جراید مراجعتی نداشتند لذا در اجرای حکم حکومتی حضرت امام و فرمان ۷۰/۷/۱۷ که مقرر می‌دارد اموال شناسایی شده از متهمین و اقارب‌شان و دیگر اموال به دست آمده احتیاطاً در آینده که از ایشان شناسایی می‌شود تماماً به نفع بنیاد مستضعفان استرداد و ضبط و مصادره شود این رأی در اجرای فرمان مبارک پس از تأیید و تنفیذ جناب حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا نیری قطعی و لازم‌الاجرا خواهد بود.

رئیس شعبه ۱۸ دادگاه انقلاب تهران اُمّی

حکم دادگاه انقلاب اسلامی دایر بر ضبط و مصادره اموال خاندان پهلوی

تاریخ: ۶۳/۴/۴

کلاس پرونده: ۲۵۱/۱۲۱۱

شماره دادنامه:

مرجع رسیدگی کننده: حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در بنیاد مستضعفان

گردش کار: دادگاه انقلاب اسلامی مستقر در بنیاد مستضعفان در تاریخ ۶۳/۴/۴ به منظور

رسیدگی به درخواست های متعدد بنیادهای تهران و شهرستان ها در مورد مشخص شدن خاندان پهلوی و صدور رأی تطبیق موضوع حکم حکومتی امام مدظله العالی راجع به مشارالیه که در طول سلسله‌ی غیرقانونی تشکیل جلسه داده نظر به سوابق موجود به شرح ذیل مبادرت به اصدار رأی می‌نماید.

رأی دادگاه:

با توجه به بررسی‌های کافی که تاکنون انجام شده و اسناد و مدارک بیّن و رسیدگی‌های لازم اشخاص مفصل‌الاسامی ذیل از خاندان مزبور و بستگان نزدیک این خاندان مشمول این حکم واقع شده و اموال آنان به نفع بنیاد مستضعفان که نماینده‌ی غارت شدگان (مستضعفین) می‌باشد مسترد شده تلقی می‌گردد و همانطور که شورای محترم عالی قضایی طی شماره‌ی ۱/۱۶۰۷۹ مورخ ۶۲/۳/۳۰ مقرر فرموده‌اند این قبیل احکام به لحاظ این که صرفاً تشخیص موضوع می‌باشد قطعی و لازم‌الاجرا بوده نیازی به تأیید دادگاه عالی ندارد در مورد سایر اعضای این خاندان که احیاناً در این رأی نام آنها از قلم افتاده باشد پرونده مفتوح و اموال آنها توقیف است و

از محکومین این حکم هرگاه شخصی استثنائاً بر اصل مسلم ادعای عدم عضویت و وابستگی به سایرین و تبری از خاندان پهلوی را طی حکومت آنها عنوان کند می‌تواند ظرف مدت متعارف به این دادگاه مراجعه و نسبت به دلایل خود تقاضای رسیدگی نماید.

۱- رضا پهلوی فرزند دادش بک نام مادر نوش‌آفرین شماره شناسنامه ۵۹۶۳

۲- تاج‌الملوک پهلوی فرزند تیمور نام مادر ملک‌السلطان شماره شناسنامه ۵۹۶۶ محل صدور

تهران نسبت همسر رضاشاه

۳- ملکه توران (قمرالملوک) پهلوی (امیرسلیمانی) فرزند امیرعیسی شماره شناسنامه

۱۸۱۵۲ محل صدور تهران همسر رضاشاه

- ...

۹۸- داریوش پهلوی‌نیا فرزند علی‌هیلا نام مادر فاطمه شماره شناسنامه ۲۲ صادره تهران

حاکم شرع دادگاه انقلاب اسلامی

مستقر در بنیاد مستضعفان

نمونه رأی تجدیدنظر در خصوص دعاوی دادگاه انقلاب اسلامی ویژه اصل ۴۹ قانون

اساسی

تاریخ: ۸۹/۳/۱۷

کلاس پرونده: ۲۱/۸۲ - ۱۷۴

شماره دادنامه: ۱۰۴۳

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۲۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

هیأت دادگاه: آقایان: رئیس دادگاه: سید حسین بهرامی و مستشار دادگاه: اسماعیل دهقانیان

تجدیدنظرخواه: ...

تجدیدنظرخوانده: خانم ثریا ...

تجدیدنظرخواسته: دادنامه ۱۴۹۳ در تاریخ ۸۱/۱۰/۲۹ دادگاه اول انقلاب اسلامی ارومیه

گردش کار: در مهلت مقرر قانونی نسبت به دادنامه فوق حسب ضوابط تقاضای

تجدیدنظرخواهی شده پرونده به این شعبه ارجاع جلسه فوق العاده دادگاه تحت نظر امضاکنندگان

ذیل (هیأت شعبه) تشکیل شده با توجه به محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و پس از مشاوره

به شرح آتی انشای رأی می نماید.

رأی دادگاه: در خصوص دادخواست تجدیدنظر تقدیمی ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

(به طرفیت خانم ثریا ... نسبت به دادنامه شماره ۱۴۹۳ - ۸۱/۱۰/۲۹ صادره از شعبه

یک دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه، که با توجه به محتویات پرونده در قبال دادخواست تقدیمی

خانم ثریا ... به طرفیت ستاد اجرایی مبنی بر تقاضای صدور حکم به نقض و الغای هرگونه

حکمی که در مورد مصادره اموال نامبرده صادر شده است و امر به اعاده مالکیت املاک به نحو شرعی و قانونی به نام وی به دادگاه انقلاب اسلامی ارومیه تقدیم شده که منجر به صدور حکم معترض‌عنه مبنی بر این که چون به موجب دادنامه قطعی دادگاه انقلاب اسلامی و تأییدیه در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۹ حاکم شرع محترم محاکم انقلاب اسلامی ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی و اموال در اختیار ولی‌فقیه مقرر گردیده: «... اموال به جامانده از خانم ثریا ... به تملک ستاد اجرایی فرمان حضرت امام قدس‌سره‌الشریف درآید که پس از تقویم به مصرف برساند و حق سرپرستی به نفع ستاد اجرایی ضبط و مالیاتهای متعلقه پرداخت و مابقی در حساب امانی منظور شود تا در صورت مراجعه نامبرده و رسیدگی به موضوع حسب حکمی که صادر می‌شود در مورد مانده وجوه اقدام شود... لذا طبق دادنامه معترض‌عنه رأی بر اجرای مفاد دادنامه مذکور صادر شده چون در رأی معترض‌عنه در مورد خمس نفیاً یا اثباتاً اظهارنظری معمول نگردیده است جهت تصمیم‌گیری به دادگاه نخستین ارسال می‌گردد این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۲۱ تجدیدنظر استان تهران

سیدحسین بهرامی

مستشار دادگاه

اسماعیل دهقانیان

نمونه رأی تجدیدنظر در خصوص رد مال حاصل از جرم در کلاهبرداری

تاریخ: ۸۶/۲/۱۶

شماره دادنامه: ۱۶۹

کلاسه پرونده: ۱۵۹/۵/۸۶

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

تجدیدنظرخواه: آقای ... با وکالت آقای ذبیح الله ...

تجدیدنظرخوانده: آقای ...

تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۵۲۴ در تاریخ ۸۵/۵/۱۸ صادره از شعبه ۱۱۷۴ دادگاه

عمومی جزایی تهران

گردش کار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده، ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر

رأی داده.

رأی دادگاه: در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ذبیح الله ... وکیل پایه یک دادگستری به

وکالت از ناحیه آقای ... نسبت به دادنامه شماره ۵۲۴ در تاریخ ۸۵/۵/۱۸ صادره از شعبه ۱۱۷۴

دادگاه عمومی جزایی تهران در پرونده کلاسه ۱۵۶۵/۱۱۷۴/۸۴ به شرح لایحه ۱۴۷۹

اعتراضیه وارد به شماره ۱۴۷۹ تاریخ ۸۵/۷/۱۵ و لایحه تکمیلی تقدیمی به شماره ۱۸۵۵

در تاریخ ۸۵/۹/۶ مضبوط در پرونده متضمن محکومیت تجدیدنظرخوانده آقای ... به

اتهام فروش مال غیر (یک واحد آپارتمان به مبلغ ۳۴۸/۰۰۰/۰۰۰) به استناد مواد ۱ و ۳

قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می دهند به تحمل یک سال حبس به این که ایراد و

اعتراض موجه و مدلل و مؤثری که موجبات نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را ایجاب نماید

بعمل نیامده است در نهایت رأی محکومیت تجدیدنظرخوانده‌ای که به استناد مواد ۱ و ۳ قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند فقط به تحمل یک سال حبس صادر شده مبنی بر اشتباه است که دادگاه بدوی در این خصوص یعنی در تعیین مجازات و تطبیق عمل متهم با قانون که مجازات کلاهبرداری مستفاد از رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۵۹۴ مورخ ۷۳/۹/۱ هیأت عمومی دیوانعالی کشور که مجازات جرایم کلاهبرداری باید بموجب ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام کیفر گردند و یا جرایمی که موجب قانون کلاهبرداری محسوب شود از حیث تعیین کیفر مشمول ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده و این که مجازات بزه کلاهبرداری نیز از مجازات‌های مرکب بوده که دادگاه بدوی به تعیین جزای نقدی و رد مال اقدامی ننموده بنابراین دادگاه در خصوص موارد مذکور مرتکب اشتباه شده و با عنایت به درخواست وکیل تجدیدنظرخواه و به استناد بند ۴ از شق ب ماده‌ی ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و با رعایت ماده‌ی ۲۵۰ قانون مذکور و تبصره‌ی ۴ از ماده‌ی ۲۲ اصلاحی ۸۱/۷/۲۸ با رد تجدیدنظرخواهی طرح شده و اصلاح محکومیت متهم تجدیدنظرخوانده علاوه بر یک سال حبس به پرداخت مبلغ ۳۴۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت و رد مبلغ مذکور که قیمت یک واحد آپارتمان خریداری تجدیدنظرخوانده بوده در حق آقای ... رأی محکومیت تجدیدنظرخوانده را با اصلاح به شرح مذکور تأیید می‌نماید و تذکر لازم نیز به دادگاه بدوی داده می‌شود رأی دادگاه قطعی است.

رئیس شعبه ۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

رضا صفرپور

مستشاران دادگاه

صفر رضایی، ایرج امیرخانی

نمونه رأی تجدیدنظر در مورد رد مال و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت یوم‌الرد در جرم

فروش مال غیر

تاریخ: ۸۴/۳/۹

شماره دادنامه: ۴۵۱

کلاس پرونده: ۴۴۷/۲/۸۴

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

تجدیدنظرخواه: آقای ...

تجدیدنظرخوانده: آقای ...

تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۱۱۶۱ در تاریخ ۸۳/۱۱/۱۸ صادره از شعبه ۱۰۸۲

دادگاه عمومی جزایی تهران

گردش کار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده، ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر

رأی داد.

رأی دادگاه:

تجدیدنظرخواهی آقای ... به رأی شماره ۱۱۶۱ مورخ ۸۳/۱۱/۱۸ صادره از شعبه ۱۰۸۲

دادگاه عمومی جزایی تهران در پرونده ۱۱۹/۸۳ وارد نیست زیرا فروش مال آقای

محمدحسین ... را به غیر قبول کرده و دادخواست تجدیدنظر خود را با قبول اشتباه و ارتکاب بزه

معنونه و تقاضای تخفیف مجازات نموده است بنابراین چون دادگاه بدوی با احراز جرم فروش

مال غیر بر تعیین مجازات آن براساس ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و

کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام و در رعایت تبصره‌ی ۱ آن ماده دچار اشتباه شده است و با وجود قید حداقل مجازات در تبصره‌ی مذکور از آن پایین‌تر رفته است این دادگاه با اجازه‌ی حاصله از ماده‌ی ۲۵۸ قانون آیین‌دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ با تصحیح حکم از جهت میزان مجازات تعیین شده برای آقای ... و تعیین مجازات یک سال حبس و رد اصل مال و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت یوم‌الرد و پرداخت جزای نقدی معادل ارزش زمین فروخته شده بقیمتی که فروش رفته است رأی دادگاه بدوی را در نهایت تأیید می‌نماید دادخواست تجدیدنظر آقای محمدحسین ... چون موجه و مدلل نبوده و خدشه‌ای بر رأی صادره وارد نمی‌کند و مؤثر در مقام نیست رد می‌گردد. این رأی حضوری و قطعی است.

رئیس شعبه‌ی ۲ تجدیدنظر استان تهران

سیدجواد حسینی اراکی

مستشار دادگاه

صداقت فرجی نیر

نمونه رأی تجدیدنظر در مورد رد عین مال و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت اموال

مسروقه

تاریخ: ۸۳/۱۰/۷

شماره دادنامه: ۱۱۷۱

کلاس پرونده: ۱۲۷۹/۳۱/۸۳

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

تجدیدنظرخواه: آقای ...

تجدیدنظرخوانده: آقای ...

تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۲۹۷ در تاریخ ۸۳/۳/۱۲ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه

عمومی جزایی شهرری پرونده کلاسه ۱۵۴۸/۱۰۱/۸۲

گردش کار: دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده، ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر

رأی داد.

رأی دادگاه:

در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای ... نسبت به دادنامه شماره ۲۹۷ در تاریخ ۸۳/۳/۱۲

صادر از شعبه ۱۰۱ دادگاه عمومی جزایی شهرستان ری در پرونده کلاسه شماره

۱۵۴۸/۱۰۱/۸۲ که بموجب آن براساس کیفر خواست دادسرا و با استدلال منعکس در دادنامه

تجدیدنظرخواه به اتهام سرقت به استناد مواد ۶۵۶ و ۶۶۷ قانون مجازات اسلامی به تحمل ۱۰

ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و رد عین و در صورت فقدان عین، به رد مثل یا قیمت

اموال مسروقه در حق شاکیان محکوم شده است نظر به اینکه از سوی تجدیدنظرخواه ایراد و

اعتراض مؤثر و موجهی که گسیختن دادنامه‌ی معترض عنه را ایجاد نماید بعمل نیامده و بر

دادنامه‌ی مذکور ایراد و اشکالی قانونی که موجب نقض آن گردد وارد نیست ضمن رد اعتراض عنوان شده دادنامه‌ی تجدیدنظرخواسته به استناد شق الف ماده‌ی ۲۵۷ قانون آیین دادرسی کیفری تأیید و استوار می‌شود رای صادره قطعی است به دادگاه محترم نخستین متذکر می‌شود که در اجرای ماده‌ی ۲۵۸ قانون مذکور از دادنامه در خصوص تعیین اسامی شاکیان و تعیین میزان رد اموال به آنان رفع ابهام و اجمال شود.

رئیس شعبه‌ی ۳۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

علیرضا سعیدی

مستشاران دادگاه

محمد اسلامی، علیرضا نامدار

نمونه رأی تجدیدنظر در مورد رد عین و در صورت تعذر رد مثل و یا قیمت اموال مسروقه

تاریخ: ۸۳/۳/۹

شماره دادنامه: ۱۳۴۸

کلاس پرونده: ۳۲/۱۳۷۵/۸۳

مرجع رسیدگی کننده: شعبه ۳۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

تجدیدنظرخواه: آقای حسن ...

تجدیدنظرخوانده: خانم لیلی

تجدیدنظرخواسته: دادنامه شماره ۸۹۰ در تاریخ ۸۳/۶/۲۱ صادره از شعبه ۱۰۳۰ دادگاه

عمومی جزایی تهران

گردش کار: دادگاه با بررسی محتویات پرونده، ختم دادرسی را اعلام و به شرح زیر رأی داد.

رأی دادگاه: تجدیدنظرخواهی آقای حسن ... نسبت به دادنامه شماره ۸۹۰ - ۸۳/۶/۲۱

صادر از شعبه ۱۰۳۰ دادگاه عمومی جزایی تهران مبنی بر محکومیت وی به اتهام سرقت

گوشی تلفن همراه شاکی خانم لیلی... محکومیت نامبرده به تحمل ۹۱ روز حبس تعزیری و رد

عین مال یا مثل یا قیمت آن بابت سرقت و پرداخت مبلغ دویست هزار ریال بابت مزاحمت بانوان

حسب لایحه اعتراضی موجه و مؤثر بنظر نمی رسد مندرجات لایحه اعتراضیه با هیچ یک

از جهات مذکور در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی کیفری مطابقت ندارد و رأی صادره با

توجه به محتویات پرونده و ادله ابرازی به درستی صادر شده و ایراد و اشکال قانونی متوجه

آن نیست بنابراین دادگاه ضمن رد تجدیدنظرخواهی نامبرده دادنامه معترض عنه را تأیید می نماید.

این رأی قطعی است.

رئیس شعبه ۳۲ تجدیدنظر استان تهران: جلیل تقویان مستشار دادگاه: عطایی

Abstract:

Public order requires that legitimate ownership of persons gets protected and respected sometimes it happens that people ownership locks legality & legitimacy. This ownership can't be respectful and somehow these properties relate to crime. In this case dealing with forfeiture & confiscation of people properties takes place as one of criminal guarantees. Of course requirement to respect people rights is very crucial. The importance of forfeiture is such a high that is affirmed in international conventions. In general the victim is rightful to demand his damages besides interaction of properties and it's necessary to respect him and provide judicial remedies for him.

Keywords:

Forfeiture – confiscation – propertied - Derived from crime - refund

Abstract:

Public order requires that legitimate ownership of persons gets protected and respected sometimes it happens that people ownership locks legality & legitimacy. This ownership can't be respectful and somehow these properties relate to crime. In this case dealing with forfeiture & confiscation of people properties takes place as one of criminal guarantees. Of course requirement to respect people rights is very crucial. The importance of forfeiture is such a high that is affirmed in international conventions. In general the victim is rightful to demand his damages besides interaction of properties and it's necessary to respect him and provide judicial remedies for him.

Keywords:

Forfeiture – confiscation – propertied - Derived from crime - refund